

## کنگره وحدت با موفقیت برگزار شد

در خردادماه سال جاری، پس از بررسی و تصویب مبنای وحدت در کنگره‌ی سازمان فدائیان خلق ایران و نشست عمومی سازمان آزادی گار ایران (فدائی)، کنگره‌ی وحدت دو سازمان برگزار گردید.

با تشکیل کنگره‌ی وحدت، دوره‌ی نسبتاً طولانی مباحث تدارکاتی وحدت دو سازمان به پایان رسید و شعار "پیروزیاد وحدت دو سازمان در راه وحدت صفوف جنبش چپ ایران" برفراز کنگره نقش بست تا بیانگر احساس مسئولیت و عزم نمایندگان کنگره برای وحدت‌های بزرگتر و مبارزه‌ای هماهنگ‌تر و موثرتر علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای رهائی مردم ایران باشد.

مطابق آئین‌نامه‌ی تصویب‌شده، مباحث زیر در دستور بررسی کنگره‌ی وحدت قرار داشت:

- کارپایه‌ی سیاسی مبارزه علیه رژیم و تزهائی درباره‌ی اوضاع ایران، منطقه و جهان،

- تقویت تشکیلات داخل و گسترش مبارزه در ایران،

- بررسی و تصویب برنامه و اساسنامه،

- بررسی و تصویب مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها درباره‌ی جوانب مختلف فعالیت سازمان،

- انتخاب کمیته‌ی مرکزی و کمیسیون مرکزی کنترل و بازرسی،

- گزینش نام سازمان جدید

مباحث کنگره‌ی وحدت، بدلیل بحث‌های آزادی که پیرامون اوضاع ایران و مسائل جنبش و سازمان صورت گرفت، بدلیل خواست عمومی مبنی بر صراحت و علنیت در طرح مسائل و مشکلات مبتلابه جنبش، بدلیل برخوردهای انتقادی شجاعانه با ضعف‌های موجود، و بگواه جریان مباحث کنگره و مصوبات آن، حاکی از حرکت و روشی نوین و بالنده در سازمان بود.

بقیه در صفحه ۵

آنچه در زیر می‌آید گزارشی اجمالی از مباحث کنگره است.

## اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما

● در شرایط سرکوب و اختناق بی‌سابقه در ایران، خواست دموکراسی و آزادی‌های سیاسی به محوری‌ترین خواست وسیع‌ترین اقشار و طبقات مختلف مردم ایران تبدیل شده است.

جنبش چپ ایران مدافع راستین استقلال، سعادت و آزادی ایران است. جنبش چپ ایران پیشروترین نیروی مدافع تامین عدالت اجتماعی و دموکراسی سیاسی یعنی پذیرش اراده اکثریت توده‌های مردم ایران است.

● نیروهای جنبش چپ در مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی می‌توانند از زمینه‌های بسیار مناسبی همچون نارضایتی عمیق توده‌های مردم ایران از حکومت اسلامی، تشدید بحران اقتصادی، ناسازگاری رژیم با اوضاع بین‌المللی، بیزاری افکار عمومی جهانیان از حکومت و بالاخره تشدید بحران درونی رژیم، بهره گیرند.

جنبش چپ از شرایط مناسبی برای دامن زدن به مبارزه در راه سرنگونی رژیم برخوردار است مشروط به آنکه بتواند به پراکندگی مرکب کثونی خاتمه دهد و همراه با نیروهای جنبش ترقی‌خواهانه ایران چشم‌انداز یک آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی را در برابر توده‌ها ترسیم نماید.

در صفحه ۱۰

● رژیم جمهوری اسلامی، بمثابة رژیمی توتالیتر و ایدئولوژیک بر مبنای ایدئولوژی اسلامی و سیستم "ولایت فقیه، نظام استبدادی همه‌گیر مذهبی و فردی را بر میهن ما تحمیل کرده است که آشکارا ناقض ابتدائی‌ترین حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی و فردی و اجتماعی مردم ایران است.

● رژیم مذهبی جمهوری اسلامی که دین و دولت در آن تلفیق گشته و مذهب شیعه و روحانیت از امتیازات ویژه برخوردار می‌باشد، یکی از خشن‌ترین دیکتاتوریهای زمان ماست که متکی بر قهر ضدانقلابی عربیان، سرکوب و وحشیانه و تروریسم آشکار است. رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و مدافع بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته است. رژیم جمهوری اسلامی در چهارچوب نظم سرمایه‌داری، بدلیل تناقضات خود، گردش اقتصاد سرمایه‌داری را نیز دچار اختلال می‌کند و از هر رژیم سرمایه‌داری ارتجاعی‌تر است.

### در این شماره

● پلانقرم وحدت

● اساسنامه سازمان فدائی (مصوب کنگره وحدت)

● اسناد ضمیمه :

● آئین‌نامه انتخابات و برگزاری کنگره

● گزارشی از مباحث اساسنامه

● تزهائی درباره وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران

و وظائف ما

● پلنوم اول کمیته مرکزی سازمان برگزار شد

● اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائی درباره

برگزاری کنگره وحدت

● سرکوب و اعدام در چین را محکوم می‌کنیم

● اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائی بمناسبت

شهادت دکتر عبدالرحمان قاسملو

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائی درباره

## برگزاری کنگره وحدت

در خردادماه سال جاری، نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران، نشست عمومی سازمان آزادی کار ایران (فدائی) و کنگره وحدت دو سازمان برگزار گردید.  
پس از بحث و بررسی قطعنامه‌ها و پلتفرم‌های سیاسی - ایدئولوژیک وحدت در اجلاس‌های جداگانه دو سازمان پلتفرمی که به پیوست همین اطلاعیه منتشر می‌شود بعنوان مبنای وحدت دو سازمان تصویب شد.

با تصویب مبنای وحدت و تبدیل اجلاس‌های جداگانه دو سازمان به کنگره مشترک، شعار "پیروز باد وحدت دو سازمان در راه وحدت جنبش چپ ایران" بر تارک کنگره نقش بست و احساس مسئولیت نمایندگان کنگره نسبت به وحدت، عزم آنها برای پایان دادن به تفرقه و پراکندگی موجود در صفوف جنبش چپ ایران و از این طریق قادر ساختن آن به ایفای نقشی شایسته در راه رهایی مردم ایران از سلطه شوم رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

موضوعات در دستور کنگره وحدت به قرار زیر بود:  
- کارپایه سیاسی مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و تزهائی درباره اوضاع ایران، منطقه و جهان،  
- تقویت تشکیلات داخل و گسترش مبارزه در ایران،  
- بررسی و تصویب برنامه و اساسنامه،

- مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها درباره جوانب مختلف فعالیت سازمان،  
- انتخاب کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی کنترل و بازرسی،  
- انتخاب نام جدید برای سازمان جدید.

کنگره وحدت یک رشته مسائل مهم سیاسی و تشکیلاتی را مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار داد که کارپایه سیاسی مبارزه علیه رژیم اسلامی و تزهائی درباره اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران، اساسنامه سازمان و برخی قطعنامه‌های مربوط به تقویت تشکیلات داخل و گسترش مبارزه در ایران از آنجمله بود. در تحلیل مشترک از اوضاع ایران و وظایف ما، بر دموکراسی و آزادی‌های سیاسی بعنوان مهم‌ترین خواست مردم ایران و موضوع مرکزی تبلیغ و ترویج سازمان جدید و همچنین بر ضرورت تلاش برای تأمین اتحاد تمام نیروهای مترقی و آزادیخواه در مبارزه علیه رژیم تأکید گردیده است.  
در مباحث مربوط به اساسنامه سازمان، ده‌ها پیشنهاد اصلاحی ارائه گردید و اساسنامه جدید به تصویب نمایندگان کنگره وحدت رسید. در این اساسنامه از جمله مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون قید و شرط بعنوان ضامن حیات دموکراتیک درونی سازمان و بعنوان یک اصل مورد تأکید قرار گرفته است.

کنگره مشترک، با بررسی مجموعه پیشنهادات، نام "سازمان فدائی" را برای سازمان جدید انتخاب کرد.  
کنگره مشترک بدلیل کمبود وقت و گستردگی مسائل در دستور بررسی، برخی از آنها را مورد بررسی قرار نداد. طرح برنامه‌های پیشنهادی درباره اوضاع جهان و منطقه، شیوه برخورد به احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون، و مجموعه‌ای از قطعنامه‌های درباره جوانب مختلف فعالیت سازمان از جمله این مسائل هستند. کنگره مشترک برای تصمیم‌گیری درباره این مسائل، کمیته مرکزی منتخب را موظف کرد تا مرحله دوم کنگره را سازماندهی و برگزار نماید.

کنگره مشترک، مملو از احساس مسئولیت نمایندگان در قبال وحدت و لبریز از اشتیاق آنها به وحدت‌های بزرگتر و شکل‌گیری اپوزیسیونی قدرتمند و پرنفوذ برای مبارزه‌ای موثر در راه رهایی مردم ایران از یوغ رژیم جمهوری اسلامی بود. کمیته مرکزی سازمان امیدوار است همراه با کل نیروهای سازمان و با همکاری و همگامی کل نیروهای جنبش چپ ایران، گام‌های آغازین را در این راه بردارد.



## پلاتفرم وحدت

(آنچه در زیر می‌خوانید ترکیب پلاتفرم "۵ نفره" با اصلاحاتی است که مجموعاً بعنوان مبنای وحدت دو سازمان پذیرفته شده است).

۱- مضمون اصلی دوران تاریخی کنونی را گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم تشکیل می‌دهد که با انقلاب کبیر اکثر آغاز گردیده است. تضاد عمیق بین دو سیستم اجتماعی سوسیالیستی و سرمایه‌داری تضاد اساسی این دوران بوده و طبقه کارگر بین‌المللی در رأس آن قرار دارد. نظام جهانی سوسیالیستی جنبش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهائی‌بخش خلق‌های تحت ستم امپریالیسم نیروهای محرکه انقلاب جهانی را در دوران کنونی تشکیل می‌دهند.

۲- انترناسیونالیسم پرولتری، عنصر تفکیک‌ناپذیر ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و از جمله خصوصیات اصلی پیشاهنگ طبقه کارگر است که آنرا از دیگر طبقات، سازمانها و احزاب غیرپرولتری متمایز می‌کند. انترناسیونالیسم بمفهوم همبستگی جهانی کارگران، بمفهوم اشتراک درموقعیت، اهداف، منافع و مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک یعنی سرمایه‌داری جهانی است.

طبقه کارگر با پیشبرد انقلاب در کشور خویش و پشتیبانی از خط‌مشی و مبارزه انقلابی طبقه کارگر دیگر کشورها و دفاع از جنبش‌های رهائی‌بخش خلق‌های تحت ستم و تلاش و فداکاری در اینراه، وظیفه انترناسیونالیستی خود را انجام می‌دهد. پیشبرد انقلاب در کشور خویش مهمترین بخش وظیفه انترناسیونالیستی طبقه کارگر است. بنابراین عرصه اصلی مبارزه کارگران هر کشور همانا کشور خود آنانست که باید برای کسب قدرت و استقرار سوسیالیسم در آن، مبارزه کنند. وظیفه پیشبرد مبارزه در عرصه داخلی، با پشتیبانی فعال از مبارزات کارگران دیگر کشورها و پیشاهنگ انقلابی آنان تکمیل می‌شود. همبستگی انترناسیونالیستی با کشورهای سوسیالیستی، جنبش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهائی‌بخش بمعنای نادیده گرفتن نارسائی‌ها، ضعفها و انحرافات آنان نیست و بدینترتیب انتقاد صریح و جدی از این ضعفها و انحرافات در تقابل با امر همبستگی قرار ندارد.

جنبش کمونیستی ایران می‌بایست مناسبات انترناسیونالیستی خود را با دیگر احزاب و جنبشها، برپایه اصول استقلال، برابری کامل حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر قرار دهد. احزاب و سازمانها کمونیستی هر کشور خط‌مشی مبارزاتی خود را برپایه شرایط داخلی خود راساً تدوین کرده و پیش می‌برند.

ملیرغم تأکید بر اصول استقلال، برابری کامل و عدم مداخله در روابط انترناسیونالیستی، این اصول در روابط احزاب کمونیست و از جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب توده نقض شده است. انترناسیونالیسم پرولتری با چنین مناسباتی ناسازگار است.

۳- دولت محصول مرحله‌ی معینی از تکامل اجتماعی و تجلی آشتی‌ناپذیری تضادهای طبقاتی است، دولت دستگاه سلطه‌ی طبقاتی است. دولت در دمکراتیک‌ترین جمهوری بورژوازی نیز دستگاهی است در خدمت سرمایه‌داران بر علیه زحمتکشان. طبقه کارگر با انقلاب سوسیالیستی، نظام دولت بورژوازی را درهم شکسته و نظام دولتی نوینی را ایجاد می‌کند که هدف بلاواسطه‌اش الغاء مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان و ساختمان سوسیالیسم است. جمهوری سوسیالیستی تأمین‌کننده وسیعترین آزادیهای سیاسی (آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تشکلهای ... است. این امر بمعنای پذیرش اصل مرجعیت مردم و نتایج سیاسی ناشی از آرای مردم است.

مضمون دولت پرولتری در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و برای ساختمان جامعه نوین، دیکتاتوری پرولتاریا است، که با انواع و اشکال ممکن، با مقاومت دشمنان سوسیالیسم مقابله می‌کند. تنها با گذار از این دوران انتقالی است که پیشرفت بی‌وقفه جامعه بسوی محور طبقات و تحقق کمونیسم که هدف نهائی پرولتاریا است، امکان پذیر می‌گردد. (شکل قهرآمیز اعمال دیکتاتوری پرولتاریا تنها در شرایط ویژه، در مقابل شکل مقاومت قهرآمیز دشمنان خلق صورت می‌گیرد.)

۴- سوسیالیسم برای توده‌ها و کارتوده‌ها است. تجربه هفتادساله ساختمان سوسیالیسم کاملاً آشکار کرده است که سوسیالیسم و دمکراسی جدائی‌ناپذیرند، بدون تأمین دمکراسی و شرکت سازمانیافته و فعال کارگران و زحمتکشان در بنای سوسیالیسم و در رهبری و اداره‌ی امور دولت و جامعه، بدون سازماندهی کنترل و بازرسی واقعی و مستقیم توده‌ای بر پیشرفت امور، حاکمیت طبقه کارگر ناگزیر خصلت بوروکراتیک بخود گرفته و نتیجتاً پیشرفت و تعالی جامعه نه تنها با اختلال که حتی با بن‌بست و بحران روبرو می‌گردد. تنها با گسترش روزافزون دمکراسی سوسیالیستی و میدان دادن به ابتکار خلاقانه توده‌ها، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان، مطبوعات، آزادی کامل فعالیت تشکلهای مستقل صنفی، سیاسی و اجتماعی، آزادی

فعالیت احزاب در چهارچوب قانون - که تماما پیش شرط ضروری شیوهی اداره امور و شکوفائی جامعه سوسیالیستی است - می توان برتری نظام سوسیالیستی را در کلیه جوانب زندگی اجتماعی بر پیشرفته ترین سیستم های سرمایه داری به منحصی ظهور رساند.

بازنگری از این موضع به تجربیات ساختمان سوسیالیسم و بررسی و نقد جدی دیدگاه ها و روشهایی که در چنددهه گذشته بر جنبش جهانی کمونیستی غلبه داشته است، از اهمیت اصولی برخوردار است.

۵- رهائی طبقه کارگر جز با استقرار سوسیالیسم و کمونیسم میسر نیست. اما طبقه کارگر ایران در مرحله تاریخی کنونی رشد جامعه ایران نمی تواند به انقلاب سوسیالیستی دست بزند. انقلاب ایران بدلیل عقب ماندگی عمومی اقتصادی - اجتماعی جامعه، کیفیت آرایش نیروهای طبقاتی و سطح پائین آگاهی طبقاتی و تشکل طبقه کارگر، جزئی از انقلابات دمکراتیک - ضدامپریالیستی است که پیروزی قطعی آن مشروط به تامین رهبری طبقه کارگر و فراتر رفتن از چارچوب سرمایه داری یعنی سمتگیری سوسیالیستی است.

۶- تسلط مناسبات سرمایه داری و وابستگی به امپریالیسم مهمترین خصوصیت سیستم اقتصادی ایران بوده و علت اصلی عقب ماندگی جامعه و منشاء فقر و سیه روزی توده های وسیع مردم است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی اساس مناسبات اقتصادی - اجتماعی گذشته و وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را همچنان حفظ کرده است. در سالهای حاکمیت رژیم اسلامی قشر نوینی از بورژوازی بوروکرات شکل گرفته و نقش بورژوازی تجاری افزایش یافته است. طبقه کارگر ایران نمی تواند جز از راه سرنگونی قهرآمیز این رژیم و درهم شکستن ارگانهای حاکمیت ارتجاع و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بمثابه هدف مقدم استراتژیک، مسیر پیشرفت جامعه را هموار کرده و به ایده آل سوسیالیستی و اهداف تاریخی خویش نائل گردد.

۷- وظائف دمکراتیک - ضدامپریالیستی با سمتگیری سوسیالیستی، تنها زمانی تحقق می یابد که طبقه کارگر به رهبری پيشاهنگ انقلابی خود در رأس جنبش انقلابی مردم قرار گیرد و قدرت دمکراتیک خلق تحت رهبری آن در جامعه استقرار یابد. طبقه کارگر نیروی محرکه اصلی انقلاب ایران و نیروی رهبری کننده آن است. دهقانان و اقشار خرده بورژوازی شهر، متحدین طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک هستند. بخش استثمارشونده خرده بورژوازی شهر و روستا، علاوه بر این در مرحله سوسیالیستی انقلاب نیز متحد طبقه کارگر محسوب می شود. سرمایه داران و زمینداران بزرگ، دشمنان اصلی انقلاب ایران هستند. برانداختن سلطه سیاسی و اقتصادی این نیروها هدف این مرحله انقلاب است.

۸- تلاش سازمان در این مرحله از انقلاب ایران متوجه شکل دادن به جبهه ای استراتژیک متشکل از اقشار و طبقات خلقی با برنامه حداقل و به رهبری طبقه کارگر است. این تنها جبهه ای است که قادر به تحقق جمهوری دمکراتیک خلق می باشد. در عین حال در شرایط کنونی و تا زمان تشکیل جبهه استراتژیک، فعالیت در راه تشکیل جبهه ای دمکراتیک - ضدامپریالیستی حول برنامه ای مترقی و متشکل از نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ترقیخواه، بعنوان وظیفه ای ضروری پیشروی جنبش کمونیستی و ترقیخواهانه ایران قرار دارد. در صدر برنامه جبهه اهداف زیر قرار دارد:

الف - سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

ب - تشکیل دولت انقلابی موقت

ج - فراخوان مجلس موسسان

بعلاوه در برنامه جبهه دمکراتیک - ضدامپریالیستی، انحلال دستگاههای سرکوب رژیم اسلامی، دفاع از خواسته های عادلانه طبقه کارگر و توده های مردم ایران نظیر حق تشکلهای طبقاتی - صنفی، حق اعتصاب، تدوین قانون کار مترقی با شرکت کارگران. آزادی کامل احزاب سیاسی، لغو هر گونه سانسور و تفتیش عقاید، اصلاحات ارضی، خلع ید از سرمایه های بزرگ وابسته، تامین رشد مستقل اقتصاد ایران، دفاع از سیاست خارجی مترقی و مستقل بر مبنای عدم تعهد، تامین حقوق خلقهای ایران، حقوق زنان، لغو هر گونه تبعیض مذهبی، قومی، نژادی و جدائی کامل دین از دولت و ... قرار دارند.

شرکت کمونیستها در این جبهه مشروط به تامین هژمونی آنها نمی باشد.

حفظ استقلال ایدئولوژیک - سیاسی و تشکلاتی طبقه کارگر و جنبش کمونیستی و مبارزه در راه افزایش نقش طبقه کارگر و جنبش کمونیستی در میان توده ها و طبقه کارگر پیش شرط ضرور و معیار سنجش اصولیت هر گونه فعالیت جبهه ای و یا مشارکت در ائتلاف ها و همکاریهای مبارزاتی نیروهای جنبش کمونیستی با دیگر نیروهای خلقی و مترقی است.

۹- همکاری و اتحاد عمل نیروها و سازمانهای جنبش کمونیستی و تامین اتحاد رزمنده چپ، تقویت و گسترش پیوند این جنبش با مبارزات توده ها و طبقه کارگر امکانات جنبش چپ برای تشکیل جبهه دمکراتیک - ضدامپریالیستی و موضع آن برای شرکت فعال در جبهه را تقویت می کند. همچنین این همکاری و اتحاد عملها گامهای مقدماتی در راه نزدیکی هر چه بیشتر نیروهای چپ به یکدیگر و هموار شدن راه تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر خواهد بود. همکاری و اتحاد عمل نیروهای جنبش کمونیستی و همکاریها و اتحاد عملهای دوجانبه و چندجانبه میان نیروهای جنبش کمونیستی و نیروهای دمکراتیک و مترقی در این راستا ضروری است. سازمان در راه تامین همکاری، اتحاد عمل، اتحاد عملهای دوجانبه و چندجانبه و ائتلاف مبارزاتی با نیروهای جنبش کمونیستی و جنبش خلق فعالیت می کند.



# کنگره وحدت با موفقیت برگزار شد

## (گزارش اجمالی از مباحث کنگره)

بقیه از صفحه ۱

بازپس گرفتن و احیای امتیازاتشان صورت بگیرد بایستی قانونی بوده و دارای خصلت موقت باشد. کمونیستها باید تلاش نمایند این محدودیتها کاهش یافته و نهایتاً ملغی شود.

بدیهی است که در دوران پیش از تصویب قانون اساسی، دولت انقلابی اقدامات لازم را در خنثی ساختن تلاشهای ارتجاع سرنگون شده بعمل خواهد آورد.

۲- تکامل سرمایه‌داری به مرحله امپریالیسم موجب افزایش نابرابری اجتماعی و تعمیق شکاف بین کارگران و زحمتکشان و بورژوازی گردیده است. امپریالیسم آمریکا، سرکردگی امپریالیسم جهانی را برعهده دارد. تجاوزات نظامی و مداخلات مستقیم و غیرمستقیم برای سرکوب جنبشهای انقلابی و رهایی‌بخش، تشدید میلیتاریسم و کشاندن آن به عرصه فضای کیهانی، سیاست ارتجاعی، تجاوزگرانه و میلیتاریستی امپریالیسم آمریکا را بی‌پرده نشان می‌دهد.

تکامل همه‌جانبه دستگاه نظامی و بسط ارتجاع سیاسی بمثابة مشخصه امپریالیسم به‌صورت برجسته‌ای نمایان می‌شود. با فروپاشی نظام کهن استعماری، سیاست نواستعماری از جانب امپریالیستها در پیش گرفته شد. هدف اصلی سیاست نواستعماری، تأمین منافع آزمندانه و غارتگرانه انحصارات امپریالیستی، تشدید غارت و استثمار خلقهای تحت ستم و دریند نگهداشتن آنها به اشکال پوشیده‌تر می‌باشد. سیاست نواستعماری شکاف بین کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و کشورهای تحت سلطه را عمیق‌تر ساخته است.

\* \* \*

در نشست عمومی سازمان آزادی کار همچنین بر ضرورت نقد عملکرد گذشته‌ی سازمان تأکید شد، ولی با توجه به مسأله‌ی وحدت، این جمع‌بندی بدست آمد که در صورت تصویب مسأله‌ی وحدت، درست‌تر آن است که نقد عملکرد گذشته در کنگره‌ی مشترک دو سازمان (کنگره‌ی وحدت) مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### کنگره سازمان فدائیان خلق ایران

کنگره‌ی سازمان فدائیان خلق ایران، با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و عدالت و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. پس از انتخاب هیئت رئیسه، آئین‌نامه‌ی اداره‌ی اجلاس که در همین شماره منتشر شده است، به تصویب رسید. آنگاه اعتبارنامه‌های نمایندگان کنگره مورد بررسی قرار گرفت و تمام اعتبارنامه‌ها به تصویب رسید.

در کنگره‌ی سازمان فدائیان خلق، برای قطعی کردن ترکیب نمایندگان دارای حق رای، بررسی دو مسأله‌ی دیگر ضرورت داشت. مسأله‌ی اول به میزان آرای نمایندگان تشکیلات داخل مربوط می‌شد و مسأله‌ی دوم به وضع نمایندگان از اعضای آزمایشی و هواداران فعال در تشکیلات خارج که به نسبتی معین انتخاب شده و از طرف کمیسیون تدارک کنگره، به کنگره دعوت شده بودند.

مسأله‌ی اول بدین‌قرار بود: نمایندگان تشکیلات داخل همراه با عده‌ای دیگر از نمایندگان کنگره، پیشنهاد داشتند با توجه به اینکه دلیل محدودیت‌های موجود، رفقای تشکیلات داخل نتوانسته‌اند بمیزان مقرر برای دیگر بخش‌های تشکیلات در کنگره شرکت نمایند، هر یک از نمایندگان تشکیلات داخل، بتوانند نه‌تنها از طرف خود، بلکه همچنین (در چارچوب حد نصاب نمایندگان واحدشان) از طرف سایر اعضای هم‌نظر واحد خود نیز رای بدهند. درباره‌ی این پیشنهاد پس از صحبت سه‌ساعتی موافق و سه مخالف رای‌گیری بعمل آمد ولی آرای حاصله به حد نصاب لازم نرسید.

چنانکه از مجموعه‌ی مباحث تدارکاتی نخستین کنگره‌ی سازمان فدائیان خلق ایران، نشست عمومی سازمان آزادی کار ایران (فدائی)، کنگره‌ی مشترک دو سازمان برمی‌آمد، مسأله‌ی وحدت مهم‌ترین مسأله‌ی این اجلاس‌ها بود. در این زمینه تا قبل از کنگره سه طرح ارائه شده بود:

طرح اول، طرح "۵نفره" (رفقا احمد - اکبر الف و سهراب از سازمان فدائیان خلق و رفقا پرویز و رسول از سازمان آزادی کار). این طرح در "در راه کنگره" (شماره ۷) منتشر شده است.

طرح دوم، طرح "۷نفره" (رفقا بهروز پرهام - منصور خاکسار - ناصر رحیم‌خانی - بیژن رضائی - عباس - همت غفاری - علی گشتگر). این طرح بر آن بود که با توجه به نقاط اشتراک دو سازمان در زمینه‌های هدف نهائی (سوسیالیسم و پیوند جدائی‌ناپذیر آن با دموکراسی)، هدف مرحله‌ای (دموکراسی خلقی) و خط مشی سیاسی مبارزه علیه رژیم، با توجه به وجوه مشترک دو طرح برنامه‌ی پیشنهادی و اساسنامه‌ی مشترک، و با توجه به پیشرفت مباحث و روابط در چندسال اخیر، اجلاس‌های عالی دو سازمان می‌توانند بدون هیچگونه پیش‌شرط و فقط با تصویب عمومی وحدت به کنگره‌ی مشترک تبدیل شوند و آنگاه وحدت مشخص دو سازمان را بر اساس برنامه و اساسنامه‌ای که بر پایه‌ی نظر اکثریت نمایندگان کنگره‌ی مشترک به تصویب می‌رسد تحقق بخشند. رفقای هفتگانه ضمن دفاع از این طرح (که تا قبل از کنگره بطور کتبی به جنبش ارائه نشده بود)، قطعنامه‌هایی را درباره‌ی مباحثی مورد بحث ("در راه کنگره"، شماره ۷) ارائه کرده و تأکید نموده بودند که تصویب این قطعنامه‌ها به‌هیچ‌وجه پیش‌شرط برگزاری کنگره‌ی وحدت و تصویب امر وحدت نیستند و صرفاً با هدف تبیین هویت فکری خود و کمک به روشنی جریان مباحثات و تصمیم‌گیری ارائه شده‌اند.

طرح سوم، طرح رفیق حیدر بود که قبل از کنگره مباحثی مورد نظر خود را در جزوای بنام "دیدگاه‌ها و مباحثی وحدت" مطرح کرده بود.

### نشست عمومی سازمان آزادی کار

با چنین طرح‌هایی بود که دو سازمان به استقبال اجلاس‌های عالی خود و کنگره‌ی وحدت رفتند. ابتدا نشست عمومی سازمان آزادی کار تشکیل شد که در آن نمایندگانی از کمیته‌ی مرکزی سازمان فدائیان خلق نیز شرکت داشتند. در این اجلاس، مباحث رفقای آزادی کار، در چارچوب طرح‌های اول و سوم جریان یافت. پس از مباحث طولانی، در نشست عمومی سازمان آزادی کار، رای‌گیری بعمل آمد و دو طرح اول و سوم، هر یک ۵۰ درصد آرا را بدست آوردند. بهین دلیل بحث پیرامون مباحثی وحدت ادامه یافت. در دور دوم رای‌گیری، اجلاس عمومی آزادی کار دو ماده‌ی زیر را به تصویب رساند:

۱- پلاتفرم سیاسی - ایدئولوژیک پیشنهادی رفیق حیدر و پلاتفرم پیشنهادی رفقای "۵نفره" از لحاظ مضمون در چارچوب واحدی قرار دارند.

۲- پلاتفرم سیاسی - ایدئولوژیک رفقای "۵نفره" از لحاظ مضمون حداقل مباحثی است که ما بر پایه‌ی آن آماده‌ی برگزاری کنگره‌ی مشترک و تحقق وحدت دو سازمان هستیم.

نشست عمومی آزادی کار، علاوه بر مصوبه‌ی فوق، در عین حال دو ماده‌ی دیگر اصلاحی بر پلاتفرم "۵نفره" ارائه کردند که متن آنها بقرار زیر است:

### مواد پیشنهادی اجلاس عمومی سازمان آزادی کار

۱- دموکراسی پرولتری باید وسیع‌ترین آزادیهای سیاسی و شرکت مستقیم فعال، متشکل و گسترش‌یابنده‌ی توده‌ها در کلیه امور سیاسی - اقتصادی، اجتماعی و ... را تأمین و تضمین نماید. هرگونه محدود ساختن آزادی احزاب که بمنظور دفاع از انقلاب و سوسیالیسم و خنثی‌کردن اقدامات استثمارگران در

علاوه بر پیشنهاد نشست عمومی سازمان آزادی کار، چهارتن از نمایندگان کنگره سازمان فدائیان خلق، اصلاحاتی را در پلاتفرم وحدت "۵نفره" پیشنهاد کرده و خواسته بودند که این پلاتفرم با وارد کردن اصلاحات، پس از بحث و بررسی در کنگره سازمان و در صورت تصویب توسط آن، به عنوان مبنای وحدت دو سازمان، به نشست عمومی سازمان آزادی کار ارجاع گردد. متن اصلاحات "چهارنفره" بقرار زیر است:

#### پیشنهاد نکات اصلاحی در مورد "پلاتفرم وحدت"

##### ("اصلاحات ۴نفره")

ساله وحدت بین سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان آزادی کار در دستور کار کنگره است. در این مورد دو قطعنامه متفاوت پیشنهاد شده است. به نظر ما، جمعی از اعضا سازمان فدائیان خلق و نماینده کنگره، "پلاتفرم وحدت" (۵نفره) با اصلاحاتی می‌تواند مبنای وحدت دو سازمان قرار گیرد. بدین لحاظ موارد اصلاحی مورد نظر به کنگره سازمان پیشنهاد می‌شود تا پس از بحث و بررسی در صورت تصویب به نشست عمومی سازمان آزادی کار ارجاع گردد.

##### اصلاحات پیشنهادی

۱- اصلاح بند ۲- انترناسیونالیسم پرولتری، عنصر تفکیک‌ناپذیر ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و از جمله خصوصیات اصلی پیشاهنگ طبقه کارگر است که آنرا از دیگر طبقات، سازمانها و احزاب غیرپرولتری متمایز می‌سازد. انترناسیونالیسم مفهوم همبستگی جهانی کارگران، مفهوم اشتراک در موقعیت، اهداف، منافع و مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک یعنی سرمایه‌داری جهانی است. طبقه کارگر با پیشبرد انقلاب در کشور خویش و پشتیبانی از خط مشی و مبارزه انقلابی طبقه کارگر دیگر کشورها و دفاع از جنبشهای رهایی‌بخش خلقهای تحت ستم و تلاش و فداکاری در این راه، وظیفه انترناسیونالیستی خود را انجام می‌دهد. پیشبرد انقلاب در کشور خویش و ... (عینا بقیه بند ۲ تکرار شود)

۲- اصلاح بند ۳- دولت محصول معینی از تکامل اجتماعی و تجلی آشتی‌ناپذیری تضادهای طبقاتی است، دولت دستگاه سلطه‌ی طبقاتی است. دولت در دمکراتیک‌ترین جمهوری بورژوازی نیز دستگاهی است در خدمت سرمایه‌داران بر علیه زحمتکشان. طبقه کارگر با انقلاب سوسیالیستی، نظام دولت بورژوازی را در هم شکسته و نظام دولتی نوینی را ایجاد می‌کند که هدف بلاواسطه آن اِلا بالکیت خصوصی بر وسائل تولید، پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان و ساختمان سوسیالیسم است. جمهوری سوسیالیستی تأمین‌کننده وسیع‌ترین آزادیهای سیاسی (آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تشکلهاء ..) است.

مضمون دولت پرولتری در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و برای ساختمان جامعه نوین، دیکتاتوری پرولتاریا است، که به انواع و اشکال ممکن، با مقاومت دشمنان سوسیالیسم مقابله می‌کند. تنها با گذار از این دوران انتقالی است که پیشرفت بی‌وقفه جامعه بسوی محو طبقات و تحقق کمونیسم که هدف نهائی پرولتاریا است، امکان‌پذیر می‌گردد. (شکل قهرآمیز اعمال دیکتاتوری پرولتاریا تنها در شرایط ویژه، در مقابل شکل مقاومت قهرآمیز دشمنان خلق صورت می‌گیرد).

۳- اصلاح بند ۴: سوسیالیسم برای توده‌ها و کار توده‌ها است. تجربه هفتاد ساله ساختمان سوسیالیسم کاملاً آشکار کرده است که سوسیالیسم و دمکراسی جدائی‌ناپذیرند، بدون تأمین دمکراسی و شرکت سازمانیافته و فعال کارگران و زحمتکشان در بنای سوسیالیسم و در رهبری و اداره امور دولت و جامعه، بدون سازماندهی کنترل و بازرسی واقعی و مستقیم توده‌های بر پیشرفت امور، حاکمیت طبقه کارگر ناگزیر خصلت بوروکراتیک بخود گرفته و نتیجتاً پیشرفت و تعالی جامعه نه تنها با اختلال که حتی با بن‌بست و بحران روبرو می‌گردد. تنها با گسترش روزافزون دمکراسی سوسیالیستی و میدان دادن به ابتکار خلاقانه توده‌ها، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان، مطبوعات، آزادی کامل فعالیت تشکلهای مستقل صنفی، سیاسی و اجتماعی، آزادی فعالیت احزاب در چهارچوب قانون، - که تماماً پیش‌شرط ضروری شیوهی اداره امور و شکوفائی

ساله‌ی دوم این بود که کمیسیون تدارک کنگره عده‌ای از فعالین غیرعضو سازمان در تشکیلات خارج را بنا به انتخاب خودشان (بمیزان حدود ۲۵ برابر کمتر از نمایندگان اعضا) دعوت کرده بود. قرار بود درباره‌ی شرکت یا عدم شرکت این نمایندگان در کنگره و یا چگونگی رای آنها، خود کنگره تصمیم بگیرد. در این باره سه پیشنهاد وجود داشت: پیشنهاد اول از حق رای قطعی این رفقا و پیشنهاد دوم از حق رای مشورتی آنها دفاع می‌کرد، درحالیکه پیشنهاد سوم اصولاً حق شرکت رفقا در کنگره را قبول نداشت. در این زمینه نیز پس از صحبت سه موافق و سه مخالف رای‌گیری بعمل آمد. این پیشنهاد اول، ۵۵ درصد آرا را به خود اختصاص داد. بدین ترتیب، حق رای قطعی نمایندگان فعالین غیرعضو تشکیلات خارج تصویب نشد و قرار شد آنها دارای حق رای مشورتی باشند.

بدنبال این امر بدلیل احتمال اشتباه در شارش آرای موافقین رای قطعی نمایندگان فعالین غیر عضو تشکیلات خارج، این رفقا نامه‌ای به شرح زیر به کنگره ارائه نمودند:

#### خطاب به کنگره سازمان فدائیان خلق ایران

از طریق رفقای هیئت رئیسه

##### رفقای گرامی

همانطور که هگی شاهد بودند در موقع رای‌گیری در مورد داشتن حق رای رفقای نمایندگان تشکیلات خارج از کشور ابهامات و مسائلی پیش آمد. از جمله:

- ۱- در مورد تعداد دقیق آرا سوال و ابهام وجود داشت و عکس‌العمل هیئت‌رئیس خود حاکی از این ابهام و سوال بود.
- ۲- با توجه باینکه تعداد آرا خیلی نزدیک به حدنصاب بود سنت دموکراتیک حکم می‌کرد که آرا دوباره شمرده شود.
- ۳- رای مخالفین گرفته نشد.
- ۴- رای‌گیریهای بعدی نشان داد که امکان اشتباه وجود دارد.
- ۵- پیشنهاد عدم کفایت بحث نادیده گرفته شد.

بنابراین برای رفع این ابهامات و تضمین حقوق رفقای نماینده تشکیلات خارج ما تقاضای برگزاری مجدد و کتبی این رای‌گیری را داریم.

#### نمایندگان تشکیلات خارج

با موافقت نمایندگان، به پیشنهاد مندرج در نامه‌ی فوق ترتیب اثر داده شد و در رای‌گیری مجدد، حق رای قطعی نمایندگان غیرعضو تشکیلات خارج با ۷۱ درصد آرا به تصویب رسید. با تجدید این رای‌گیری، پیشنهاد شد درباره‌ی حق رای بیشتر نمایندگان تشکیلات داخل نیز مجدداً رای‌گیری شود. ولی این پیشنهاد ۴۹٫۲ درصد آرا کسب نمود و تصویب نشد.

با قطعی شدن ترکیب نمایندگان دارای حق رای کنگره، اولین موضوع کنگره، یعنی نقد عملکرد کمیته‌ی مرکزی و سازمان در فاصله‌ی پس از ۱۶ آذر ۱۳۶۰ تا نخستین کنگره‌ی سازمان به بحث گذاشته شد. در این زمینه، علاوه بر طرح بحث ارائه شده توسط هیئت اجرائی کمیته‌ی مرکزی، چند نوشته و قطعنامه‌ی دیگر نیز به کنگره ارائه شده بود. با وجود بحثهای زیادی که درباره‌ی جوانب مختلف عملکرد گذشته‌ی کمیته‌ی مرکزی و سازمان صورت گرفت، جمع‌بندی ارائه شده توسط "کمیسیون نقد عملکرد" رای کافی بدست نیاورد و کنگره‌ی جداگانه‌ی سازمان فدائیان خلق، با تصویب قرار، کمیته مرکزی منتخب را موظف کرد تا نقد عملکرد را بر اساس مجموعه‌ی مباحث کنگره و مطالب ارائه شده، تهیه کند و پس از نظرخواهی از نمایندگان کنگره، منتشر کند. در ادامه جریان کنگره و تشکیل کنگره‌ی مشترک، این تصمیم تغییر کرد و قرار شد نقد عملکرد تهیه شده توسط کمیته‌ی مرکزی به اجلاس دوم کنگره ارائه شود و در آنجا مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.

پس از آن با شرکت نمایندگانی از سازمان آزادی کار، بحث وحدت دو سازمان و مبنای آن آغاز گردید. رفقای آزادی کار پیشنهاد نشست عمومی سازمان خود را با نمایندگان کنگره در میان گذاشتند. از این پس، بحثهای مربوط به مبنای وحدت، مجموعاً حول پلاتفرم "۵نفره" متمرکز گردید و مجموع نمایندگان، نظرات و پیشنهادات خود را به صورت اصلاحیه‌هایی بر این پلاتفرم ارائه نمودند.



جامعه سوسیالیستی است - می‌توان برتری نظام سوسیالیستی را در کلیه جوانب زندگی اجتماعی پیشرفته‌ترین سیستم‌های سرمایه‌داری به منصفی ظهور رساند.

بازنگری از این موضع به تجربیات ساختمان سوسیالیسم و بررسی و نقد جدی دیدگاهها و روشهایی که در چند دهه گذشته بر جنبش جهانی کمونیستی غلبه داشته است، از اهمیت اصولی برخوردار است.

۴- اصلاح بند ۶- تسلط مناسبات سرمایه‌داری و وابستگی به امپریالیسم مهمترین خصوصیت سیستم اقتصادی ایران بوده و علت اصلی عقب‌ماندگی جامعه و منشاء فقر و سیه‌روزی توده‌های وسیع مردم است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی اساس مناسبات اقتصادی - اجتماعی گذشته و وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را همچنان حفظ کرده است. در سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی قشر نوینی از بورژوازی بوروکرات شکل گرفته و نقش بورژوازی تجاری افزایش یافته است.

طبقه کارگر ایران نمی‌تواند جز از راه سرنگونی قهرآمیز این رژیم و درهم‌شکستن ارگانهای حاکمیت ارتجاع و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بمثابة هدف مقدم استراتژیک، مسیر پیشرفت جامعه را هموار کرده و به ایده‌آل سوسیالیستی و اهداف تاریخی خویش نائل گردد.

۵- اصلاح بند ۷- وظایف دمکراتیک - ضدامپریالیستی با سست‌گیری سوسیالیستی، تنها زمانی تحقق می‌یابد که طبقه کارگر به رهبری پیشاهنگ انقلابی خود در راس جنبش انقلابی مردم قرار گیرد و قدرت دمکراتیک خلق تحت رهبری آن در جامعه استقرار یابد. طبقه کارگر نیروی محرکه اصلی انقلاب ایران و نیروی رهبری کننده آن است.

دهقانان و افسار خرده‌بورژوازی شهر، متحدین طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک هستند. بخش استثمار شونده خرده‌بورژوازی شهر و روستا، علاوه بر این در مرحله سوسیالیستی انقلاب نیز متحد طبقه کارگر محسوب می‌شود.

سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، دشمنان اصلی انقلاب ایران هستند. برانداختن سلطه سیاسی و اقتصادی این نیروها هدف این مرحله انقلاب است.

۶- اصلاح بند ۸- تلاش سازمان در این مرحله از انقلاب ایران متوجه شکل‌دادن به جبهه‌ی استراتژیک متشکل از افسار و طبقات خلقی با برنامه حداقل و به رهبری طبقه کارگر است. این تنها جبهه‌ای است که قادر به تحقق جمهوری دمکراتیک خلق می‌باشد.

در عین حال در شرایط کنونی و تا زمان تشکیل جبهه استراتژیک، فعالیت در راه تشکیل جبهه‌ی دمکراتیک - ضدامپریالیستی حول برنامه‌ای مترقی و متشکل از نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ترقیخواه، بعنوان وظیفه‌ای ضروری پیشروی جنبش کمونیستی و ترقیخواهانه ایران قرار دارد. در صدر برنامه این جبهه اهداف زیر قرار دارد:

- الف - سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
- ب - تشکیل دولت انقلابی موقت
- ج - فراخوان مجلس موسسان

بعلاوه در برنامه جبهه دمکراتیک - ضدامپریالیستی، انحلال دستگاههای سرکوب رژیم اسلامی، دفاع از خواسته‌های عادلانه طبقه کارگر و توده‌های مردم ایران نظیر حق تشکلهای طبقاتی - صنفی، حق اعتصاب، تدوین قانون کار مترقی با شرکت کارگران آزادی کامل احزاب سیاسی، لغو هر گونه سانسور و تفتیش عقاید، اصلاحات ارضی، خلع ید از سرمایه‌های بزرگ وابسته، تأمین رشد مستقل اقتصاد ایران، دفاع از سیاست خارجی مترقی و مستقل بر مبنای عدم تعهد، تأمین حقوق خلقهای ایران، حقوق زنان، لغو هر گونه تبعیض مذهبی، قومی، نژادی و جدائی کامل دین از دولت و... قرار دارند.

شرکت جنبش کمونیستی در این جبهه مشروط به تأمین هژمونی آنها نمی‌باشد.

حفظ استقلال ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و جنبش کمونیستی و مبارزه در راه افزایش نقش طبقه کارگر و جنبش کمونیستی در میان توده‌ها و طبقه کارگر، پیش‌شرط ضرور و معیار سنجش اصلیت هر گونه فعالیت جبهه‌ای و یا مشارکت در ائتلاف‌ها و همکاریهای مبارزاتی نیروهای جنبش کمونیستی با دیگر نیروهای خلقی و مترقی است.

۷- بند ۹ جدید- همکاری و اتحاد عمل نیروها و سازمانهای جنبش کمونیستی و تأمین اتحاد رزمنده چپ، تقویت و گسترش پیوند این جنبش با مبارزات توده‌ها و طبقه کارگر، امکانات جنبش چپ برای تشکیل جبهه دمکراتیک - ضدامپریالیستی و موضع آن برای شرکت فعال در جبهه را تقویت می‌کند. همچنین این همکاری و اتحاد عملها گامهای مقدماتی در راه نزدیکی هر چه بیشتر نیروهای چپ به یکدیگر و هموار شدن راه تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر خواهد بود.

همکاری و اتحاد عمل نیروهای جنبش کمونیستی و همکاریها و اتحاد عمل‌های دو جانبه و یا چندجانبه میان نیروهای جنبش کمونیستی و نیروهای دمکراتیک و مترقی در این راستا ضروری است.

سازمان در راه تأمین همکاری، اتحاد عمل، اتحاد عملهای دو جانبه و چندجانبه و ائتلاف مبارزاتی با نیروهای جنبش کمونیستی و جنبش خلق فعالیت می‌کند.

\* \* \*

پیشنهادات اصلاحی دیگر مربوط به عتن از امضاکنندگان قطعنامه‌های "۷ نفره" (رفقا بهروز پرهام - منصور خاکسار - ناصر رحیم‌خانی - بیژن رضائی - عباس - علی کشتگر) بود. این پیشنهاد شامل سه بند درباره‌ی انترناسیونالیسم، آزادی‌های سیاسی در جمهوری دمکراتیک خلق و سوسیالیسم، و "دیکتاتوری پرولتاریا" می‌شد که بند سوم آن به دو صورت ۳ (الف) و ۳ (ب) مطرح شده بود. اصلاحات "عزفیه"، یکبار با بند ۳ الف) و بار دیگر با بند ۳ ب) به رای‌گیری گذاشته شده و نتایج آرای بدست آمده بصورت "طرح اول" و "طرح دوم" در جدول آرا درج شده است. لازم به توضیح است که این پیشنهادات بدو با امضای تمام رفقای "۷ نفره" ارائه شده بود ولی قبل از رای‌گیری روی آنها، رفیق همت غفاری امضای خود را پس گرفت و در توضیح آن اظهار داشت که این کار را بخاطر حفظ وحدت سازمان و تأمین وحدت با سازمان آزادی کار و همچنین با توجه به اینکه دو بند از سه بند قطعنامه‌ی "۷ نفره" (بندهای مربوط به انترناسیونالیسم و دموکراسی) عیناً در قطعنامه‌های اصلاحی "۴ نفره" گنجانده شده است و ضمن حفظ نظر خود در رابطه با ضرورت حذف واژه‌ی "دیکتاتوری پرولتاریا"، انجام می‌دهد. بهر حال، متن پیشنهادات "عزفیه" بقرار زیر است:

پیشنهادات اصلاحی درباره "پلاتفرم وحدت"  
(اصلاحات عزفیه)

۱- در بند ۳، عبارت "انترناسیونالیسم بمفهوم تبعیت منافع طبقه کارگر در عرصه ملی از منافع بین‌المللی طبقه کارگر است" حذف شود و بجای آن طرح شود که "انترناسیونالیسم پرولتاری می‌معنای پیشبرد مبارزه انقلابی در کشور خویش و تکمیل آن با همبستگی و حمایت فعال و فداکارانه از مبارزات طبقه کارگر و مردم دیگر کشورهاست".

۲- در بند ۳ بدنبال عبارت "جمهوری سوسیالیستی تأمین‌کننده وسیع‌ترین آزادیهای سیاسی (آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تشکلهای...)" اضافه شود: "این امر بمعنای پذیرش اصل مرجعیت مردم و نتایج سیاسی ناشی از آرای مردم است".

۳ (الف) - در بند ۳ و ۷ بجای واژه‌های "دیکتاتوری" و "سرکوب"، عبارت "اعمال حاکمیت" آورده شود.

۳ (ب) - بحث پیرامون (دیکتاتوری) و "دیکتاتوری پرولتاریا" بحثی باز است و در مورد آن دو نظر وجود دارد.

\* \* \*

یکی از نمایندگان کنگره‌ی سازمان فدائیان خلق (رفیق م.) نیز پیشنهاد داشت بند جدیدی را بند ۹ جدید) بشرح زیر به پلاتفرم وحدت اضافه شود:



پس از صحبت مخالف و موافق روی این نامه، به پیشنهاد رفقا ترتیب اثر داده شد و رای گیری مجدد بعمل آمد. حاصل رای گیری این بود که پلاتفرم "۵ نفره" با اصلاحات "۴ نفره" با ۶۸ درصد موافق به تصویب رسید. این مصوبه به نشست عمومی سازمان آزادی کار منتقل شد. این اجلاس پس از بررسی این پیشنهاد، نظر خود را به شکل زیر دربارهی آن اعلام کرد:

"پلاتفرم پیشنهادی مصوب کنگره سازمان فدائیان خلق ایران پائین تر از چهارچوب قطعنامهی "۵ نفره" می باشد. ولی با توجه به اینکه جهت گیری اصلی آن حفظ شده است، نشست عمومی سازمان آزادی کار ایران (فدائی) مساله وحدت دو سازمان و شرکت در کنگرهی وحدت بر پایهی پلاتفرم مصوب کنگرهی سازمان فدائیان خلق ایران را تصویب می نماید."

### کنگره مشترک، کنگره وحدت

با اعلام این نتیجه، سرانجام مبانی مشترکی برای وحدت دو سازمان مورد توافق عالی ترین ارگان های تصمیم گیری دو سازمان قرار گرفت. پس از تنفس، دو اجلاس درهم ادغام شدند و کنگرهی مشترک، کنگرهی وحدت دو سازمان با شعار "پیروز باد وحدت دو سازمان در راه وحدت جنبش چپ ایران" کار خود را آغاز کرد.

\* \* \*

مباحث بعدی کنگرهی وحدت، در فضائی آرام تر جریان یافت. بحث روی اساسنامهی مشترک پیشنهادی، از پر بارترین بحث های کنگره بود. در این رابطه، بسیاری از مسائل و مشکلات مهمی که سالها در زندگی درون سازمانی وجود داشت طرح شد و پیشنهادات اصلاحی متعددی ارائه گردید. پذیرش مبارزهی ایدئولوژیک علنی بدون قید و شرط بعنوان یک اصل و ضامن حیات دمکراتیک سازمان، محدودیت سه دور متوالی برای عضویت در کمیتهی مرکزی سازمان، استقلال بیشتر واحدهای سازمانی و سیستم غیرمتمرکز عضوگیری از جمله مهم ترین تغییرات است که کنگره در اساسنامه وارد کرده است. گزارش کاملی از پیشنهادات اصلاحی دربارهی اساسنامه، و نیز متن کامل اساسنامهی سازمان بطور جداگانه در همین شماره منتشر می شود.

"۹- سوسیالیسم و دمکراسی انقلابی اجزا تفکیک ناپذیر و مکمل یکدیگرند. این تئوریا نظیر هر تئوری دیگر تنها آنگاه می توانند روح زنده و شادابی خود را حفظ نمایند، و بعنوان تئوری راهنمای سیاستها و خط مشی ها در عرصه های گوناگون، کاربرد عینی یابند که با دو انحراف عمده ای که آنها را همواره مورد تهدید قرار می دهند مرزبندی نمایند. یعنی از یکسو با انحراف دکماتیستی و محافظه کارانه ای که از تئوری، آیات ازلی و ابدی می سازد و از سوی دیگر با برخورد ولنگارانه با آن که اجبارا به بی مسلکی ایدئولوژیک - سیاسی ختم خواهد گردید.

"اگر تئوری های سوسیالیسم و دمکراسی انقلابی امروزه عمدتا در برخورد با انحراف استالینیستی در همه عرصه های اقتصاد، سیاست و شیوهی برخورد، با برخوردهای دکماتیک و محافظه کارانه که به تکامل تئوری در پرتو تجارب بی اعتناست مرزبندی می نماید، در عین حال در برخورد با انحراف سوسیال دمکراتیک که قدمت آن به ده ها سال می رسد و امروزه به شکل عمده در انحراف اروتکونیستی تبلور یافته است، می باید با این شکل انحراف بی مسلکانه نیز مرزبندی نماید."

پس از ارائه پیشنهادات "۴ نفره" و قبل از رای گیری روی مجموعهی پیشنهادات، رفقای چهارگانه موافقت خود را با بند دوم اصلاحات "۴ نفره" اعلام کردند و عبارت: "این امر بمعنای پذیرش اصل مرجعیت مردم و نتایج سیاسی ناشی از آرای مردم است" را در پیشنهادات خود وارد کردند. آنگاه پس از بحث روی پیشنهادات، رای گیری صورت گرفت و نتایج زیر بدست آمد:

پیشنهادات	موافق (درصد)
پلاتفرم "۵ نفره"	۳۶٫۳
پلاتفرم "۵ نفره" با اصلاحات "چهار نفره"	۵۰
پلاتفرم "۵ نفره" با اصلاحات "۴ نفره" (طرح اول)	۳۳٫۳
پلاتفرم "۵ نفره" با اصلاحات "۴ نفره" (طرح دوم)	۳۷٫۸
اصلاحیهی رفیق م.	۱۶٫۶

با روشن شدن نتایج رای گیری و عدم تصویب هیچکدام از پیشنهادات، اجلاس کنگره که برای چند ساعت بیش از حد معمول روزانه ادامه پیدا کرده بود، تعطیل شد و پیگیری مباحث به روز بعد موکول شد. در فاصلهی دو اجلاس و در شرایطی که نگرانی از بلاتکلیف ماندن مسالهی وحدت به اوج خود رسیده بود، ۴۵ درصد از نمایندگان، نامه ای بشرح زیر به نمایندگان کنگره نوشتند و خواهان رای گیری مجدد روی پلاتفرم "۵ نفره" با اصلاحات "۴ نفره" شدند:

### "رفقای حاضر در اولین کنگرهی سازمان"

"از آنجا که وحدت سازمان کلیدی ترین مسالهی امروز ماست و از آنجا که تصمیم امر بودن یا نبودن سازمان را رقم می زند و اثرات منفی پراکندگی رفقای سازمان راه همی ما چه در سطح جنبش و چه در سطح سازمان می شناسیم، پیشنهاد ما این است که پلاتفرم رفقای ۵ نفره به انضمام اصلاحیهی ۴ نفره، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مجددا روی آن رای گیری بعمل آید. از رفقای حاضر در کنگره با احساس مسئولیت تقاضا داریم که حساسیت لحظهی کنونی را دریافته تا وحدت سازمان حفظ گردد. با امید به وحدت."

بحث دربارهی اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران و خط مشی و کارپایهی مبارزه علیه رژیم، از دیگر بحث های مهم و خلاق کنگرهی وحدت بود. در این زمینه دو مطلب ارائه شده بود: "کارپایهی سیاسی" مندرج در "درواه کنگره" (شماره ۸) و مجموعه تزهائی درباره اوضاع ایران، منطقه و جهان. کارپایهی سیاسی و تزهائی دربارهی اوضاع ایران (که برای اطلاع عموم به پیوست اسناد کنگره در همین شماره ارائه می شود) در این قسمت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این بحث، مسائل مهمی نظیر چگونگی رابطه میان مواضع روزمره و شعارهای استراتژیک، نقش شعارهای بسیج کننده، رابطه میان جوانب ضددیکتاتوری، ضدامپریالیستی و ضد سرمایه داری مبارزه، شعار تبلیغی "کار - مسکن - آزادی"، و دموکراسی و آزادی های سیاسی بعنوان مهم ترین خواست مردم ایران و موضوع مرکزی تبلیغ و ترویج سازمان در میان مردم و ضرورت مبارزه در راه اتحاد تمام نیروهای مترقی و آزادیخواه برای تحقق وظایف ناشی از تحلیل اوضاع سیاسی ایران مورد بحث قرار گرفت. کمیسیون جمع بندی پیشنهادات مربوط به کارپایهی سیاسی، در گزارش خود به کنگره، پیشنهاد نمود که با توجه به اینکه دو سند ارائه شده از لحاظ تحلیل اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران، تحلیل رژیم حاکم و کارپایه سیاسی مطالبات جاری، اساسا یکسان هستند، کمیتهی مرکزی منتخب موظف شود بر اساس این دو سند و با حذف سه مورد از "کارپایه مطالبات جاری" (به فرمادوم گذاشتن لفو ولایت فقیه و قانون اساسی و نظام اسلامی و لفو گشت ها و کمیته ها)، سند واحدی را تنظیم کرده و در سطح جنبش انتشار دهد. این پیشنهاد با ۷۶ درصد به





تصویب رسید. متن این سند، تحت عنوان "اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما" در همین شماره آمده است

بخش مهمی از وقت کنگره به ساله‌ی تقویت تشکیلات داخل و گسترش مبارزه در ایران اختصاص یافت. در این زمینه قطعنامه‌های مختلفی مورد بحث قرار گرفت و هر چند که تمام مسائل اساسی به جمع‌بندی واحدی ارائه نگردید ولی در یکی از زمینه‌های مهم، قطعنامه‌ای با عرصه ۶۶ درصد آرا به تصویب رسید که متعاقباً به اطلاع رفقای سازمان خواهد رسید.

همانطور که در اطلاعیه‌ی کمیته مرکزی سازمان درباره‌ی برگزاری کنگره وحدت آمده است، کنگره‌ی وحدت بدلیل کمبود وقت و گستردگی مسائل در دستور، فرصت نیافت یک رشته از مسائل مهم، یعنی طرح برنامه‌های پیشنهادی، تزهائی درباره‌ی اوضاع منطقه و جهان، شیوه‌ی برخورد به احزاب اپوزیسیون، و برخی از قطعنامه‌ها را مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار دهد. برای برخورد با این مسائل، پیشنهادات مختلفی نظیر واگذاری آنها به کنگره‌ی آتی، احاله‌ی برخی از آنها به کمیته مرکزی منتخب و برخی دیگر به کنگره‌ی آتی، و برگزاری اجلاس دوم کنگره وجود داشت. کنگره با بررسی پیشنهادات مختلف، کمیته مرکزی منتخب را موظف کرد تدارک و برگزاری مرحله دوم کنگره را برای بررسی و تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائل باقیمانده در دستور کار خود قرار دهد.

در رابطه با انتخابات کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی کنترل و بازرسی ابتدا آئین‌نامه و روش انتخاب کمیته مرکزی که از طرف کمیسیون تدارک کنگره پیشنهاد شده بود (متن این سند نیز به پیوست اسناد کنگره در همین شماره آمده است)، با اکثریت قاطع مورد تصویب کنگره قرار گرفت و آنگاه پس از یک دور بحث عمومی، از میان گاندیداهای موجود، تعداد لازم با رای مخفی نمایندگان انتخاب شدند. انتخاب اعضای کمیسیون مرکزی کنترل و بازرسی نیز که طبق اساسنامه نباید عضو کمیته مرکزی باشند، بهمین روال صورت گرفت.

آخرین موضوع در دستور کنگره، انتخاب نام سازمان جدید بود که کنگره از میان مجموعه‌ی پیشنهادات موجود، نام "سازمان فدائی" را مورد تصویب قرار داد.

\* \* \*

نمایندگان تشکیلات داخل سازمان، انتقاداتی به برگزاری کنگره سازمان داشتند و خواهان طرح علنی آن بودند. نامه‌ی زیر که از طرف رفقا تهیه شده است، این انتقادات را منعکس می‌نماید:

"با تاکید بر دستاوردهای گرانقدر کنگره نکاتی در مورد چگونگی برگزاری کنگره سازمان را به اطلاع می‌رسانیم:

"۱- تدارک برای شرکت فعال نمایندگان تشکیلات داخل در کنگره ضعیف بوده است.

"۲- تعداد محدود نمایندگان داخل که در کنگره شرکت کردند بعلت سازماندهی غلط کمیسیون تدارک کنگره، از مکانیسم‌های لازم برای تاثیرگذاری واقعی در مصوبات برخوردار نبودند. بدین معنی که این رفقا نتوانستند صدای خود را به شکل مطلوب به گوش نمایندگان منتخب کنگره برسانند.

"۳- بر بستر دو ضعف فوق نمایندگان داخل پیشنهادی برای تقویت افزایش ثقل نیروهای داخل در کنگره ارائه دادند که به تصویب کنگره نرسید.

"۴- علیرغم شرایط فوق رفقای رهبری شرکت ... درصد از نیروهای غیرعضو سازمان را تدارک دیدند و در کنگره به تصویب رسید. این امر نابرابری ثقل نیروهای داخل را تشدید کرد.

"۵- مسئولیت اصلی مشکلات فوق متوجه رهبری سابق سازمان فدائیان خلق است."

نمایندگان منتخب تشکیلات داخل

\* \* \*

نخستین کنگره‌ی سازمان فدائیان خلق ایران، نشست عمومی سازمان آزادی کار ایران (فدائی) و کنگره‌ی وحدت دو سازمان، در فضائی حاکی از نگرانی درباره‌ی مقدرات دو سازمان و وحدت آنها برگزار گردید. چنانکه از مجموعه‌ی مباحث تدارکاتی کنگره برمی‌آید، اختلافات مهمی در مباحث علنی مطرح شده بود و با توجه به تجارب تلخ گذشته، این ساله بطور جدی مطرح بود که آیا می‌توان بر سنت زیانبار و مهلک "اختلاف مساویست با انشعاب" فائق آمد. خوشبختانه، نمایندگان کنگره با حد بالائی از بلوغ و رشد سیاسی نشان دادند که از سوئی طرح صریح و علنی نظرات و مسائل و اختلافات را امری طبیعی و ضامن رشد و شکوفائی سازمان و توده‌ای شدن آن می‌دانند و از سوی دیگر، الزامات یک حرکت وسیع‌تر توده‌ای را بخوبی درک می‌کنند. به این اعتبار، کنگره‌ی مشترک دو سازمان، کنگره‌ی وحدت در تنوع نظری و سیاسی و کنگره‌ی وحدت در عمل بود.

از دیگر خصوصیات بارز کنگره، طرح نظر و رای آزاد و مستقلانه‌ی نمایندگان کنگره بود. نمایندگان کنگره، شجاعانه گامی‌های جدی کمیته مرکزی، سازمان و جنبش چپ ایران را به نقد کشیدند، از نقطه‌نظرات خود قاطعانه دفاع کردند و با رای آزاد و مستقل خود در تصمیم‌گیریها شرکت کردند.

کنگره‌ی وحدت، چنانکه از گزارش اجمالی فوق نیز پیداست، آثار فقدان سابقه و تجربه‌ی برگزاری اجلاسهای دموکراتیک و عالی تصمیم‌گیری را با خود به‌مراه داشت. این امر مانع استفاده‌ی موثر و کامل از تمام وقت و انرژی کنگره شد. با وجود این، بنا به اذعان صریح نمایندگان کنگره، برگزاری این اجلاس تجربه‌ی بسیار ارزشمندی بود و برای تمام شرکت‌کنندگان آن و سازمان، درس‌ها و دستاوردهای زیادی خواهد داشت. کنگره با روشنی تمام، شربخشی و اهمیت مکانیسم‌ها و روشهای دموکراتیک برای حل مسائل را نشان داد.

مضای کنگره، همچنین حاکی از برخورد انتقادی شجاعانه، روحیه‌ی عمیق نارضایتی از ضعفهای سازمان و جنبش چپ و نقش آن در مبارزه برای رهائی مردم ایران از سلطه‌ی شوم رژیم جمهوری اسلامی بود. با این امید که برگزاری کنگره‌ی وحدت، گامی تازه و نویدبخش در جهت پایان‌دادن به تفرقه و پراکندگی در صفوف جنبش چپ ایران و تبدیل آن به یک جنبش سیاسی توده‌ای و قدرتمند باشد و با اقدامات موثرتر و بهتر سایر نیروها و مجموعه‌ی جنبش در راستای بالندگی و رشد تداوم یابد.



## اوضاع سیاسی ایران و وظائف ما

۳- میان الزامات حیات اقتصادی کشور، چرخش امور اقتصادی و اجتماعی در چارچوبه مناسبات سرمایه‌دارانه موجود و نظام "ولایت فقیه" در همه دهساله گذشته بطور مداوم تناقضات و تعارضات بیشمار بروز کرده است.

تضادها و تناقضات درونی رژیم یعنی ناسازگاری میان ساختار سیاسی "ولایت فقیه" و الزامات ساخت اقتصادی و اجتماعی، تضاد میان مراکز متعدد قدرت و تصمیم‌گیری، کشمکش و جنگ قدرت میان دسته‌بندیها و جناحهای مختلف بر سر پستهای دولتی، رقابتها و خصومت‌های بی‌پایان آخوندها، رژیم اسلامی را طغ کرده است. این تضادها و تناقضات ذاتی رژیم، حکومت اسلامی را از پیشبرد سیاستهای اقتصادی و اجتماعی درازمدت و سیاست خارجی با ثبات ناتوان ساخته و خود منشا تشدید بحرانهای درونی حکومت و تشدید بحران اقتصادی شده است.

مجموعه این تضادها و تناقضات، بشکل بارزی در تناقض میان بنیادگرایی اسلامی و واقعیات جامعه ایران و جهان معاصر تبلور می‌یابد. این تناقض اساسی، بعنوان عامل تعیین‌کننده تداوم بحران ساختار سیاسی، در عین حال سبب می‌شود که در درون رژیم پیوسته گرایش پدید آید که خواستار لیبرالیزه کردن اقتصاد در عرصه داخلی و عادی‌کردن رابطه با جهان خارج است. رژیم جمهوری اسلامی میان بنیادگرایی مذهبی با هدف مذهبی کردن همه شئون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از یکسو و پراگماتیسم خود از سوی دیگر در نوسان است. این گرایش پراگماتیستی در چارچوب خصلت عام مذهبی رژیم پدید آمده و معنا می‌یابد.

۴- زایش و رشد مداوم گرایش پراگماتیستی در میان بالاترین بخش هرم حکومتی، از آنجا که ریشه در الزامات ادامه چرخش ساختار اقتصادی کشور و تنظیم رابطه با دول خارج داشته، در همه ۱۰ ساله گذشته بصورت روندی قانونمند در حکومت اسلامی ادامه داشته است.

اما تاکنون در هر مقطعی که این گرایش در آستانه تثبیت و تحکیم موضع خود قرار گرفته، در جنگ قدرت جناحها، به عقب‌نشینی وادار شده است. اشغال سفارت آمریکا و برکناری کابینه بازرگان، عزل بنی‌صدر، برکناری رسمی حسینعلی منتظری حوادث اساسا مشابهی هستند که کشمکش بنیادگرایی و پراگماتیسم را نشان می‌دهند.

اما شواهد متعدد بیانگر آنست که علیرغم این تصفیه‌ها، گرایش پراگماتیستی و لیبرال مذهبی در درون و پیرامون حکومت مدام ریشه‌دارتر شده است. تصفیه‌های مکرر طرفداران گرایش پراگماتیستی از درون حکومت و پرتاب آنان به پیرامون آن، بهیچ‌روی به کشمکش‌های درونی رژیم پایان نخواهد داد. مانورهای خمینی در میان دو گرایش فقط نبرد قطعی این دو تایل را در حکومت اسلامی به عقب‌رانده است. با وجود انتقادات صریح خمینی از سیاستهای پراگماتیستی و تصفیه‌های اخیر، نمایندگان این گرایش با مانورهای که ویژگیهای سردساران رژیم اسلامی است جایگاه خود را حفظ کرده‌اند.

۵- در ساختار سیاسی حکومت اسلامی، اصل ولایت‌فقیه بالاترین تجلی توفیق دین و دولت در جمهوری اسلامی است. مطابق با این اصل یک مرجع تقلید "جامع الشرایط" بر فراز ارگانها و نهادهای دولتی قرار داشته و عالیترین قدرت سیاسی در جامعه محسوب میگردد، به‌زبان دیگر اصل ولایت‌فقیه بیان حقوقی استبداد فردی مذهبی در جمهوری اسلامی است.

اما اجرای این اصل با تعدد مراجع تقلید در دستگاه مذهبی شیعه در تضاد می‌باشد. این تضاد وجه دیگری از بحران حکومتی ارتجاع را منعکس میکند. اینک با برکناری منتظری که رسا از سوی مجلس خبرگان بعنوان جانشین ولایت‌فقیه انتخاب شده بود. اصل ولایت‌فقیه بیش از پیش با بن‌بست مواجه بوده و مبارزه بر سر جانشینی ولایت‌فقیه بویژه بعد از مرگ خمینی را موجب خواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی بمثابه‌ی یک سیستم سیاسی دچار بحران ساختاری است. این بحران ذاتی محصول تعدد مراکز قدرت و وجود ارگانها و نهادهای دولتی موازی باهم می‌باشد. "شورای بررسی و اصلاح قانون اساسی" بر فراز مجلس خبرگان، "شورای تشخیص مصلحت" بر فراز مجلس شورای اسلامی، سپاه و ارتش، کمیته‌ها و شهربانی، وزارت سپاه و وزارت دفاع، وزارت کشاورزی و وزارت جهادسازندگی.....

وجود این ارگانهای موازی که دارای اهداف و کارکردهای مشابهی هستند، هرج‌ومرج و نیز تضادهای معینی را در بین آنان برانگیخته‌ و ریشه بحران در کل

۱- رژیم جمهوری اسلامی، بمثابه رژیمی توتالیتر و ایدئولوژیک بر مبنای ایدئولوژی اسلامی و سیستم "ولایت فقیه" نظام استبدادی همه‌گیر مذهبی و فردی را بر مبنای ما تحمیل کرده است که آشکارا ناقض ابتدائی‌ترین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و فردی و اجتماعی مردم ایران است.

رژیم مذهبی جمهوری اسلامی که دین و دولت در آن تلفیق گشته و مذهب شیعه و روحانیت از امتیازات ویژه برخوردار می‌باشد، یکی از خشن‌ترین دیکتاتورهای زمان ماست که متکی بر قهر ضدانقلابی عربان، سرکوب وحشیانه و تروریسم آشکار است. رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و مدافع بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته است. رژیم جمهوری اسلامی در چهارچوب نظم سرمایه‌داری، بدلیل تناقضات خود، گردش اقتصاد سرمایه‌داری را نیز دچار اختلال می‌کند و از هر رژیم سرمایه‌داری ارتجاعی‌تر است.

این رژیم، عامل اصلی فقر و مذلت اکثریت مردم، ورشکستگی اقتصاد کشور و اعمال مداوم سرکوب و کشتار توده‌هاست.

رژیم جمهوری اسلامی، دشمن خواسته‌ها و آرمانهای ضدامپریالیستی و استقلال‌طلبانه، عدالت‌جویانه و آزادیخواهانه مردم ایران و مانع اصلی رشد و تکامل آزاد و مترقیانه جامعه ایران است.

۲- تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، مبنی ما در بحران عمیقی گرفتار شده است. بیگاری بیش از ۴ میلیون نفر از نیروی فعال کشور، رکود واحدها و موسسات تولیدی همراه با تورم سرسام‌آور، کاهش دائمی ارزش ریال و افت فزاینده قدرت خرید توده‌های میلیونی مردم، رواج وسیع فعالیت‌های غیرتولیدی، سوداگرانه و قاچاق، عدم تعادل شدید در موازنه ارزی و بازرگانی خارجی و کسری بودجه، بارزترین مشخصه‌های این بحران بشمار می‌روند.

بازسازی خرابی‌های عظیم ناشی از هشت سال جنگ ارتجاعی با عراق، پس از یکدوره کشاکش میان جناحهای رقیب در حاکمیت بر سر چگونگی تأمین منابع مالی و اجرای آن، بکلی رها شده و هیچ برنامه مشخصی برای آن موجود نیست.

قیمت‌ها، علیرغم جنگ تبلیغی - ادواری رژیم علیه "تروریستهای اقتصادی"، مدام در حال افزایش است و توده‌های مردم بیش از پیش برای تأمین معیشت زیر فشار قرار میگیرند. در مقابل، یک مشت تجار بزرگ بازار که به "برکت" جنگ هشت‌ساله و حمایت‌های رژیم، از طریق انواع فعالیت‌های سوداگرانه به میلیاردرهای جدید تبدیل شده‌اند، همراه با شاری از مقامات و صاحب منصبان حکومتی که با دزدی و رشوه‌خواری در موسسات و بنیادهای دولتی به ثروتهای افسانه‌ای دست یافته‌اند، شریانیهای اقتصادی جامعه را در دست داشته و به استثمار زحمتکشان و چپاول ثروتهای ملی مشغولند.

در ده سال گذشته برخلاف هیاهوها و شعارهای میان تهی رژیم اسلامی، اقتصاد مبنی ما بیش از پیش به انحصارات امپریالیستی وابسته شده است. در نتیجه سیاستهای رژیم، صنایع و کشاورزی ایران بنابودی گزائیده، صادرات غیرنفتی نسبت به صادرات نفتی، چندین بار کاهش یافته و در مقابل نیاز به واردات مواد خام، کالاهای ساخته و نیم‌ساخته صنعتی و محصولات کشاورزی از کشورهای امپریالیستی در قیاس با دوران شاه بارها افزایش یافته است. بعلاوه در طی دوره جنگ ارتجاعی، براساس برآوردها و تخمین‌ها قریب ۵۰ - ۴۰ میلیارد دلار از ثروتهای ملتی که خود در فقر و مذلت زندگی میکنند به پای تولیدکنندگان و سوداگران اسلحه ریخته شده است. در طی ۱۰ سال گذشته هیچ کشوری به اندازه ایران قربانی مطامع انحصارات امپریالیستی تولید و صدور جنگ‌افزار نبوده است.

در عین حال جنگ ایران و عراق و سرازیر شدن ثروتهای کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بسوی مسابقه تسلیحاتی، قدرت رشد اقتصادی این کشورها را بشدت تضعیف کرده و از رهگذر آن نه تنها بازار ایران و عراق، بلکه بازار چندصد میلیونی خاورمیانه بیش از پیش به کالاهای صنعتی و کشاورزی جهان خارج وابسته شده است. بطوریکه امروزه کشورهای این منطقه بازار بیدفاع و بی‌دروازه غارتگران ژاپنی، آمریکائی و اروپائی محسوب میشوند. این امر، خود بحران اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه و بویژه ایران را تشدید کرده است.

بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی فزاینده و تضادها و تناقضات ذاتی رژیم اسلامی، این رژیم ارتجاعی را هرچه بیشتر در گرداب کشمکشهای درونی، جنگ قدرت و ناتوانی در تنظیم و پیشبرد مسائل روزمره خود فرو برده است.



دموکراتیک که مبارزات توده‌ها را بمنظور سرنگونی رژیم اسلامی سازمان دهد، گرایش پراگماتیستی فرصت و زمینه خواهد یافت تا از عوامل داخلی و خارجی در جهت تثبیت موقعیت خود بعنوان جناح غالب بهره جوید. این جناح در روند این تحول و در صورت لزوم خواهد کوشید حتی بر موج ناراضیاتی‌ها و اعتراضات توده‌ها سوار گردد. این جناح پس از غلبه خواهد کوشید بمنظور تخفیف تناقضات رژیم، بنیادهای رژیم اسلامی را بر برخی واقعیت‌های ایران و جهان منطبق نماید و بدینسان برای نجات حکومت اسلامی از بحران کنونی چاره‌جویی کند. اما حدت تضادها و تناقضات رژیم با واقعیات جامعه ایران و جهان بگونه‌ای است که فقط با از میان رفتن خود رژیم اسلامی این تناقضات پایان خواهد گرفت. با اینهمه، این واقعیت تلخ را باید یادآور شد که در صورت ضعف اپوزیسیون در شکل‌دادن آلترناتیو انقلابی - دموکراتیک برای سرنگونی رژیم، گرایش پراگماتیستی فرصت خواهد یافت با ایجاد ترمیم‌ها و اصلاحاتی در درون رژیم اسلامی، و مهار و سرکوب ناراضیاتی و مبارزات توده‌ها، عمر ننگین رژیم را ادامه و مشقات مردم ایران را افزایش دهد.

۱۰ - توده‌های مردم ایران، کارگران، زحمتکشان، دهقانان، خلقها، گامندان، دانش‌آموزان و دانشجویان، ارتشیان، زنان، کسبه و دیگر اقشار مردم ایران در وسیعترین شکل ممکن، تجربه تلخ ۱۰ سال حاکمیت ارتجاعی و استبدادی رژیم اسلامی را از سرگذرانده‌اند. نابودی صنایع و کشتادن اقتصاد کشور به ورطه ورشکستگی و فلج، سرکوب خواسته‌های کارگران و نابودی تشکلهای و شوراهای کارگری، تداوم مناسبات ظالمانه ارضی و فشار بر دهقانان، سرکوب خونین خلقها، تعطیل مراکز دانشجویی و فرهنگی و اخراج دهها هزار تن از دانشجویان و معلمان و استادان، سرکوب سازمانها و احزاب سیاسی و آنان، نابودی آزادیهای سیاسی، سرکوب سازمانها و احزاب سیاسی و به‌بندکشدن دهها هزار تن از فرزندان مردم و شکنجه و اعدام دهها هزار تن دیگر، جنگ‌افروزی و تحمیل جنگ ۸ساله بقیمت نابودی و تباهی ارزشهای مادی و معنوی مردم ایران و سرازیر کردن ثروتهای ملی بحیثیت انحصارات تسلیحاتی بین‌المللی و در یک گلام لگدمال‌کردن خوانسته‌ها و آرمانهای استقلال‌طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه توده‌های مردم ایران، کارنامه سیاه جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد.

علیرغم تشدید ناراضیاتی و نفرت توده‌ها از رژیم جمهوری اسلامی، میان سطح ناراضیاتی‌ها و نفرت توده‌ها و مبارزه علی‌آنان علیه رژیم اسلامی، تناسب برقرار نیست.

مبارزات توده‌ها و طبقه کارگر در راه خواسته‌ها و مطالبات عادلانه‌شان عمدتاً بصورت پراکنده و جدا از هم رخ می‌دهد. فقدان تشکلهای صنفی و هدایت و رهبری موثر بشدت بر دامنه و شربخشی و تداوم این مبارزات اثرات منفی برجای می‌گذارد.

بعلاوه مضمون مطالبات و مبارزات توده‌ها و طبقه کارگر عمدتاً تدافعی و بر سر کسب مجدد حقوق نقض شده و مطالبات پایمال شده قبلی است.

فقدان پیوند میان جنبش چپ و ترقیخواهانه ایران با مبارزات توده‌ها و طبقه کارگر عامل منفی دیگری است که زیانها و ضربات جانگاہی را بر مبارزات توده‌های مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی وارد آورده و می‌آورد.

علیرغم ضعفها و کاستیهای جدی و زیانبار یادشده جنبش چپ و ترقیخواهانه و جنبش توده‌ها و خلقهای ایران، امکانات بالقوه و پتانسیل عظیمی برای غلبه بر ضعفها و موانع پیشاروی و سازماندهی و ارتقا جنبش انقلابی را در درون خود دارد.

تضادها و تعارضات طبقاتی و اجتماعی، تراکم مطالبات و خواسته‌های عادلانه توده‌ای، تداوم مبارزه و مقاومت توده‌ها و نیروهای سیاسی از یکسو و تداوم اعمال فشار و سرکوب رژیم ارتجاعی همراه با تعمیق و تشدید بحرانهای اقتصادی و سیاسی از سوی دیگر، بدون شک زمینه بروز و انعکاس ناراضیاتی و خشم فروخورده توده‌ها، بروز و شکل‌گیری اعتراضات و مطالبات کارگری، توده‌ای و زمینه طرح مطالبات عام دموکراتیک را فراهم خواهد آورد. همراه با چشم‌انداز بروز گسترش اعتراضات و مبارزات کارگری - توده‌ای حول مطالبات و خواسته‌های صنفی و طبقاتی ویژه، چشم‌انداز بروز امواج خودانگیخته و انفجارگونه اعتراضات توده‌ای پراکنده بهیچوجه منتفی نیست.

وظیفه مرکزی جنبش چپ و انقلابی ایران، دستیابی به برنامه و مشی سیاسی انقلابی و مشخص، غلبه بر پراکندگی و تشتت مرکب‌کنونی، تلاش در راستای پیوند با مبارزات توده‌های مردم، و تلاش در راستای تشکیل آلترناتیوی انقلابی - دموکراتیک است که بتواند تمام اعتراضات و مبارزات توده‌های مردم ایران برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در مسیر عمومی مبارزه برای

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی محسوب میگردد. در گذشته تلاشیابی از سوی رفسنجانی و جناح خامنه‌ای برای ادغام پاره‌ای از این ارگانها صورت گرفت که با مقاومت جناح مقابل سرانجام با شکست مواجه گردید.

با ظهور و گسترش جنبش توده‌ای علیه رژیم، بی‌شک تضاد و تقابل این ارگانها شدت گرفته و این بنوبه خود در فروپاشی ارتجاع حاکم موثر بوده و آنرا تسریع خواهد کرد.

۶ - حاکمیت جمهوری اسلامی ضمن دفاع از کلیت نظام سرمایه‌داری وابسته ایران عمدتاً حامل دو گرایش طبقاتی است. یکی، گرایشی که منافع تجار و ملاکین بزرگ را منعکس میکند و به جناح "رسالت" یا "میانه‌روها" موسوم است؛ و دیگری، گرایشی که بیانگر منافع و علایق بورژوازی بوروکرات بوده و به جناح "تندروها" معروف است.

تضادهای ایندو جناح بطورکلی بر سر تفسیر اسلام، نقش دولت در اقتصاد و نیز سیاست خارجی است. جناح رفسنجانی - خامنه‌ای که دست بالا را در حکومت دارد، طرفدار بازگذاشتن کامل دست تجار بزرگ در فعالیتهای اقتصادی داخلی و نیز تجارت خارجی، آزادی قیمتها، برقراری رابطه با دولت‌های غربی و جلب حمایت سیاسی و اقتصادی دول امپریالیستی است. درحالیکه جناح موسوی - محتشمی، از محدودکردن تجار بزرگ و گسترش نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی داخلی و خارجی، "کنترل قیمتها" توسط دولت، صدور "انقلاب اسلامی" به سایر کشورهای جهان جانبداری میکند.

۷ - سنگ بنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی، پان‌اسلامیسم، صدور "انقلاب اسلامی" به سایر کشورهای جهان و تروریسم دولتی است. پیشبرد این سیاست بطور گریزناپذیر به انزوای بین‌المللی رژیم منجر می‌شود.

با شکست رژیم در جنگ ارتجاعی هشت‌ساله ضربه‌ی هردکننده‌ای بر این سیاست وارد شد. بعد از پذیرفته‌شدن قطعه‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی، هاشمی رفسنجانی با اتکا به جناح موسوم به "رسالت" توانست طی یک تلاش جدید در سیاست خارجی رژیم تجدیدنظر کرده و آنرا در جهت عادی‌کردن رابطه با امپریالیسم سوق دهد. اما این تلاش رفسنجانی نیز مانند تلاشهای او در رسوائی "ایران‌گیت" بعد از مدتی با شکست مواجه شد و جناح موسوی - محتشمی موفق شد با جلب حمایت خمینی و صدور فتوای او درباره‌ی قتل سلمان رشدی نویسنده‌ی کتاب آیات شیطانی مجدداً سیاست جمهوری اسلامی را در راستای قبلی خود مستقر نماید تحکیم پایه‌های رژیم بر متن نظام سرمایه‌داری وابسته ایران مستلزم برقراری رابطه با امپریالیسم و جلب حمایت سیاسی و اقتصادی دول امپریالیستی است. اما یک چنین جهت‌گیری ناسازگار با پان‌اسلامیسم بوده و بمعنای نفی سیاست "صدور انقلاب اسلامی" است. این تناقض همواره منشا و عامل اصلی بحران در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است.

۸ - فتوای خمینی درباره قتل "سلمان رشدی" همانطور که سیاست داخلی و خارجی رژیم را دستخوش تغییراتی کرد، در مناسبات میان جناحهای متخاصم رژیم نیز موثر بود. این فتوا در راستای سیاستهای جناح موسوی - محتشمی بود و جناح رفسنجانی را در وضعیت متناقض و دشواری قرار داد اما رفسنجانی با عقب‌نشینی تاکتیکی از مواضع قبلی و حتی حمله به دولت‌های غربی توانست پشتیبانی خمینی و بنابراین موقعیت خود را حفظ کند.

بعلاوه برکناری منتظری از مقام ولایت‌فقیه و همچنین تغییراتی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در ارتباط با مسأله رهبری، قوه‌اجرائی و قوه‌قضایی در دستور قرار گرفته است، تماماً در جهت خواسته‌های رفسنجانی بوده و پاره‌ای از موانع مهم را که در راه تحکیم قدرت او وجود داشته رفع مینماید.

رفسنجانی تلاش میکند موقعیت خود را در رژیم، ولو به قیمت از دست‌دادن موقت پشتیبانی دولت‌های امپریالیستی و کشورهای عربی منطقه، حفظ و تحکیم نماید. برگزیده‌شدن او بعنوان رئیس‌جمهور در انتخابات دوره‌ی جدید ریاست‌جمهوری، با توجه به تغییرات قانون اساسی و احتمال حذف مقام نخست‌وزیری، مواضع جناح رفسنجانی - خامنه‌ای را در حکومت جمهوری اسلامی تقویت کرده و راه را برای سلطه این جناح بر قوه‌مجریه هموار خواهد کرد. هاشمی رفسنجانی، خود در رویای تبدیل شدن به دیکتاتور آینده رژیم جمهوری اسلامی است.

۹ - در جنگ قدرت جناحها، جناح پراگماتیست رژیم جمهوری اسلامی، در تلاش خود علاوه بر آن که به الزامات گریزناپذیر ساختار اقتصادی و مصالح سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی تکیه میکند، و علاوه بر آن که در درون رژیم موقعیت نیرومندی دارد، از حمایت جریانات لیبرال مذهبی پیرامون رژیم نیز برخوردار خواهد بود.

در فیاب مبارزات و جنبش توده‌ای و در شرایط فقدان آلترناتیو انقلابی -



ترویج اهداف و شعارهای استراتژیک جنبش وظیفه هر سازمان و حزب سیاسی جنبش چپ محسوب میشود.

اما طرح مواد برنامه‌ای، اهداف استراتژیک و شعارهای درازمدت کافی نیست. تبلیغ و ترویج این اهداف و شعارها برای جنبش ضروریست. اما درعین حال باید مطالبات روزمره و فوری توده‌های وسیع را نیز در هرگام پیش کشید. در غیراینصورت سازمانهای چپ از توده‌ها و زندگی واقعی جدا شده، در چارچوب مبارزه ایدئولوژیک پیرامون اهداف و شعارهای استراتژیک محدود گردیده و نمی‌توانند به یک جنبش سیاسی - توده‌ای فرارویند.

جنبش چپ، علاوه بر تدوین مبانی برنامه‌ای و ترسیم اهداف و شعارهای درازمدت با وظیفه عاجل‌تر تحلیل روندهای اقتصادی و سیاسی کنونی، تدوین و فرموله کردن خواستها و مطالبات توده‌ها در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و ارائه شعارهای مبارزاتی برای بسیج و سازماندهی مبارزه انقلابی توده‌ای، پیش از سرنگونی و در راه سرنگونی نیز مواجه است.

واقعیت اینست که جنبش چپ ایران در فعالیت و مبارزات سیاسی خود در میان توده‌های مردم و در زمینه تبلیغ و ترویج با معضل ضعف ارتباط میان اهداف و شعارهای استراتژیک‌اش از یکسو و خواستها و شعارهای تاکتیکی برای سازمانگری مبارزه جاری توده‌ها از سوی دیگر روبرو بوده است. این نقطه ضعیفی است که باید برای رفع آن بطور جدی تلاش کرد. این درست است که ما باید به توده‌ها نشان دهیم که داشتن یک زندگی انسانی با وجود ارتجاع حاکم قابل تصور نیست و کسب آزادی کامل سیاسی و ایجاد تغییرات بنیادی در شرایط زندگی‌شان تنها با انقلاب و سرنگونی تام و تمام رژیم میسر است، اما پیش‌کشیدن این ایده بدان معنا نیست که توده‌ها باید برای خواستهای روزمره‌شان تا سرنگونی رژیم منتظر بمانند. برعکس میتوان و باید مطالباتی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، آزادی فعالیت سیاسی احزاب و تشکلهای و یا آزادی انتخابات را پیش کشید و با تبلیغ حول آنها توده‌های وسیع را به تلاش برای تحقق چنین مطالباتی تشویق کرد.

نیروهای جنبش چپ در مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی می‌توانند از زمینه‌های بسیار مناسبی همچون نارضایتی عمیق توده‌های مردم ایران از حکومت اسلامی، تشدید بحران اقتصادی، ناسازگاری رژیم با اوضاع بین‌المللی، بیزاری افکار عمومی جهانیان از حکومت و بالاخره تشدید بحران درونی رژیم، بهره گیرند.

جنبش چپ از شرایط مناسبی برای دامن زدن به مبارزه در راه سرنگونی رژیم برخوردار است مشروط به آنکه بتواند به پراکندگی متمرکز کنونی خاتمه دهد و همراه با نیروهای جنبش ترقی‌خواهانه ایران چشم‌انداز یک آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی را در برابر توده‌ها ترسیم نماید.

جنبش کونیستی ایران برای آنکه در شکل‌دادن بیک جنبش وسیع سیاسی و انقلابی علیه حکومت اسلامی نقش شایسته‌ای ایفا کند، باید نخست خود به یک جنبش سیاسی جدی تبدیل گردد. پراتیک انقلابی ایجاب میکند که مطالبات مشخص توده‌ها، کارگران، دهقانان، خلقها، زنان، دانش‌آموزان، دانشجویان و سایر اقشار مردم ایران در عرصه‌های سیاسی و صنفی را بصورت شعارهای مشخص و ملموس ارائه کنیم، شعارهایی که تبلیغ حول آنها جنبش توده‌ای را گام به گام شکل داده، نیرومندتر ساخته و مبارزه در راه سرنگونی ارتجاع را گسترش دهد.

### گرایانه مطالبات جاری

#### الف - علیه دیکتاتوری، در دفاع از دموکراسی

در طول تاریخ معاصر مبارزات سیاسی ایران، فعالیت و مبارزه در راه دموکراسی و آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌های مردم ایران، عمده‌ترین محور مبارزات استقلال‌طلبانه، عدالت‌جویانه و آزادیخواهانه مردم ایران بوده است. توده‌های شهری و بویژه شهرهای بزرگ ایران در نقاط عطف تاریخ مبارزات توده‌ای، در دفاع از خواسته‌های عام دموکراتیک و علیه استبداد و دیکتاتوری بسیج شده و به مبارزه برخاسته‌اند.

در شرایط کنونی نیز که رژیم جمهوری اسلامی با تحمیل استبداد مذهبی و "ولایت فقیه"، ابتدائی‌ترین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و فردی و اجتماعی توده‌های مردم ایران را به شدیدترین شکل ممکن نقض می‌کند و در شرایطی که دموکراسی به مهمترین خواست مردم تبدیل شده است، جنبش چپ ایران از این ظرفیت واقعی برخوردار است که در مبارزه علیه رژیم استبدادی جمهوری اسلامی و در دفاع از دموکراسی، در پیشاپیش مبارزات دموکراتیک توده‌ها قرار گیرد و با هدایت مبارزه در راه دموکراسی، هدایت و رهبری کل جنبش توده‌ای را بدست آورد.

سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار دموکراسی خلقی، هماهنگ و متحد سازد. ۱۱- تحقق اساسی و کامل خواسته‌ها و آرمانهای استقلال‌طلبانه، عدالت‌جویانه و آزادیخواهانه مردم ایران، مستلزم سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی خلقی است.

بر این اساس هدف مقدم استراتژیک ما در انقلاب آتی، سرنگونی ارتجاع و استقرار دموکراسی خلقی است. در راستای این هدف، ما موظفیم در راه تشکیل جبهه‌ای دموکراتیک - ضدامپریالیستی و مادیت‌بخشیدن به آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی در برابر رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنیم. تجربه ثابت کرده است که در شرایط فعلی دستیابی باین هدف کار یک امروز و فردا نیست، ضعف و پراکندگی جنبش کونیستی، اختلافات موجود میان نیروهای اپوزیسیون ترقی‌خواه و دموکراتیک مانعی هستند که باید در روند تشکیل بر آنها فائق آمد. اتحادعمل و همکاری مبارزاتی این نیروها ککهای جدی و موثری در راه تشکیل جبهه بشمار می‌آید.

جبهه انقلابی باید ایده‌ی ضرورت انقلاب برای سرنگونی رژیم ارتجاعی، ایجاد دولت انقلابی موقت و فراخوان مجلس موسسان را وسیعاً میان توده‌ها برده و نیز برنامه دولت انقلابی موقت را تبلیغ و ترویج نماید. انحلال کلیه ارگانهای سرکوبگر و بوروکراتیک رژیم، خلع ید از سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها، برسیت شناختن حق خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش، سیاست خارجی مبتنی بر اصل عدم تعهد، قانون کار در جهت بهبود زندگی کارگران و زمین به دهقانان خطوط اصلی برنامه دولت انقلابی موقت را تشکیل میدهند.

باید تلاشهای مسئولانه و پیگیرانه‌ای صورت گیرد تا همکاری کلیه نیروهای اپوزیسیون که اهداف اصلی و چارچوب برنامه‌های جبهه‌ای را می‌پذیرند، بدون استثنا در آن تامین گردیده و بر پراکندگی موجود بین نیروهای پیشرو و ترقی‌خواه که میتوانند با حفظ استقلال سیاسی - ایدئولوژیک و تاکتیکی مبارزاتی خاص خویش در یک جبهه متحد گردند، پایان داده شود.

در شرایط حاضر، علیرغم بحران اقتصادی، تناقضات لاینحل رژیم و نارضایتی وسیع مردم نسبت بوضع موجود، جنبش توده‌های بطور عینی دوری رکود را طی میکند. جنبش طبقه‌کارگر و حرکت‌های توده‌ای در کلیت خود، بسیار محدوده از لحاظ شکل پراکنده و خودبخودی و از لحاظ مضمون عمدتاً صنفی هستند. در شرایط کنونی فقط در منطقه کردستان، جنبش ملی خلق کرد بدلیل ویژگی خاص، اساساً شکل مبارزه مسلحانه بخود گرفته است و مبارزه مسلحانه در کردستان پایه فعالیت سازمانهای چپ و مترقی نیز محسوب می‌شود.

سلطه روحیه ناامیدی و یاس ناشی از شکست انقلاب بهمن، دیکتاتوری لگام‌گسیخته حاکم، پراکندگی نیروها و سازمانهای پیشرو و عدم وجود یک آلترناتیو - انقلابی مورداعتقاد مردم در صحنه سیاسی که بتواند چشم‌انداز روشن و امیدبخشی را برای توده‌ها ترسیم نماید، از عوامل اصلی فقدان برآمد توده‌ای آشکار محسوب میشوند.

۱۲- در شرایط سرکوب و اختناق بی‌سابقه در ایران، خواست دموکراسی و آزادیهای سیاسی به محوری‌ترین خواست وسیع‌ترین اقشار و طبقات مختلف مردم ایران تبدیل شده است.

جنبش چپ ایران مدافع راستین استقلال، سعادت و آزادی ایران است. جنبش چپ ایران پیشروترین نیروی مدافع تامین عدالت اجتماعی و دموکراسی سیاسی یعنی پذیرش اراده اکثریت توده‌های مردم ایران است.

دیگر جریانات و احزاب سیاسی جامعه ایران که از هم‌اکنون خود را یگانه‌آلترناتیو رژیم اسلامی می‌خوانند، بنا به محدودیت‌های طبقاتی و ایدئولوژیک خود نمی‌توانند خواسته‌ها و آرمانهای شریف استقلال‌طلبانه، عدالت‌جویانه و آزادیخواهانه مردم ایران را برآورده کنند. سلطنت‌طلبان با اعتقاد به سلطنت موروثی، مجاهدین خلق با برخورد قیام‌بانه و شعار "جمهوری دموکراتیک اسلامی" و لیبرال‌مذهبی‌ها با اعتقاد به ادغام دین و دولت، در تقابل با حق حاکمیت مردم قرار دارند.

جنبش چپ ایران در میان مجموعه نیروهای سیاسی طبقاتی جامعه ایران و در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی از ظرفیت و امکان پیشرو بودن در مبارزه برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و استقلال ایران برخوردار است.

۱۳- تبلیغ و ترویج برنامه‌های درازمدت و شعارهای استراتژیک جنبش چپ در میان طبقه کارگر و توده‌ها، قراردادن چشم‌انداز و آلترناتیو پس از سرنگونی در برابر حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و نیز مقایسه برنامه‌ها و شعارهای استراتژیک جنبش چپ با اهداف و برنامه‌های دیگر نیروهای سیاسی، همراه با تلاش در راه پیوند با مبارزات توده‌ها و سازماندهی این مبارزات زمینه جلب و جذب توده‌ها بسط جنبش چپ را فراهم می‌آورد. بر این اساس تبلیغ و



تأمین اجتماعی شامل بیمه درمانی، سوانح، از کارافتادگی و...  
بیمه بیکاری برای تمام کارگران.  
انحلال انجمن‌ها و شوراهای اسلامی کار.  
حق ایجاد تشکل‌های صنفی مستقل، حق اعتصاب  
تأمین حق کارگران برای برگزاری آزاد و مستقل روز اول ماه مه، روز کارگر.

#### د - خواسته‌های خلقها

خلقهای ایران و بویژه خلق کرد ایران که در راه خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران مبارزه می‌کنند، زیر شدیدترین فشارهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار دارند. تأمین خودمختاری خلقها، در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. در کمک به مبارزات خلقها و بویژه خلق کرد و برای به عقب راندن رژیم جمهوری اسلامی، از خواسته‌های زیر دفاع کنیم:

پایان دادن به اشغال نظامی شهرها و روستاهای کردستان  
کردستان بگونه‌ای بیسابقه‌ای میلیتاریزه شده و نزدیک به ۳ هزار پایگاه نظامی توسط ارتش و سپاه پاسداران رژیم در شهرها و روستاهای کردستان مستقر شده است.

برچیدن پایگاههای نظامی و پایان دادن به حالت محاصره نظامی  
رفع محدودیت‌ها و محاصره اقتصادی شهرها و روستاهای کردستان،  
مبادله و آزادی زندانیان سیاسی و اسرای جنبش خلق کرد،  
پایان دادن به اختناق و سرکوب، آزادی فعالیت سیاسی احزاب و  
سازمانهای سیاسی جنبش کردستان،  
همبستگی و حمایت نسبت به مبارزات خلقهای ایران، دفاع از جنبش  
مسلحانه در کردستان و شرکت در آن.  
حق تدریس زبان و آموزش فرهنگ خلقها در مدارس و رسیت زبان مادری

#### ه - خواسته‌های زنان

لغو محدودیت‌های تحصیلی بر زنان در انتخاب مشاغل اداری و اجتماعی و  
در انتخاب رشته تحصیلی  
تأمین برابری کامل در امر تحصیل، اشتغال، ازدواج و طلاق و زندگی  
خانوادگی (سرپرستی کودکان و...)  
منوعیت تعدد زوجات  
لغو قوانین ارتجاعی محدودکننده حقوق زنان  
از میان برداشتن محدودیت‌های ارتجاعی در زمینه پوشش، مسافرت و تردد  
زنان.  
آزادی تشکل‌های مستقل زنان

#### و - خواسته‌های دانش‌آموزی و دانشجویی

جنبش دانش‌آموزی و دانشجویی ایران عنصر مهم و تفکیک‌ناپذیر مبارزات  
ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ایران است. جنبش دانشجویی ایران در  
طرح و پیشبرد خواسته‌ها و مطالبات عام دموکراتیک مردم ایران، همواره نقشی  
بسیار موثر و مترقی ایفا کرده است. هر گونه تحول در مبارزات دموکراتیک مردم  
ایران، با نقش انگارناپذیر جنبش دانشجویی ایران همراه است.

در راه تقویت و ارتقا مبارزات جنبش دانش‌آموزی و دانشجویی ایران، از  
خواسته‌های زیر دفاع کنیم:  
لغو شهریه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی  
آزادی تحقیقات علمی و حذف محدودیت‌های اسلامی در برابر این  
تحقیقات  
لغو تبعیضات و موانع در امر پذیرش دانشجویان از جمله لغو سهمیه اختصاصی  
ارگانهای رژیم (سپاه پاسداران، بسیج، بنیاد شهید و غیره)  
لغو آزمون‌های ایدئولوژیک - سیاسی و تحقیقات و جاسوسی درباره سابقه  
فعالیت دانشجویان

بازگشت استادان اخراجی و تکمیل گادر آموزشی  
رفع تبعیض در تحصیل دختران و زنان  
انحلال انجمنها و شوراهای اسلامی  
برچیدن کمیته‌ها و سایر ارگانهای جاسوسی و سرکوب در محیط‌های آموزشی  
انحلال هیات‌های گزینش دانشجو

در دفاع از دموکراسی و آزادی، مبارزات توده‌ها علیه رژیم دیکتاتوری  
جمهوری اسلامی را سازماندهی کنیم. این مبارزات پراکنده را حول شعارهای  
مربوط به حقوق و آزادیهای سیاسی، متحد و متشکل کنیم:

آزادی عقیده و بیان و نشر، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی  
تشکل.

آزادی تشکل‌های صنفی - طبقاتی کارگران، زحمتکشان، کارمندان،  
دانشجویان و...

آزادی سازمانها و احزاب سیاسی

لغو قانون احزاب رژیم جمهوری اسلامی: قانون احزاب رژیم جمهوری  
اسلامی، قانونی ضد دموکراتیک و وسیله‌ای در دست ارتجاع برای فریب افکار  
عمومی، سرکوب توده‌ها و نیروهای سیاسی است. کلیه جریانات و احزابی که به  
ثبات نام پرداخته‌اند در فریب افکار عمومی و در توجیه جنایات رژیم ارتجاعی  
و ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی سهیم‌اند.  
آزادی انتخابات:

برچیدن سانسور، آزادی فعالیتهای تبلیغاتی و سیاسی، آزادی فعالیت  
سیاسی کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی.

در شرایط حفظان و سرکوب، در شرایط فقدان فعالیت سیاسی و آزادی  
احزاب، هر گونه انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی، جز نیرنگ و فریب و  
لگدمال کردن آشکار اراده توده‌ها، چیز دیگری نیست.

دفاع از حقوق بشر، زندانیان سیاسی و خانواده‌های زندانیان سیاسی؛  
رژیم جمهوری اسلامی، دشمن حقوق بشر و اعمال‌کننده وحشیانه‌ترین  
شیوه‌های شکنجه جسمی و روحی علیه زندانیان سیاسی، اعدام و قتل عام  
زندانیان سیاسی است. برای گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از  
حقوق بشر و از زندانیان سیاسی ایران:

- زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

- منع بازداشت بدلائل عقیدتی، مذهبی، قومی و...

- لغو شکنجه و اعدام زندانیان

- دفاع از خانواده‌های زندانیان سیاسی

- تلاش در راه سازماندهی فعالیتها و مبارزات خانواده‌های زندانیان سیاسی در  
تشکل‌های دموکراتیک.

- انحلال ساوا (ساواک رژیم اسلامی)

- دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک مصرحه در بیانیه جهانی حقوق بشر که  
رژیم اسلامی بطور روزمره و در اقدامات ضد بشری خود نقض و پایمال می‌کند.

- برخورد انتقادی و افشاگرانه با هر نیرو و دولت خارجی که نسبت به نقض  
حقوق بشر در ایران سکوت کند و یا در قبال جنایات رژیم اسلامی ماشات  
ورزد.

#### ب - در دفاع از استقلال و منافع ملی:

مبارزه با تلاش‌های پنهان و آشکار دولتها و انحصارات امپریالیستی در  
عاطله با رژیم برای فروش تسلیحات و انعقاد قراردادهایی که منافع ملی ایران  
را به تاراج می‌برد،

مبارزه علیه سیاست دولتهای امپریالیستی که بخاطر منافع اقتصادی خود و  
شرکتهای انحصاری، در برابر نقض حقوق بشر در ایران و جنایات رژیم سکوت  
می‌کنند و یا به ماشات با آن می‌پردازند،

مبارزه با سیاستهای پان‌اسلامیستی، تجاوزگرانه، مداخله‌جویانه و تروریسم  
دولتی رژیم در منطقه و جهان که به جنبش‌های عادلانه خلق‌ها در راه استقلال  
ملی و عدالت اجتماعی لطمه می‌زند و زمینه را برای مداخلات امپریالیست‌ها و  
حضور آنها در مناطق مختلف مهیاء می‌کند، دفاع از صلح در منطقه و جهان و  
همبستگی با مبارزات سایر خلقها در راه استقلال، آزادی و عدالت،

دفاع از فرهنگ ملی و مترقی ایران در برابر ویرانگری‌های رژیم و مقابله با  
تلاشهایی که در سطح جهان برای بی‌اعتبار کردن فرهنگ مردم ایران با استناد  
به اقدامات رژیم صورت می‌گیرد.

#### ج - خواسته‌های کارگری

افزایش حداقل دستمزد متناسب با نرخ تورم  
توقف اخراج کارگران و بازگشت کارگران اخراجی به کارخانه‌ها  
تأمین اشتغال

## اتحاد کار (۱)

۱۷- تلفیق فعالیت مخفی و علنی و فعالیت در راه ایجاد تشکل‌های توده‌ای و همچنین حضور و فعالیت در این تشکل‌ها از اهمیت ویژه برخوردار است. ضروریست که با حضور در مجامع و محافل دموکراتیک و توده‌ای در سطوح و اشکال گوناگون، مبارزات دموکراتیک مردم را علیه سرکوب و اختناق رژیم تقویت و سازماندهی کرد. در این راستا استفاده از امکاناتی که برای فعالیت در محافل و مجامع علنی از قبیل مجامع کارگری، فرهنگی، ادبی و هنری بوجود می‌آید، باید مورد توجه فعالین جنبش قرار گیرد. فعالیت در راه ایجاد تشکل‌ها و محافل کارگری گامی است، دانشجویی، دانش‌آموزی و در خلاف، تماس با چنین تشکلهائی هر آنجا که حتی در اشکال نطفه‌ای وجود دارند، و تلاش در راه گسترش و ارتقای آنها می‌بایست در دستور فعالیت روزمره قرار داشته باشد. همواره باید این اصل راهنما را در نظر داشت و بگاریست که مبارزه برای دموکراسی و حقوق دموکراتیک، از امر تشکل و سازمانیابی جدائی ناپذیر است. مبارزه برای دموکراسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها را از طریق مبارزه برای ایجاد، گسترش و تقویت تشکل‌ها و سازمانهای صنفی - سیاسی توده‌ای به پیش بریم.

۱۸- در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، باید تمام اشکال مبارزه: از مبارزه در چارچوب قوانین رژیم تا بست نشینی، اعتصاب غذا، اعتصاب، تظاهرات خیابانی و مبارزه مسلحانه را بکار بست و این حقیقت را در میان مردم تبلیغ و ترویج نمود که این رژیم بدون یک مبارزه وسیع توده‌ای و دموکراتیک در گوناگون‌ترین اشکال آن و بدون غلبه بر قهر ضد مردمی آن از طرف نیروی قهر توده‌ای سرنگون نمی‌شود.

۱۹- فعالیت در راه دستیابی به یک گارپایه سیاسی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی در شرایط پیش از سرنگونی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی وظیفه مشترک کلیه نیروها و سازمانهای جنبش چپ و ترقیخواهانه ایران است. ما با طرح خطوطی از مطالبات و خواسته‌های توده‌ای و شعارهای سیاسی برای هدایت و سازماندهی مبارزات و خواسته‌های توده‌ها، کلیه نیروها و سازمانهای جنبش چپ را به همکاری و فعالیت مشترک در این عرصه و برای دستیابی به گارپایه سیاسی مشترک، برای اتحاد عمل مبارزاتی در پیشبرد چنین فعالیت و مبارزه‌ای فرا می‌خوانیم. پیشرفت در این عرصه، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای مضمون و شکل همکاری‌ها و فعالیت مشترک نیروهای جنبش چپ ایران در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی باشد.

بقیه از صفحه ۱۶

## آئین نامه انتخابات و برگزاری کنگره

۱۸- در صورتیکه صحبت رفیقی از جانب دیگری دقیق نقل نشود، رفیق حق دارد نظر درست خود را به شکل مکتوب در فاصله صحبت سخنرانها به هیئت رئیسه برساند. هیئت رئیسه در مورد این تذکرات یا به شکل شفاهی خودش توضیح می‌دهد و یا نوشته رفیق را می‌خواند و یا به رفیق فرصت محدودی می‌دهد که نظرش را توضیح دهد. در صورتیکه هیئت رئیسه تشخیص دهد که موضوع از اهمیت زیادی برخوردار نیست آنرا مسکوت می‌گذارد.

۱۹- تذکر به هیئت رئیسه فقط در مورد نقض آئین‌نامه داده خواهد شد. شکل آن کتبی است و در فاصله بین دو سخنران به هیئت رئیسه تحویل داده می‌شود.

۲۰- در صورت برخورد عصبی و استفاده از واژه‌هایی که در فرهنگ ما توهین‌آمیز تلقی شده، هیئت رئیسه به سخنران تذکر می‌دهد. در صورت عدم رعایت از جانب سخنران، هیئت رئیسه از ادامه صحبت سخنران جلوگیری می‌نماید.

۲۱- به سخنرانها توصیه می‌شود اگر ایده‌هایشان قبل از آنها توسط دیگران توضیح داده شده است از تکرار آن اجتناب نمایند تا جلسه جدی‌تر برگزار شود و نیروی جمع در گوش‌دادن به ایده‌های تکراری، برخوردهای شخصی و ایده‌هایی که بطور خلق‌الساعه طرح میکنند تلف نشود.

کمیسیون تدارک کنگره

آزادی ایجاد تشکل‌های صنفی و مستقل دانشجویی و دانش‌آموزی  
جدائی دین از نظام آموزشی

ز- علیه خطر جنگ و برای صلح عادلانه

پذیرش قطعنامه ۵۹۸، در نتیجه سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و زیاده‌طلبی‌های رژیم عراق، نه تنها به صلح عادلانه و دموکراتیک منجر نشده است بلکه خطر از سرگیری جنگ کماکان وجود دارد. حالت نه جنگ و نه صلح، به ادامه تشنج در منطقه، فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و در معرض خطر قراردادن استقلال و تمامیت ایران و سایر کشورهای منطقه انجامیده است.

در دفاع از صلح و علیه خطر از سرگیری مجدد جنگ:  
علیه سیاستهای تسلیحاتی رژیم، مخالفت با بودجه نظامی و اختصاص فزاینده ارز به خرید تسلیحات نظامی.

مخالفت با بسیج نظامی و اعزام نیرو به جبهه‌ها  
آزادی و مبادله فوری و بدون قید و شرط اسرا

اجرای قطعنامه ۵۹۸

افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم اسلامی و ماهیت جنگ‌افروزان آن  
افشای سیاست‌ها و اقدامات رژیم عراق که در مغایرت با استقلال و تمامیت ارضی ایران قرار دارد

حل اختلافات مرزی بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

مبارزه علیه فروش تسلیحات از هر طرف و از جانب هر دولت به ایران و عراق و کشورهای منطقه خلیج فارس

افشای سیاستهای کشورهای امپریالیستی و انحصارات تسلیحاتی که حالت "نه جنگ نه صلح" را بسود منافع خویش می‌دانند

۱۴- با توجه به مجموعه خواسته‌ها و مطالبات صنفی - سیاسی پیشگفته، در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، شعار کار، مسکن، آزادی در شرایط کنونی در برگیرنده عمومی‌ترین خواسته‌ها و مطالبات توده‌ای و شعار تبلیغی و بسیج‌کننده است. فعالیت و مبارزه در راه آزادیهای سیاسی و دموکراسی، از میان شعارهای فوق، در مرکز تبلیغ و ترویج و سازمانگری ما قرار دارد.

۱۵- مبارزه برای دموکراسی و حقوق و آزادیهای دموکراتیک در شرایط کنونی، بمعنای مطالبه این خواسته‌ها از رژیم جمهوری اسلامی نیست بلکه بمعنای این است که توده‌ها می‌توانند با گسترش و تشدید مبارزاتشان، خواسته‌های خود را به رژیم تحمیل کنند. نیرویی که می‌تواند رژیم را سرنگون کند، بطریق اولی قادر است خواسته‌هایی کمتر از سرنگونی را نیز به رژیم تحمیل نماید. رژیم جمهوری اسلامی بنا به ایدئولوژی خود، بنا به ساختار توتالیتر قدرت دولتی که تمام عرصه‌های فعالیت اجتماعی و سیاسی را در کنترل خود قرار داده است، و بنا به حدت تضادهای اقتصادی و سیاسی که عملکرد آزاد آنها موجودیتش را بخطر می‌اندازد، قادر نیست حتی در چارچوب بورژوازی نیز دموکراسی و آزادی سیاسی را برقرار سازد و به حقوق دموکراتیک توده‌ها تن دهد. تنها توده‌ها هستند که با مبارزات وسیع و پیگیر خود می‌توانند عقب‌نشینی‌هایی را به رژیم تحمیل کنند و در تداوم آن با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، حکومتی دموکراتیک را بجای آن بنشانند. مساله مهم اینست که مبارزه برای دموکراسی و خواسته‌های و مطالبات دموکراتیک توده‌ها، استراتژی انقلابی و مبارزه انقلابی را تحت‌الشعاع قرار ندهد، بلکه در خدمت آن باشد. در این چارچوب استفاده از تضادهای درونی رژیم و طبقه حاکم و بهره‌گیری از هر شکاف و امکانی برای گسترش مبارزه مردم باید مورد توجه قرار گیرد.

معیار و شاخص راهنما در مبارزه بخاطر دموکراسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها در شرایط موجود آنست که صرفنظر از تغییرات و نوسانات دسته‌بندیها و جناحهای رژیم اساس و بنیاد فعالیت بر تبلیغ و ترویج خواسته‌های توده‌ای در میان کارگران و زحمتکشان و سازماندهی مبارزات آنان گذاشته شود.

۱۶- از آنجا که مبارزه علیه فعال‌میشائی رژیم در تمامی زمینه‌ها، مبارزه برای کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک و اعمال فشار بر قدرت سیاسی از طرف مردم و بالاخره استقرار دموکراسی پس از سرنگونی رژیم، بدون وجود تشکل‌های کارگری و توده‌ای امکان‌پذیر نیست و از آنجا که دموکراسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها جز از طریق تشکل و سازمانیابی قابل حصول نیست، تبلیغ و ترویج ضرورت و اهمیت این تشکل‌ها و مبارزه برای شکل‌گیری آنها در گوناگون‌ترین اشکال ممکن، از هم‌اکنون یکی از عرصه‌های مهم مبارزه برای دموکراسی و آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌هاست.



## اسناد ضمیمه :

در زیر سه سند که در کنگره ارائه شده است، درج می‌شود:

- سند اول،** "آئین نامه انتخابات و برگزاری کنگره" است که در کنگره سازمان فدائیان خلق ایران و کنگره‌ی وحدت مورد تصویب قرار گرفته است.
- سند دوم،** "گزارشی از مباحث اساسنامه" است که مجموعه‌ی پیشنهادات و اصلاحات مربوط به اساسنامه را طبقه‌بندی و ارائه می‌کند.
- سند سوم،** مطلبی بنام "تزهائی درباره‌ی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران و مبرمترین وظایف ما" است که همراه با "کارپایه سیاسی" (مندرج در "راه‌کنگره" شماره ۸) در قسمت "اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما" مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این سند با توجه به اینکه قبل از کنگره انتشار نیافته بود، به پیوست اسناد کنگره منتشر می‌شود.

## آئین نامه انتخابات و برگزاری کنگره

مقدمه

رفقای گرامی!

چنانکه قبلاً به اطلاعتان رسیده است انتخاب نمایندگان اعضای سازمان برای شرکت در نخستین کنگره‌ی سازمان در ... سال جاری صورت می‌گیرد. طبیعی است که رفقا با درک عمیق از نقش کنگره‌ی سازمان در تصویب برنامه و اساسنامه جدید و خط مشی مبارزاتی سازمان در عرصه‌های مختلف و با تکیه بر شناختی که در جریان زندگی و فعالیت مشترک مبارزاتی و تشکیلاتی کسب کرده‌اند، نمایندگان خود را انتخاب خواهند نمود. کمیسیون تدارک‌کننده برای کمک به تصمیم‌گیری همه جانبه رفقا یک رشته معیارهای عام را که ارزش‌های بنیادین فعالیت سازمان میباشند یادآوری میکند تا در جریان انتخابات مورد توجه شایسته رفقا قرار گیرند: سوابق مبارزاتی، پایداری در دفاع از مردم و مبارزه با دشمنان آن، برخورد مسئولانه با وظایف، استقلال نظر، توانائی حل مسائل در عرصه‌های مختلف، جسارت فکری و صراحت در گفتار، ابتکار و پشتکار در پیشبرد وظایف عملی، بدیهی است که بکارگیری این معیارها همراه با معیارهای دیگری که رفقا ضرور میدانند بعهده‌ی خود رفقای انتخاب کننده است.

ساله‌ی مهمی که در جریان بحث بر سر چگونگی انتخاب نمایندگان کنگره پیش آمد این بود که چه تدبیری میتوان اتخاذ کرد تا نمایندگان تمام گرایش‌ها و نظراتی که در سازمان وجود دارند بشکل حتی الامکان عادلانه‌تر در کنگره شرکت کنند، یعنی در هر حوزه و واحد و در کل سازمان، گرایش و نظری که در جریان انتخاب آرای نسبی بیشتری را بخود اختصاص میدهد، تماماً نمایندگان خود را به کنگره نفرستند، بلکه گرایش و نظری نیز که از آرای کمتری برخوردار میشود، در حد خود دارای نماینده باشد. برای این مساله تا چند ماه قبل که چگونگی انتخاب نمایندگان به اطلاع رفقا رسید، راه حل مناسب و جامعی پیدا نشده بود. این مساله در جریان هفته‌های گذشته مورد بحث مجدد کمیسیون تدارک‌کننده صورت گرفته و راه حلی نسبی برای آن بدست آمده است که در ادامه‌ی مطلب خواهد آمد.

ذیلاً مجموعه‌ی مسائل مربوط به انتخاب نمایندگان کنگره که بخشی از آن قبلاً به اطلاع رفقا رسیده است و بخش دیگر برای اولین بار ابلاغ میشود، به اطلاع رفقا میرسد تا در جریان انتخابات راهنمای کارشان قرار گیرد:

## الف) - شرکت کنندگان در کنگره عبارتند از:

- ۱- اعضای سازمان در ایران که امکان شرکت در کنگره را دارند به میزان حداکثر ... درصد.
- ۲- ... درصد اعضای سازمان در خارج از کشور به انتخاب خود آنها.
- ۳- اعضای و اعضای مشاور کمیته مرکزی سازمان با آرای مساوی با بقیه نمایندگان شرکت کننده در کنگره.
- ۴- تعداد معدودی از رفقای سازمان که بدلائلی نمیتوانند در انتخابات رفقای عضو سازمان شرکت کنند. کمیته‌ی مرکزی سازمان این رفقا را به کنگره دعوت میکند ولی رسیت و حق شرکت آنها در کنگره، منوط به تصویب خود کنگره خواهد بود.

۵- نمایندگان بخشی از فعالین تشکیلات خارج کشور که عضو سازمان نیستند، به میزان ... درصد و به انتخاب خود آنها، درباره‌ی شرکت این رفقا در کنگره و چگونگی حق رای آنها خود کنگره تصمیم می‌گیرد.

## ب) - چگونگی انتخابات:

- ۱- انتخابات در خارج از کشور، بسته به شرایط مشخص هر کشور در گردهمایی تمام اعضاء در یک جا یا چند جا برگزار میشود.
- ۲- مسئولیت برگزاری انتخابات در کشورهای مختلف با کیت‌های کشوری است ...
- ۳- جلسات انتخاباتی با شرکت حداقل دو سوم اعضاء واحد رسیت مییابد ... درصد نمایندگان که باید انتخاب شوند، بر اساس رفقای حاضر در جلسه (و نیز رفقای که غیبت‌شان موجه باشد) محاسبه می‌شود.
- ۴- انتخابات با رای مستقیم و مخفی صورت می‌گیرد.
- ۵- در هر واحد، به تعداد ... درصد نمایندگان لازم، نماینده‌ی علی‌البدل انتخاب میشود تا در صورتیکه یک یا چند نماینده‌ی اصلی نتوانستند در کنگره شرکت نمایند، جایگزین شوند.
- ۶- انتخابات ابتدا برای نمایندگان اصلی کنگره صورت می‌گیرد و پس از پایان آن نمایندگان علی‌البدل انتخاب میشوند.
- ۷- اعضاء آزمایشی سازمان میتوانند در جلسات انتخاباتی شرکت کنند ولی رای آنها مشورتی حساب میشود. در صورت برابری آراء میان نامزدها، آرای مشورتی به حساب می‌آید.
- ۸- انتخابات طی حداکثر سه مرحله و بصورت زیر صورت می‌گیرد:
  - الف) - در دور اول، هر یک از رفقا فقط مجازند به نصف بعلاوه‌ی یک تعداد لازم رای دهند. در این دوره، کسانی که بیش از ۳۰ درصد آراء را بدست آورده باشند، انتخاب میشوند.
  - ب) - دور دوم انتخابات، باز هم برای انتخاب نصف بعلاوه‌ی یک تعداد لازم برای تکمیل نمایندگان صورت می‌گیرد و نمایندگان براساس بیش از ۳۰ درصد آراء انتخاب میشوند. در صورتیکه جمع تعداد رفقای انتخاب شده در دورهای اول و دوم، به حد لازم رسیده باشد، انتخابات خاتمه مییابد. در غیر اینصورت به دور سوم کشیده میشود.
  - ج) - در دور سوم نیز هر یک از رفقا مجازند به نصف بعلاوه‌ی یک تعداد لازم برای تکمیل نمایندگان رای دهند و نمایندگان براساس همان معیار بیش از ۳۰ درصد آراء انتخاب میشوند. با دور سوم انتخابات پایان می‌یابد، حتی اگر تعداد نمایندگان تکمیل نشده باشد.
  - ۹- انتخابات برای نمایندگان علی‌البدل نیز به همین روال صورت می‌گیرد.
  - ۱۰- در صورتیکه تعداد رفقای حاضر رای اکثریت بیش از حد لازم و آرای آنها برابر باشد، انتخابات برای گزینش تعداد لازم نماینده از میان همین رفقا تجدید می‌شود.
  - ۱۱- رای رفقای که غیبت‌شان در جلسه‌ی انتخابات موجه باشد، به شکل

- شروع جلسه با یک دقیقه سکوت بخاطر ارج گذاری به مقاومت شهدای جنبش کونیستی، جنبش خلق و شهدای سازمان.  
- اجلاس کنگره را هیئت رئیسه ی سنی افتتاح می کند. وظیفه ی هیئت رئیسه ی سنی، برگزاری انتخابات برای هیئت رئیسه دائمی کنگره است.  
- انتخابات هیئت رئیسه.

- تصویب آئین نامه مربوط به شیوه اداره جلسه.

- تصویب اعتبار نامه ها.

- رای گیری پیرامون رفقای دعوت شده از جانب ک.م. به کنگره.

- بررسی عملکرد.

- قطعنامه وحدت.

- انتخابات کمیسیونهای قطعنامه ها.

- تشکیلات داخل.

- برنامه.

- اساسنامه.

- تصویب قطعنامه های مربوط به وحدت جنبش کونیستی، جبهه، گروههای

سیاسی و...

- انتخابات ک.م. و کمیسیون مرکزی کنترل و بازرسی

۵- شیوه کار کمیسیون قطعنامه:

- برای هر موضوع کنگره یک کمیسیون انتخاب میکند.

- این کمیسیون بر اساس قطعنامه های رسیده یک یا چند قطعنامه تنظیم

می نماید.

- این قطعنامه ها باید حداقل ۲ ساعت قبل از شروع جلسه بدست

نمایندگان رسانده شود.

- در هر جلسه، کمیسیون قطعنامه توضیحات لازم را به کنگره خواهد داد.

۶- شیوه کار کمیسیون اعتبار نامه:

- کمیسیون بررسی اعتبارنامه ها، در ابتدای کنگره پس از رسیت یافتن جلسه و انتخاب هیئت رئیسه برگزیده میشود و به بررسی اعتبار نامه های نمایندگان که توسط کمیته های کشوری برای نمایندگان خارج و کمیته ی داخل برای نمایندگان داخل تهیه کرده است می پردازد.

- معیار بررسی کمیسیون، کارنامه ی امنیتی نمایندگان و سلامت اخلاقی آنهاست. گزارشات رسیده به کمیسیون نیز باید روی این جنبه ها متمرکز باشد.

- کمیسیون گزارش کار خود را به کنگره ارائه میدهد و آنگاه بحث در مورد نمایندگانی که کمیسیون نظر منفی دارد و یا اکثریت کنگره ضروری تشخیص میدهد باز میشود. نمایندگانی که مشکل امنیتی دارند به جلسه دعوت نخواهند شد. تصمیم نهایی پیرامون این رفقا توسط کنگره اتخاذ میشود.

۷- ترکیب هیئت رئیسه و سایر کمیسیونها ۳ نفر پیشنهاد میشود.

۸- موضوعات جدید فی المجلس بدستور جلسه اضافه نخواهد شد.

۹- در رابطه با مسائل مربوط به شیوه اداره جلسه یک موافق و یک مخالف صحبت میکنند سپس رای گیری میشود.

۱۰- در رابطه با موضوعات در دستور پیرامون هر قطعنامه حداقل ۳ و حداکثر ۵ موافق و مخالف صحبت خواهند نمود.

۱۱- سخنرانها از قبل باید فقط در زمان تعیین شده بوسیله هیئت رئیسه ثبت نام نمایند. پس از وقت تعیین شده نوبت داده نمیشود.

۱۲- هیچ رفیقی حق ندارد زمان سخنرانی خود را به رفیق دیگری واگذار نماید.

۱۳- ترتیب سخنرانی داوطلبین به قید قرعه مشخص میشود. ابتدا میبایست موافقین قطعنامه صحبت را شروع نمایند.

۱۴- وقت سخنرانها و کمیسیون قطعنامه برای توضیح را هیئت رئیسه تعیین میکند. زمان برای تمام سخنرانها یکسان است. زمان سخنرانها متناسب با موضوع و تعداد شرکت کنندگان و وقت عمومی تعیین میشود.

۱۵- اگر تعداد داوطلبین صحبت از حد نصاب بیشتر شده سخنرانان در درجه اول باتوافق هم و نهایتاً بحکم قرعه تعیین میشوند.

۱۶- برای اینکه سخنران بتواند از وقت خود به نحو درستی استفاده نماید در یک سوم پایانی وقت سخنرانی به آنها تذکر داده میشود.

۱۷- در هر موردی که ضرورت نقض موادی از آئین نامه به تشخیص هیئت رئیسه الزامی شود، حتماً باید کنگره روی نقض آئین نامه نظر موافق داشته باشد.

مقتضی گرفته می شود و به حساب می آید.

### شیوه انتخابات کمیته مرکزی

شیوه منطقی انتخاب کمیته مرکزی را این میدانیم که از جانب کمیته مرکزی سابق لیستی به کنگره پیشنهاد گردیده و پس از اضافه شدن اسامی دیگری که توسط نمایندگان کنگره پیشنهاد میگردد، بحث و رای گیری بعمل آید.

اما بدلیل مجموعه شرایط مشخصی که در آن قرار گرفته ایم و همچنین بدین دلیل که کمیته مرکزی، خود منتخب یک نشست صلاحیتدار سازمانی نیست، روش گزینش فوق را برای نخستین کنگره سازمانی نادرست دانسته و بنابراین کمیته مرکزی، روش زیر را پیشنهاد میکند:

- بدنبال پایان گرفتن بحث پیرامون موارد در دستور، کنگره بحث خود را حول انتخاب کمیته مرکزی آغاز میکند.

- هر یک از نمایندگان میتواند خود و یا رفیق دیگری را برای کمیته مرکزی نامزد نماید.

- پس از جمع آوری لیست کاندیداها، هیئت رئیسه اجلاس پیرامون تک تک افراد مندرج در لیست، رای گیری بعمل می آورد. افرادی که رای اعتماد کمتر از یک پنجم شرکت کنندگان در کنگره را دارا باشند از لیست حذف گردیده و بحث مربوط به انتخابات کمیته مرکزی پیرامون لیست باقیمانده جریان می یابد تا از میان آن به تعداد مورد نیاز انتخاب بعمل آید.

- موافقت خود کاندیدا شرط قرار گرفتن نام او در لیست مورد نظر خواهد بود. پس از مشخص شدن لیست نهایی، درباره وضعیت تک تک کاندیداها در رابطه با سوابق، مسئولیتها و موقعیت عمومی آنان (بدون نقد و بررسی) صحبت خواهد شد. هدف از این بحث معرفی کاندیداها به نمایندگان کنگره میباشد.

در صورتیکه حداقل یک پنجم شرکت کنندگان خواهان بحث تفصیلی پیرامون هر یک از کاندیداها باشد، به دو نفر از موافقین و دو نفر از مخالفین و همچنین بخود کاندیدای مورد بحث فرصت بحث داده میشود.

- تعداد اعضای کمیته مرکزی با توجه به کمیت نیروی تشکیلات، دشواریهای موجود و تجربه کار کمیته مرکزی و شرایطی که سازمان در کلیت خود در آن قرار دارد... نفر پیشنهاد نمیشود.

- شرایط انتخاب شدن برای کمیته مرکزی در اساسنامه مشخص شده است.

- انتخاب کمیته مرکزی نیز به همان روش انتخاب نمایندگان کنگره صورت میگیرد.

### آئین نامه شیوه اداره جلسه:

برای استفاده موثر از وقت و تصمیم گیری درست، آئین نامه زیر به کنگره پیشنهاد میشود. در صورت تصویب این آئین نامه در کنگره، هیئت رئیسه موظف است در این چارچوب جلسه را هدایت و بر کار کلیه کمیسیونها نظارت نماید.

۱- موضوعات در دستور کنگره بدین قرار میباشد:

۱-۱- تصویب آئین نامه مربوط به اداره جلسه.

۲-۱- انتخابات هیئت رئیسه.

۳-۱- تصویب اعتبارنامه ها.

۴-۱- رای گیری پیرامون رفقای دعوت شده از جانب ک.م.

۵-۱- تصویب قطعنامه وحدت.

۶-۱- انتخابات کمیسیونهای قطعنامه.

۷-۱- بررسی عملکرد.

۸-۱- تشکیلات داخل.

۹-۱- برنامه.

۱۰-۱- اساسنامه.

۱۱-۱- تصویب قطعنامه های مربوط به دگرگونی، جبهه، وحدت جنبش کونیستی، گروههای سیاسی و... تشکیلات داخل.

۱۲-۱- انتخابات ک.م.

۲- در صورت تصویب قطعنامه وحدت و تبدیل کنگره سازمان به کنگره مشترک، پنج ماده اول- یعنی مواد ۱ تا ۵ بند ۱- در جلسه کنگره سازمان بررسی میشود. پس از آن کنگره مشترک آغاز به کار خواهد نمود.

۳- برنامه جلسه: به ترتیب زیر پیش خواهد رفت.



## تزهائی درباره وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران و وظائف ما

(این مطلب قبل از کنگره ارائه شده بود و در قسمت بررسی "اوضاع سیاسی ایران و وظایف" مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به اینکه قبل از کنگره امکان انتشار نیافته است، اینک به پیوست اسناد کنگره منتشر می‌شود.)

۱- ایران بحران اقتصادی عمیقی را طی می‌کند. بیکاری بخش عظیمی از نیروی فعال کشور، رکود واحدها و موسسات تولیدی همراه با تورم سرسام آور، کاهش دائمی ارزش ریال و افت فزاینده قدرت خرید توده‌های میلیونی مردم، رواج وسیع فعالیتهای غیرتولیدی، سوداگرانه و قاچاق، عدم تعادل شدید در موازنه ارزی و بازرگانی خارجی و کسری بودجه، بارزترین مشخصه‌های این بحران بشمار می‌روند.

بازسازی خرابی‌های عظیم ناشی از هشت سال جنگ ارتجاعی با عراق، پس از یکدوره کشاکش میان جناحهای رقیب در حاکمیت بر سر چگونگی تامین منابع مالی و اجرای آن، بکلی رها شده و هیچ برنامه مشخص برای آن موجود نیست. قیمت‌ها، علیرغم جنگ تبلیغی - ادواری رژیم علیه "تروریستهای اقتصادی"، مدام در حال افزایش است و توده‌های مردم بیش از پیش برای تامین معیشت زیر فشار قرار می‌گیرند. در مقابل، یک مشت تجار بزرگ بازار که به "برکت" جنگ هشت ساله و حمایت‌های رژیم، از طریق انواع فعالیتهای سوداگرانه به میلیاردرهای جدید تبدیل شده‌اند، همراه با شاری از مقامات و صاحب‌نصابان حکومتی که با دزدی و رشوه‌خواری در موسسات و بنیادهای دولتی به ثروت‌های افسانه‌ای دست‌یافته‌اند، شریانهای اقتصادی جامعه را در دست داشته و به استثمار زحمتکشان و چپاول ثروت‌های ملی مشغولند.

چنین است معنای عملی مواعید و شعارهایی که خمینی و سایر سردمداران جمهوری اسلامی در انقلاب بهمین به طرفداری از مستضعفین در برابر "مستکبرین" "کوخ‌نشینان" و در برابر "کاخ‌نشینان" به مردم می‌دادند. اکنون با گذشت بیش از دهسال از عمر حکومت اسلامی، توده‌ها در تجربه زندگی مفهوم واقعی وعده‌های رژیم را بیش از پیش دریافته و به ماهیت مزورانه آن پی می‌برند.

۲- تحت حکومت جمهوری اسلامی، اقتصاد ایران بر مراتب بیشتر از گذشته، به سیستم جهانی امپریالیسم وابسته گشته است. در نتیجه سیاستهای فلاکت‌بار رژیم، صنایع و کشاورزی ایران به نابودی گرائیده، صادرات غیرنفتی نسبت به صادرات نفتی چندین بار کاهش پیدا کرده و نیاز به واردات مواد خام، کالاهای ساخته و نیم‌ساخته صنعتی و محصولات کشاورزی از کشورهای مترویل سرمایه‌داری در قیاس با دوران شاه بارها افزایش یافته است. وضع تولید داخلی بگونه‌ای روبه وخامت رفته است که حتی خود رژیم نیز در پاره‌ای موارد به فروشهای ارزی، ریالی دست زده است.

۳- سنگ بنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی پان‌اسلامیسم، صدور "انقلاب اسلامی" و تروریسم دولتی به سایر کشورهای جهان است. پیشبرد این سیاست بطور گریزناپذیر به انزوای بین‌المللی رژیم منجر می‌شود.

با شکست رژیم در جنگ ارتجاعی هشت‌ساله، ضربه‌ی هولناکی بر این سیاست وارد شد. بعد از پذیرفته‌شدن قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی، هاشمی‌رفسنجانی با اتکا به جناح موسوم به "رسالت" توانست طی یک تلاش جدید در سیاست خارجی رژیم تجدیدنظر کرده و آنرا در جهت سازش با امپریالیسم سوق دهد. اما این تلاش رفسنجانی نیز مانند تلاشهای او در رسوایی "ایران‌گیت" بعد از مدتی با شکست مواجه شد و جناح موسوی - محتشمی موفق شد با جلب حمایت خمینی و صدور فتوای او درباره‌ی قتل سلمان‌رشدی نویسنده‌ی کتاب آیات شیطانی مجدداً سیاست جمهوری اسلامی را در راستای قلبی خود مستقر نماید.

تحریم پایه‌های رژیم بر متن نظام سرمایه‌داری وابسته ایران مستلزم سازش با امپریالیسم و جلب حمایت سیاسی و اقتصادی دول امپریالیستی است اما یک چنین جهت‌گیری ناسازگار با پان‌اسلامیسم بوده و بمعنای نفی سیاست "صدور انقلاب اسلامی" است. این تناقض هواره منشاو عامل اصلی خود بحران‌زایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است.

۴- تناقض مشابه و متناظر با تناقض فوق‌الذکر در عرصه‌ی داخلی نیز وجود دارد که یکی از سرچشمه‌های بحران حکومتی در جمهوری اسلامی بشمار می‌رود: از یکسو بگردش‌درآوردن چرخهای نظام سرمایه‌داری موجود با جلب و جذب مدیران متخصصین به سیستم ملازمت دارد، اما از سوی دیگر تلفیق دین و دولت و فراتر از آن، مذهبی‌کردن کلیه شئون حیات اجتماعی و نقض

ابتدایی‌ترین حقوق مدنی و دموکراتیک شهروندان کشور ناگزیر موجب فرار مغزها و مهاجرت وسیع متخصصین علمی و فنی به خارج کشور می‌شود. بهمین دلیل، رژیم جمهوری اسلامی بطور دوره‌ای یک گرایش لیبرال مذهبی را از دل خویش و بعنوان نقیض خود بیرون داده و سپس در ستیز با آن قرار گرفته و آنرا نفی کرده است.

۵- اصل ولایت‌فقیه بالاترین تجلی تلفیق دین و دولت در جمهوری اسلامی است. مطابق با این اصل یک مرجع تقلید "جامع‌الشرایط" بر فراز ارگانها و نهادهای دولتی قرار داشته و عالینترین قدرت سیاسی در جامعه محسوب می‌گردد، به‌زبان دیگر اصل ولایت‌فقیه بیان حقوقی استبداد فردی مذهبی در جمهوری اسلامی است.

اما اجرای این اصل با تعدد مراجع تقلید در دستگاه مذهبی شیعه در تضاد می‌باشد این تضاد وجه دیگری از بحران حکومتی ارتجاع را منعکس میکند. تمام مبارزه تا کنونی نیروهای رقیب در هیات حاکمه بر سر جانشینی خمینی برپایه این تضاد جریان یافته است و اینک با برکناری منتظری که رسماً از سوی مجلس خبرگان بعنوان جانشین ولایت‌فقیه انتخاب شده بوده، اصل ولایت‌فقیه بیش از پیش با بن‌بست مواجه بوده و حادثترین مبارزه بر سر جانشینی ولایت‌فقیه بویژه بعد از مرگ خمینی را موجب خواهد شد.

۶- رژیم جمهوری اسلامی بمثابه‌ی یک سیستم سیاسی دچار بحران ساختاری است. این بحران دائمی محصول تعدد مراکز قدرت و وجود ارگانها و نهادهای دولتی موازی باهم می‌باشد. "شورای بررسی و اصلاح قانون اساسی" بر فراز مجلس خبرگان، "شورای تشخیص مصلحت" بر فراز مجلس شورای اسلامی، سپاه و ارتش، کیتها و شهربانی، وزارت سپاه و وزارت دفاع، وزارت کشاورزی و وزارت جهادسازندگی.....

وجود این ارگانهای موازی که دارای اهداف و کارکردهای مشابهی هستند، هرج‌ومرج و نیز تضادهای معینی را در بین آنان برانگیخته‌وریشه بحران در کل ساختار سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. در گذشته تلاشهایی از سوی رفسنجانی و خامنه‌ای برای اقدام پاره‌ای از این ارگانها صورت گرفت که با مقاومت جناح مقابل سرانجام با شکست مواجه گردید.

با ظهور و گسترش جنبش توده‌های علیه رژیم، بی‌شک تضاد و تقابل این ارگانها شدت گرفته و این بن‌بسته خود در فروپاشی ارتجاع حاکم موثر بوده و آنرا تسریع خواهد کرد.

۷- حاکمیت جمهوری اسلامی ضمن دفاع از کلیت نظام سرمایه‌داری وابسته ایران عمدتاً حامل دو گرایش طبقاتی است. یکی، گرایشی که منافع تجار و ملاکین بزرگ را منعکس میکند و در راس آن، رفسنجانی و خامنه‌ای قرار داشته و به جناح "رسالت" یا "میان‌روها" موسوم است و دیگری، گرایشی که بیانگر منافع و علایق بورژوازی بوروکرات بوده و در راس آن موسوی (نخست‌وزیر)، محتشمی، کروبی، احمد خمینی قرار دارند و به جناح "تندرورها" معروف است. تضادهای ایندو جناح بطورکلی بر سر تفسیر اسلام، نقش دولت در اقتصاد و نیز سیاست خارجی است. جناح رفسنجانی - خامنه‌ای که دست بالا را در حکومت دارد، طرفدار بازگذاشتن کامل دست تجار بزرگ در فعالیتهای اقتصادی داخلی و نیز تجارت خارجی، آزادی قیمت‌ها، سازش با دولت‌های غربی و جلب حمایت سیاسی و اقتصادی دول امپریالیستی است. در حالیکه جناح موسوی - محتشمی، از محدودکردن تجار بزرگ و گسترش نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی داخلی و خارجی، "کنترل قیمت‌ها" توسط دولت، صدور "انقلاب اسلامی" به سایر کشورهای جهان جانبداری میکند.

۸- فتوای خمینی درباره قتل "سلمان‌رشدی" همانطور که سیاست داخلی و خارجی رژیم را دستخوش تغییراتی کرده، در مناسبات میان جناحهای متخاصم رژیم نیز موثر بود. این فتوا در راستای سیاستهای جناح موسوی - محتشمی بود و جناح رفسنجانی را در وضعیت متناقض و دشواری قرار داد و رفسنجانی سرانجام مجبور شد بدست خود آنچه را که در سیاست داخلی و خارجی رشته



۱۲ - در شرایط حاضر، علیرغم بحران اقتصادی، تناقضات لاینحل رژیم و نارضایتی وسیع مردم نسبت بوضع موجود، جنبش توده‌های بطور عینی دوره‌ی رکود را طی میکند. جنبش طبقه کارگر و حرکت‌های توده‌های در کلیت خود، بسیار محدود، از لحاظ شکل پراکنده و خودبخودی و از لحاظ مضمون عمدتاً صنفی هستند. (گواینکه جنبش ملی کردستان بدلیل ویژگی خاص‌اش، اساساً شکل مسلحانه بخود گرفته و این شکل از مبارزه پایه فعالیت پیشرو انقلابی نیز محسوب میگردد.)

سلطه روحیه ناامیدی و یاس ناشی از شکست انقلاب بهمین، دیکتاتوری لگام‌گسیخته حاکم، پراکندگی نیروها و سازمان‌های پیشرو و عدم وجود یک آلترناتیو - انقلابی مورد اعتماد مردم در صحنه سیاسی که بتواند چشم‌انداز روشن و امیدبخشی را برای توده‌ها ترسیم نماید، از عوامل اصلی فقدان برآمد توده‌های آشکار محسوب میشوند.

۱۳ - جنبش کمونیستی ایران با شرکت فعال در مبارزه طبقه کارگر و سایر توده‌های غیر پرولتریست که میتواند گسترش یافته و به یک جریان توده‌های نیرومند تبدیل گردد، تبلیغ و ترویج پیرامون ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق به‌تنهایی کافی نیست. این درست است که ما باید به توده‌ها نشان دهیم که داشتن یک زندگی انسانی با وجود ارتجاع حاکم قابل تصور نیست و کسب آزادی کامل سیاسی و ایجاد تغییرات بنیادی در شرایط زندگی آنان تنها با انقلاب و سرنگونی تام و تمام ارتجاع میسر است. اما پیش‌کشیدن این ایده بدان معنا نیست که توده‌ها باید برای خواست‌های روزمره‌شان تا سرنگونی رژیم منتظر بمانند و از مبارزه برای مطالبات جزئی و فوری چشم‌پوشی کنند. برعکس، پیشاهنگ مارکسیست - لنینیست باید با فرموله کردن نیازهای اساسی توده‌های وسیع بمثابه اهداف مشخص مبارزه، آنان را به تلاش برای تحقق این اهداف تشویق کند. ما تنها از این طریق است که قادر خواهیم بود ارتباط توده‌های خود را گسترش داده و در راس جنبش توده‌های قرار گیریم.

مارکسیسم انقلابی برخلاف رفرمیسم مطالبات جاری را جایگزین اهداف انقلابی نمیکند، اما مبارزه برای رفم در نقطه‌ی مقابل مبارزه برای انقلاب قرار ندارد. پیشبرد مبارزه‌ی توده‌های در راه مطالبات جزئی اقتصادی و سیاسی یگانه وسیله و تنها اهرمی است که میتواند راه را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باز کند. در شرایط کنونی مبارزه برای هر خواست و نیاز توده مردم نقطه‌ی عزیمتی است برای مبارزه انقلابی و خود انقلاب.

۱۴ - دیکتاتوری افسارگسیخته، بیگاری و عدم تأمین اجتماعی، و استمرار بسیج نظامی کشور امروزه بیش از هر چیز عرصه را بر زندگی مردم تنگ کرده است. مطالبات توده‌ها بسیار متنوعند، اما واقعیات اجتماعی نشان میدهد که شعار کار، مسکن، آزادی شعاریست که عمده‌ترین خواسته‌های توده‌های را منعکس کرده و بیش از هر شعاری دارای قدرت بسیج توده‌ایست.

از لحاظ سیاسی، آزادی (آزادی زندانیان سیاسی و لغو شکنجه و اعدام، آزادی سندیکاها و سایر تشکلهای اجتماعی، آزادی مطبوعات، تجمعات و اعتصاب، آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، برچیدن پایگاه‌های نظامی در کردستان و لغو محاصره اقتصادی خلق کرده، انحلال انجمن‌های اسلامی و سایر مراکز جاسوسی رژیم در واحدهای اقتصادی، اداری و محلات، لغو حجاب اجباری و سایر محرومیت‌های اجتماعی زنان، لغو بسیج نظامی، بازگشت آوارگان جنگی و اسگان آنها) و از لحاظ اجتماعی، تأمین کار، حداقل دستزد براساس شاخص قیمت‌ها، بیمه‌های اجتماعی، مهم‌ترین خواسته‌های توده‌ها در لحظه کنونی بشمار میروند، و لذا طرح و تبلیغ آنها در میان توده‌ها از پتانسیل سازمان‌گرانه بالایی برخوردار است.

ما موظف هستیم که مطالبات فوق را در صدر شعارهای تبلیغی روز خود قرار داده و از طریق هسته‌های مخفی به وسیع‌ترین شکل ممکن آنها را در درون توده‌ها تبلیغ کنیم. پیرامون مطالبات فوق باید حداکثر قوا را بسیج کرد و ما مجازیم با کلیه نیروهای اپوزیسیون در عرصه مبارزه وارد اتحاد عمل و همکاری شویم.

بود پنبه کند، او با عقب‌نشینی تاکتیکی از مواضع قلبی و حتی حمله به دولت‌های غربی توانست پشتیبانی خمینی و بنابراین موقعیت خود را حفظ کند.

بعلاوه برکناری منتظری از مقام ولایت‌فقیه و همچنین تغییراتی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در ارتباط با مساله رهبری، قوه اجرایی و قوه قضایی در دستور قرار گرفته است، تماماً در جهت خواسته‌های رفسنجانی بوده و پاره‌ای از موانع مهم را که در راه تحکیم قدرت او وجود داشته رفع ننماید. رفسنجانی تلاش میکند مادامیکه خمینی در قید حیات است موقعیت خود را در رژیم، ولو به قیمت از دست دادن موقت پشتیبانی دولت‌های امپریالیستی و کشورهای عربی منطقه، حفظ و تحکیم نماید. برگزیده شدن او بعنوان رئیس‌جمهور در انتخابات دوره‌ی جدید ریاست‌جمهوری، با توجه به تغییرات قانون اساسی و احتمال حذف مقام نخست‌وزیری، مواضع جناح رفسنجانی - هامنه‌ای را در حکومت جمهوری اسلامی تقویت کرده و راه را برای سلطه این جناح بر قوه مجریه هموار خواهد کرد. هرچند در عوض، او مجبور به کنارگیری از ریاست مجلس شورای اسلامی و محتلا واگذاری آن به کروی می‌شود، امری که طبیعتاً به قدرت جناح موسوی-محتشی در قوه مقننه بازهم بیشتر خواهد افزود.

۹ - بن بست حاصله در روند مذاکرات صلح بین ایران و عراق، چشم‌انداز اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، حل اختلافات مرزی طرفین بربنای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و برقراری صلح پایدار در منطقه را بطور خطرناکی تیره‌تر ساخته و بحق اضطراب و نگرانی خلق‌های ایران و عراق و نیروهای صلح دوست جهانی را برانگیخته است. وضع کنونی، استقرار آتش بس بین نیروهای متخاصم را مورد تهدید قرار میدهد و به ادامه بسیج نظامی و تشدید روزافزون سابقه‌ی تسلیحاتی بین طرفین منجر می‌شود. اما با این وجود، احتمال از سرگیری جنگ در آینده نزدیک بدلیل ناتوانی حکومت جمهوری اسلامی و رژیم عراق ضعیف بوده و نتیجتاً وضعیت نه جنگ نه صلح ادامه خواهد یافت. این امر بحران اقتصادی موجود را وخیمتر کرده و ابعاد نارضایتی توده‌ها را گسترش میدهد.

۱۰ - بحران اقتصادی و بحران حکومتی که ما شاهد هستیم نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد. رژیم به تجربه نشان داده است که علیرغم سرکوب‌های خونین، کشتار زندانیان سیاسی و جنایتهای بیشمار دیگر قادر به حل آنها نیست. تداوم و تشدید این بحرانها بطور اجتناب‌ناپذیر جنبش توده‌های را گسترش خواهد داد و سرانجام بیک بحران انقلابی دوجانبه منتهی خواهد گردد.

۱۱ - هدف مقدم استراتژیک ما در انقلاب آتی، سرنگونی ارتجاع و استقرار دموکراسی خلق است. در راستای این هدف ما موظفیم در راه تشکیل جبهه‌های دموکراتیک - ضدامپریالیستی و مادیته‌بخشیدن به آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی در برابر رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنیم. تجربه ثابت کرده است که در شرایط فعلی دستیابی باین هدف کار یک امروز و فردا نیست، ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی، اختلافات موجود میان نیروهای اپوزیسیون ترقی خواه و دموکراتیک مانعی هستند که باید در روند تشکیل برآنها فائق آمد. اتحاد عمل و همکاری مبارزاتی این نیروها کجکهای جدی و موثری در راه تشکیل جبهه بشمار می‌آید.

جبهه انقلابی باید ایده‌ی ضرورت انقلاب برای سرنگونی رژیم ارتجاعی، ایجاد دولت انقلاب موقت و فراخوان مجلس موسسان را وسیعاً میان توده‌ها برده و نیز برنامه دولت انقلابی موقت را تبلیغ و ترویج نماید. انحلال کلیه ارگانهای سرکوبگر و بوروکراتیک رژیم، خلق ید از سرمایه‌داران و زمین داران بزرگ، تأمین آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها، برسیت شناختن حق خلق‌های ایران در تعیین سرنوشت خویش، سیاست خارجی مبتنی بر اصل عدم تعهد، قانون کار در جهت بهبود زندگی کارگران و زمین به دهقانان خطوط اصلی برنامه دولت انقلابی موقت را تشکیل میدهند.

باید تلاش‌های مستولانه و پیگیرانه‌ی صورت گیرد تا همکاری کلیه نیروهای اپوزیسیون که اهداف اصلی و چارچوب برنامه‌های جبهه‌ای را می‌پذیرند، بدون استثنا در آن تأمین گردیده و بر پراکندگی موجود بین نیروهای پیشرو و ترقی خواه که میتوانند با حفظ استقلال سیاسی - ایدئولوژیک و تاکتیکیهای مبارزاتی خاص خویش در یک جبهه متحد گردند، پایان داده شود.

احمد - اکبر الف - سهراب (سازمان فدائیان خلق)

پرویز - حیدر - رسول (سازمان آزادی کار)



## گزارشی از مباحث اساسنامه

مباحث پیرامون طرح اساسنامه پیشنهادی، یکی از پربرترین بحث‌های کنگره وحدت بود و ثمربخشی توسل به وسیع‌ترین نیروی ممکن برای حل مسائل سازمان را با روشنی تمام نشان داد: نمایندگان کنگره نظر خود درباره‌ی جوانب مختلف زندگی درون سازمانی را در قالب حدود ۱۰۰ پیشنهاد اصلاحی یا جدید ارائه دادند.

کمیسیون اساسنامه که از طرف کنگره انتخاب شده بود، مجموعه پیشنهادات رسیده را طبقه‌بندی نمود و طی گزارشی به کنگره ارائه کرد. با توجه به گستردگی پیشنهادات و عدم امکان بررسی تمام آنها، اصلاحاتی که از نظر کمیسیون اساسنامه مهم‌تر بودند مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفت تا اساسنامه اصلاح شده در دوره پس از کنگره، راهنمای حرکت و فعالیت سازمان باشد. بررسی و تصمیم‌گیری درباره سایر پیشنهادات و اصلاحات، در دستور مرحله دوم کنگره قرار گرفت.

در گزارشی که ارائه می‌شود، این دوبرخس پیشنهادات و اصلاحات در دو جدول جداگانه تنظیم شده است تا استفاده از آنها آسان‌تر شود. در جدول اول (موادی از اساسنامه پیشنهادی که در کنگره مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفته است)، نتایج رای‌گیری نیز آورده شده است. بدیهی است که در مواردی که آرای حاصله کمتر از ۵۰ درصد است، پیشنهاد یا اصلاحیه تصویب نشده و لذا ماده یا بند مورد بحث بلا تغییر باقی می‌ماند.

### بخش اول: موادی از طرح اساسنامه پیشنهادی که در کنگره مورد بررسی و تصمیم قرار گرفته است.

شماره	طرح اساسنامه پیشنهادی	اصلاحات و پیشنهادات	نتایج رای‌گیری
۱	فصل اول - عضویت در سازمان ماده ۱ بند الف - تابعیت ایران	تابعیت ایران حذف شود	۳۸/۷۰٪ تصویب نشد
۲	ماده ۱ بند ب - پذیرش برنامه و اساسنامه سازمان	بجای بند ب نوشته شود: - پذیرش اساسنامه و چارچوب برنامه - پذیرش اهداف سازمان - پذیرش اهداف و آرمانهای سازمان و التزام به اساسنامه آن - پذیرش اهداف سازمان با بند اضافی: فعالیت در سازمان با التزام به اساسنامه آن - اجرای برنامه و اساسنامه (از مجموعه پیشنهادات فوق این بند به رای گذاشته شد.)	۴۰/۶۲٪ تصویب نشد
۳	ماده ۲ - دوره آزمایشی ماده ۲ - بند الف - متقاضیان عضویت در سازمان باید دوره‌ای به مدت یکسال را به عنوان عضو آزمایشی طی کنند. به عنوان عضو آزمایشی طی کنند تا با برنامه و اساسنامه سازمان آشنا شده و صلاحیتشان برای عضویت در سازمان اثبات گردد تصبره ۱ - دوره آزمایشی برای کارگران ۹ ماه است. تصبره ۲ - دوره آزمایشی برای خارج از کشور ۲ سال است.	ماده ۲ و تبصره‌هایش حذف شود و به جای آن آورده شود: متقاضیان عضویت در سازمان باید دوره‌ای بمدت یکسال را بعنوان عضو بدنبال بند ب ماده ۳ تبصره‌ای بدین صورت اضافه شود: تبصره: در شرایط مبارزه مخفی در داخل کشور، معرفی یک عضو واحد پایه که حداقل عمده با ستقاضی رابطه هواداری فعالیت کرده است کافی است.	تصویب نشد ۳۳/۸۷٪ تصویب نشد.

## اتحاد کار (۱)

شماره	طرح اساسنامه پیشنهادی	اصلاحات و پیشنهادات	نتایج رای گیری
۴	ماده ۳ - پذیرش اعضای آزمایشی ماده ۳ بند ب: متقاضیان باید از سوی دو عضو سازمان معرفی گردند. ماده ۳ بند و: موافقت حوزه پس از تأیید ارگان بالاتر رسیت یافته و متقاضی بعنوان عضو آزمایشی پذیرفته میشود.	در ماده ۳ بند و - (پس از تأیید ارگان بالاتر) ، (ارگانهای رهبری کننده کمیته‌های سازمان) بیاید. در ماده ۳ بند و: بجای (تأیید ارگان بالاتر) ، (نظر مسورسی ارگان بالاتر) بیاید.	۴۳/۵۴٪ تصویب نشد
۵	ماده ۴ - تبدیل عضو آزمایشی به عضو رسمی ماده ۴ بند ج - ارگان بالاتر حوزه باید حداکثر تا شش هفته پس از دریافت نظر حوزه، پاسخ خود را کتبا به حوزه ابلاغ نماید.	در ادامه بند ج ماده ۴، بند د بدین صورت اضافه شود: اگر پس از دو ماه جواب داده نشد نظر حوزه تشبیت و اجرا خواهد شد.	با اکثریت قاطع (قریب به اتفاق) تصویب شد.
۶	فصل دوم - وظایف و حقوق اعضاء ماده ۵ بند ب - ... به اساسنامه سازمان احترام گذاشته و انضباط تشکیلاتی را بطور اکید رعایت نماید.	به جای ( به اساسنامه سازمان احترام گذاشته و...)، گذاشته شود(اساسنامه سازمان را اجرا نموده و...)	با اکثریت قاطع (قریب به اتفاق) تصویب شد
۷	ماده ۵ بند د - برای تحکیم وحدت و یکپارچگی صفوف سازمان مجدانه تلاش نماید و علیه هرگونه فراقسیونیسیم قاطعانه مبارزه کند.	ماده ۵ بند د بدینصورت اصلاح شود: - برای تحکیم وحدت و یکپارچگی صفوف سازمان مجدانه تلاش نماید و علیه انشعاب و انحلال طلبی در سازمان مجدانه تلاش نماید. - برای تحکیم وحدت و یکپارچگی صفوف سازمان مجدانه تلاش نماید و در استحکام سازمان بکوشد.	۴۹/۱۸٪ تصویب نشد
۸	ماده ۵ بند ه - در ارتقای سطح آگاهی سیاسی و دانش ایدئولوژیک خود و دیگر اعضای سازمان بطور مستمر تلاش نماید و سلاح انتقاد و انتقاد از خود را برای رفع کمبودها و تصحیح اشتباهات شجاعانه بکار گیرد.	- بندهای (ه) و (و) ماده ۵ حذف شوند.	تصویب نشد
۹	ماده ۵ بند و - نمونه قاطعیت و آشتی ناپذیری در برابر دشمنان طبقه کارگر و فدائگاری و از خودگذشتگی انقلابی باشد.		
۲۰	فصل چهارم - مرکزیت دموکراتیک ماده ۱۴ - مرکزیت دموکراتیک اصل راهنمای ساختار و روابط تشکیلاتی سازمان است و بمعنای رهبری متمرکز برپایه دموکراسی و دموکراسی تحت رهبری متمرکز میباشد.	در ادامه ماده ۱۴ اضافه شود: دموکراسی تنها در سایه علنیت وجود خواهد داشت.	این اصلاحیه با اکثریت قاطع (قریب به اتفاق) تصویب شد
۱۱	ماده ۱۵ بند ب - تبصره: گزارش دهی باید در پایان برنامه عمل ارگانها صورت گیرد. کمیته مرکزی موظف است هر سه ماه یکبار تشکیلات را از مهمترین تصمیمات سیاسی و سازمانی خود و مشکلات فراروی سازمان مطلع نماید.	در ارتباط با ماده ۱۵ بند ب - تبصره: اصلاحیه‌های زیر وارد شود - گزارش دهی از سه ماه به شش ماه تبدیل شود. - بدنبال تبصره بیاید: کمیته مرکزی در پی هر پلنوم گزارشی مبتنی بر نقد پیرائیک خود را بهمراه اسامی ارگانهای مورد انتقاد تهیه و بطور علنی در سطح جنبش انتشار میدهد. تبصره جدید اضافه شود: مباحثات و نظرات پلنومهای کمیته مرکزی در اختیار کلیه اعضای سازمان قرار گیرد.	تصویب نشد ۴۰/۹۸٪ تصویب نشد



ردیف	طرح اساسنامه پیشنهادی	اصلاحات و پیشنهادات	نتایج رای گیری
۱۲	فصل پنجم - چگونگی سازمان دادن به مباحث ماده ۱۷ - برای جریان نظر و مباحث میان رفقای سازمان در زمینه‌های تئوریک و سیاسی و نیز مسائل تشکیلاتی که خصلت امنیتی ندارند، نشریه‌ای علنی منتشر میشود. حجم، فواصل انتشار و ضوابط ناظر بر نشریه را کمیته مرکزی مشخص میکند.	ماده ۱۷ - مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون هیچ قید و شرط، یک اصل (پرنسپ) در سازمان تلقی میشود.	۸۶/۲۴٪ تصویب شد
۱۳	ماده ۱۹ - علاوه بر موارد فوق، کمیته مرکزی سازمان موظف است به منظور تحقق دموکراسی درون سازمانی و تحکیم وحدت اراده و عمل تشکیلات بر اساس طرح نظرات بصورت علنی، مباحث تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی را در موارد زیر سازماندهی کند: الف: در صورتیکه کمیته مرکزی نظرخواهی از اعضاء حول مسائل تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی را ضروری تشخیص دهد ب: در مواردیکه یک سوم اعضاء بحث حول مساله معینی را درخواست کنند.	- بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۹ حذف شود.	۸۵/۲۴٪ تصویب شد
۱۴	فصل هفتم - ارگانهای رهبری سازمان ماده ۲۹ - عالی‌ترین ارگان سازمان کنگره است که هر چهار سال یکبار برگزار میشود.	ماده ۲۹ - فواصل کنگره‌های سازمان از چهار سال به دو سال تقلیل یابد. ماده ۲۹ - فواصل کنگره‌های سازمان از چهار سال به یکسال تقلیل یابد.	۶۸/۸۵٪ تصویب شد
۱۵	ماده ۳۲ - کنگره با حضور دوسوم کل نمایندگان رسمیت مییابد.	به ماده ۳۲ این تبصره اضافه شود: "کسانی میتوانند در کنگره شرکت کنند که حداقل ۶ ماه عضو سازمان باشند"	۸۸/۵۲٪ تصویب شد
۱۶	ماده ۳۸ - شرط عضویت در کمیته مرکزی داشتن حداقل ۵ سال سابقه عضویت در سازمان است.	به ماده ۳۸ تبصره‌ای بدینصورت اضافه شود: تبصره - عضویت در کمیته مرکزی محدود به دو دوره متوالی است. تبصره - عضویت در کمیته مرکزی محدود به سه دوره متوالی است.	۳۲/۲۸٪ تصویب نشد ۵۵/۷۳٪ تصویب شد
۱۷	ماده ۳۹ - پلنوم نوبتی کمیته مرکزی هر سال یکبار تشکیل میگردد.	ماده ۳۹ - پلنوم نوبتی کمیته مرکزی هر ۶ ماه یکبار تشکیل میشود...	(قریب به اتفاق) تصویب شد با اکثریت قاطع
۱۸	ماده ۴۲ - کمیته مرکزی در فاصله پلنومها، ... از میان اعضاء خود هیئت سیاسی و هیئت دبیران را انتخاب میکند...	ماده ۴۲ - بدینصورت اصلاح شود: "کمیته مرکزی در فاصله پلنومها... از میان اعضاء خود هیات اجرایی سازمان را انتخاب میکند..." (هیئت سیاسی و هیات دبیران حذف شود)	اصلاحه با اکثریت قاطع (قریب به اتفاق) تصویب شد
۱۹	ماده ۴۴ - کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی توسط کنگره انتخاب میشود و در برابر آن مسئول است و به کنگره گزارش میدهد.	به ماده ۴۴ تبصره‌ای بدینصورت اضافه شود: تبصره: اعضاء کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی نباید عضو کمیته مرکزی باشند.	نصرت پیشنهادی با اکثریت قاطع (قریب به اتفاق) تصویب شد

## بخش دوم: موادی از طرح اساسنامه پیشنهادی که در کنگره مورد بررسی و تصمصیم قرار گرفته است.

شماره	طرح اساسنامه پیشنهادی	اصلاحات و پیشنهادات
۱	فصل اول، ماده ۱ - شرایط عضویت در سازمان...	بدنبال بندهای الف - ب - ج - د - ه این ماده، بند (و) بدینصورت اضافه شود: و - پذیرش فعالیت در هر کجا که از سوی ارگانهای رهبری تعیین گردد.
۲	فصل دوم، ماده ۵ - وظایف اعضاء: عضو سازمان موظف است: بند ج - در اجرای وظایفی که برعهده دارد پیگیر باشد.	بند ج ماده ۵ حذف شود و به جایش بیاید: - شرکت منظم و فعال در جلسات حوزه و در تصمصیم گیری جمعی و کوشش در اجرای هر چه بهتر وظایفی که بر عهده میگیرد.
۳	فصل دوم، ماده ۵ - وظایف اعضاء: عضو سازمان موظف است: الف ... ب ... ج ... د ... ه ... و ...	۱ - بدنبال بندهای الف - ب - ج - د - ه - و ماده ۵، بند (ز) اضافه شود. ز - تلاش در راه ایجاد و تقویت تشکلهای توده‌ای، این وظیفه در عین حال مهمترین ملاک ارزیابی از فعالیت هر عضو بشمار میرود. ۲ - به ماده ۵ این بند اضافه شود: - زندگی و فعالیتی متناسب با اهداف و آرمانهای سازمان داشته باشد. در پذیرفتن وظایف عمومی پیش قدم باشد. وظایفی را که عهده دار میشود به بهترین نحوی که میتواند به انجام رساند و بازده و کیفیت کار خود را پیوسته ارتقاء دهد.
۴	فصل دوم، ماده ۶ - حقوق اعضاء: عضو سازمان حق دارد: الف ... ب ... ج ... د ... ه ...	به بندهای الف - ب - ج - د - ه - ماده ۶، بند (و) بدینصورت اضافه شود: - هر عضو حق اشاعه آزادانه نظرات سیاسی و تئوریک خود و نیز همفکری با همفکران خویش در هر نقطه‌ای که باشند را دارا می باشد.
۵	فصل سوم، انضباط سازمانی: ماده ۱۱ - اخراج شدیدترین مجازات سازمانی است و برای آن موافقت حداقل دو سوم اعضای حوزه یا کمیته مربوطه لازم است. حکم اخراج پس از تصویب ارگان بالاتر قابل اجراء است. ارگانهای بالاتر میتوانند مجازاتهای پیشنهادی را لغو، تخفیف و یا تشدید نمایند. ارگانهای بالاتر حق دارند خود را اقدام به تنبیه اعضای تحت مسئولیتشان کنند. نام و مسئولیت سازمانی و دلایل اخراج هر فرد باید به اطلاع تشکیلات مربوطه برسد. تبصره - کمیته‌های سازمان در داخل کشور میتوانند...	در مورد ماده ۱۱ اصلاحات و پیشنهادات زیر مطرح شده‌اند: ۱ - ماده ۱۱ اصلاح شود دایر بر اینکه، حوزه حق مجازات، تنبیه و تشویق را دارد. اما شخص تنبیه شده میتواند به ارگانهای بالاتر و در صورت عدم رسیدگی به ارگان کنترل و بازرسی مراجعه نماید. ۲ - بجای تصویب ارگان بالاتر، رای مشورتی آن بیاید. ۳ - لغو، تخفیف و یا تشدید توسط ارگان بالاتر کلا حذف شود. ۴ - عضو خاطی توسط رای حوزه، تنها از حوزه اخراج میشود. اخراج از سازمان منوط به رای ارگان بالاتر میشود. ۵ - ارگانهای بالاتر میتوانند خواستار تنبیه اعضای تحت مسئولیت خود باشند. در این صورت باید دلایل خود را برای حوزه مربوطه ارسال کرده و خواستار تنبیه فرد مورد نظر شوند. حوزه پس از بررسی، رای نهائی را صادر خواهد کرد. ۶ - تصمصیم قطعی اخراج به عهده کمیسیون کنترل و بازرسی است.
۶	فصل سوم، انضباط سازمانی: ماده ۱۲ - کمیته مرکزی حق دارد در صورتیکه کمیته پائین تر انضباط سازمانی را نقض نماید تصمصیمات تنبیهی اتخاذ یا آنرا منحل نماید.	به ماده ۱۲ این تبصره اضافه شود: تبصره - هرگاه در فاصله میان دو کنگره، عضوی از کمیته مرکزی طبق ضوابط اساسنامه‌ای، صلاحیت لازم برای عضویت در کمیته مرکزی را از دست بدهند یا موافقت حداقل دو سوم اعضای کمیته مرکزی میتوان عضویت وی را بحالت تعلیق درآورد. تصمصیم گیری نهائی در مورد وی به عهده کنگره بعدی خواهد بود.
۷	فصل چهارم، مرکزیت دموکراتیک: تبصره بند الف ماده ۱۵: تشکیل کمیته‌های جدید و یا بازسازی و ترمیم کمیته‌ها در شرایط مخفی به عهده ارگانهای بالاتر است. اعضای هر ارگان در این صورت پس از ۶ ماه کار مشترک مشول خود را انتخاب مینمایند	در اصلاح تبصره بند الف ماده ۱۵ دو مورد زیر پیشنهاد شده است: ۱ - تشکیل کمیته‌های جدید در شرایط مخفی: علاوه بر اینکه از طریق ارگانهای بالاتر صورت میگیرد کمیته‌ها خود میتوانند در مشورت با ارگان بالاتر راسا به این کار اقدام نمایند. ۲ - تشکیل کمیته‌های جدید... در شرایط کار مخفی و انحلال کمیته‌های موجود بعهد ارگان بالاتر است. ۳ - ترمیم کمیته‌های داخل و همچنین عضوگیری بعهد خودشان میباشد.



شماره	طرح اساسنامه پیشنهادی	اصلاحات و پیشنهادات
۸	فصل چهارم، مرکزیت دموکراتیک: ماده ۱۵، بند ج - تبعیت اقلیت از اکثریت	در ارتباط با بند ج ماده ۱۵ اصلاحیه‌ها و پیشنهادات زیر ارائه شده است: ۱ - تبصره: کمیسیون کنترل و بازرسی می‌بایست تضمین‌های حقوقی کنترل بند فوق را برای کلیه اعضا سازمان تضمین نماید. ۲ - تبصره: میبایست اقلیت نظری در ارگانهای رهبری از جمله کمیته مرکزی، کمیسیون کنترل و بازرسی و هیات تحریریه سازمان حضور داشته باشند. ۳ - تبصره: تبعیت اقلیت از اکثریت فقط در شرایطی امکان پذیر است که هیچگونه ممانعت و اشکال‌تراشی بر سر راه تبلیغ و ترویج نظرات سیاسی ایدئولوژیک موجود در سازمان ایجاد نگردد. ۴ - تبصره: تبعیت اقلیت از اکثریت در رابطه با پیشبرد برنامه عمل میباشد.
۹	فصل پنجم، چگونگی سازمان‌دادن مباحث: ماده ۱۷ - برای جریان نظر و مباحث میان رفقای سازمان در زمینه‌های تئوریک و سیاسی و نیز مسائل تشکیلاتی که خصلت امنیتی ندارند، نشریه‌ای علنی منتشر میشود. حجم، فواصل انتشار و ضوابط ناظر بر نشریه را کمیته مرکزی مشخص میکند.	ماده ۱۷ - همانطور که در بخش اول گزارش نوشته شد مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار گرفت و ماده ۱۷ بدینصورت اصلاح شد: مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون قید و شرط یک اصل (پرنسیپ) در سازمان تلقی میشود. اصلاحات دیگر این بند بدین‌قرار طرح شده‌اند که میبایست مورد بحث قرار گیرد. ۱ - این نشریه هر دو ماه یکبار انتشار مییابد. جمله (حجم، فواصل، انتشار و...) را کمیته مرکزی مشخص میکند) حذف شود. ۲ - در جمله فوق به جای (کمیته مرکزی)، (ارگانی بالاتر از کمیته مرکزی) گذاشته شود.
۱۰	فصل پنجم - چگونگی سازمان‌دادن مباحث ماده ۱۸ - در ارگان مرکزی سازمان، صفحات معینی به "اظهار نظر" اختصاص داده میشود. حجم و ضوابط ناظر بر این بخش را کمیته مرکزی مشخص میکند.	اصلاحیه و پیشنهادات مربوطه به ماده ۱۸ ۱ - تبصره: ضوابط ناظر بهیچ عنوان نباید مانعی برای بیان آزاد نظرات باشد. ۲ - کمیته مرکزی میتواند از انتشار مقالاتی که حامل اطلاعات امنیتی باشد جلوگیری نموده و دلایل خود را بصورت کتبی به تشکیلات ارائه نماید. ۳ - مقالات ارگان با امضای نویسنده یا هیئت تحریریه منتشر گردد. پیشهادات ۲ و ۳ در مورد عموم مطالب منتشره مطرح شده است.
۱۱	فصل ششم - ساختمان تشکیلاتی سازمان ماده ۲۱ - تلفیق صحیح کار علنی و مخفی اصل خدشه‌ناپذیر فعالیت تشکیلاتی سازمان است. در شرایط سرکوب و خفقان شدید، اصل عدم تمرکز راهنمای فعالیت سازمان است.	۱ - ماده ۲۱ - کلاً عوض شود و بجای آن نوشته شود: "هسته اصلی تشکیلات سازمان تا تحقق استراتژی برنامه‌ای سازمان، مخفی میباشد، تلفیق صحیح کار علنی و مخفی اصل خدشه‌ناپذیر فعالیت تشکیلاتی سازمان است. فعالیت‌های علنی همواره تحت نظارت بخش مخفی قرار دارند." در همین ماده ۲۱ به عبارت "در شرایط ... راهنمای فعالیت سازمان است" عبارت "حد تمرکز بنا به تحلیل مشخص از شرایط شدت و حدت سرکوب و کم و کیف سازمان در هر وضعیت تعیین میگردد" اضافه شود. ۲ - این تبصره به ماده ۲۱ اضافه شود: تبصره: حد تمرکز در شرایط مبارزاتی کنونی، تشکیل حوزه‌های مستقل و بدون رابطه افقی با یکدیگر که مستقیماً تحت رهبری و نظارت کمیته مرکزی قرار دارد میباشد.
۱۲	ماده ۲۴ - از پیوستن حوزه‌ها بیکدیگر در سطح بخش یا شهر، سازمان بخش یا شهر بوجود میاید. ماده ۲۵ - سازمانهای شهر در مناطق مختلف کشور، سازمانهای ایالتی و ولایتی را که مستقیماً توسط کمیته مرکزی هدایت میشوند، ایجاد میکنند. ماده ۲۶ - سازمانهای محلی (سازمان بخش، شهر، ولایت و ایالت) فعالیت تمامی ارگانهای تحت قلمرو خود را رهبری می‌کنند. ۲۷ - عالی‌ترین ارگان سازمان محلی کنفرانس آن میباشد. در فاصله دو اجلاس کنفرانس، کمیته‌های محلی عالی‌ترین ارگان تصمیم‌گیرنده میباشد که سازمانهای محلی را در چارچوب برنامه مصوب کنفرانس هدایت مینماید.	در ارتباط با مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ - پیشنهادات و اصلاحات زیر مطرح شده‌اند. ۱ - ماده ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ حذف شوند. ۲ - به جای سازمانهای ایالتی و ولایتی، سازمانهای استان و شهرستان گذاشته شود. ۳ - در ارتباط با ماده ۲۶، در داخل پرانتز بجای (سازمان بخش، شهر، و ولایت و ایالت)، (کمیته‌های سازمان) آورده شود ۴ - در ارتباط با ماده ۲۶، بجای (سازمان بخش و شهر...) آورده شود: (کمیته شهر و ایالتی...)

شماره	طرح اساسنامه پیشنهادی	اصلاحات و پیشنهادات
۱۳	ماده ۲۸ - سازمانهای محلی در چارچوب برنامه و سیاستهای سازمان در امور صرفاً مربوط به قلمرو فعالیت خویش راساً تصمیم میگیرند و تصمیمات خود را بر اساس اکثریت مطلق آراء اخذ میکنند.	بجای ماده ۲۸ نوشته شود: "تمامی ارگانهای سازمانی در حوزه محل فعالیت خود در چارچوب مصوبات (در حوزه سیاستها و اهداف تعیین شده از طرف ارگانهای بالاتر خود) حق تصمیمگیری و اجرای آنها را دارند.
۱۴		در ادامه فصل ششم - ساختمان تشکیلاتی سازمان، بند جدید زیر پیشنهاد شده است: - رهبری تشکیلات داخل در داخل کشور بوده و با بخشی از رهبری سازمانی که در خارج میباشد هم‌ارز خواهد بود، تعیین سیاست عمل و پیشبرد آن در داخل کشور توسط تشکیلات داخل صورت گرفته و رهبری تنها در مقابل کنگره سازمان پاسخگو خواهد بود.
۱۵	فصل هفتم - ارگانهای رهبری سازمان: ماده ۳۰ - تدارک برگزاری کنگره و تعیین نسبت نمایندگان شرکتکننده در آن به عهده کمیته مرکزی است. کمیته مرکزی موظف است دستور جلسه کنگره را حداقل دو ماه قبل از برگزاری آن به اطلاع تشکیلات برساند.	۱ - اطلاع دادن دستور جلسه از ۲ ماه به ۶ ماه تغییر کند. ۲ - این تبصره به ماده ۳۰ اضافه شود: تبصره - نسبت نمایندگان تشکیلات داخل دو برابر تشکیلات خارج خواهد بود.
۱۶	ماده ۳۱ - نمایندگان کنگره در... و در خارج کشور توسط کنفرانسهای کشوری برگزیده میشوند. اعضاء و... در کنگره برخوردارند.	در ماده ۳۱ بجای (کنفرانس کشوری) نوشته شود: (کنفرانس تدارکاتی قبل از کنگره)
۱۷	ماده ۳۷ - کمیته مرکزی عالیترین ارگان رهبری سازمان ... هدایت امور مالی و تنظیم مناسبات سازمان با دیگر احزاب، سازمانها و نهادها از وظایف کمیته مرکزی است.	ماده ۳۷ - به جای عبارت (هدایت امور مالی و تنظیم مناسبات سازمان با دیگر احزاب و سازمانها و نهادها) نوشته شود: (هدایت امور ارتباطات و امور مالی و تنظیم مناسبات...)
۸	ماده ۳۸ - شرط عضویت در کمیته مرکزی داشتن حداقل ۵ سال سابقه عضویت در سازمان است.	این تبصره اضافه شود: متناسب با تعداد اعضای سازمان در داخل در میان کل اعضای سازمان، رفقای از تشکیلات داخل برای کمیته مرکزی انتخاب میشوند. ۲ - ماده ۳۸ بدینصورت اصلاح میشود: شرط عضویت ... در سازمان و داشتن توان و تجربه کافی در زمینههای عملی و نظری است.
۱۹	ماده ۳۹ - پلنومهای نوبتی کمیته مرکزی هر... برگزار میشود.	به ماده ۳۹ این تبصره اضافه شود: هنگام بحث پیرامون مسائل عمده مربوط به داخل نمایندگانی از تشکیلات داخل در پلنومهای کمیته مرکزی بدون حق رای شرکت میکنند. نحوه و چگونگی امر را کمیته مرکزی تعیین مینماید. ماده ۳۹ اضافه شود: بررسی عملکرد رهبری سازمان یکی از وظایف پلنومهای نوبتی کمیته مرکزی است. به جای پلنوم نوبتی، پلنوم وسیع با شرکت کادرها و بویژه کادرهای داخل کشور منظور شود.
۲۰	ماده ۳۴ - کنگره فوقالعاده به درخواست کمیته مرکزی یا به تقاضای سازمانها و ارگانهایی که مجموعاً یکسوم اعضای سازمان را نمایندگی میکنند تشکیل میگردد.	در ارتباط با ماده ۳۴ اصلاحیه زیر آمده است: ۱ - (... تقاضای سازمانها و ارگانهایی که مجموعاً... حذف شود و به جای آن فقط (اعضا) آورده شود. مرجع تشخیص آرای اعضاء کمیسیون کنترل و بازرسی است. ۲ - به پیشنهاد بالا اضافه شود: دلایل و نظرات اعضاء برای برگزاری کنگره مبنایست با حذف موارد امنیتی در نشریه علنی سازمان درج گردد.



شماره	طرح اساسنامه پیشنهادی	اصلاحات و پیشنهادات
۲۱	ماده ۳۶: وظایف کنگره مبارتند از: الف - تصویب یا رد گزارشات کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی	به ماده ۳۶ بند الف اضافه شود: تصویب یا رد گزارش عملکرد، گزارش سیاسی و سایر گزارشات کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی،
۲۲	ماده ۴۱ - در صورت ضرورت کمیته مرکزی حق دارد با موافقت دو سوم اعضای خود افرادی را از بین مشاورین برای عضویت در کمیته مرکزی انتخاب نماید.	اصلاحیه و پیشنهادات ماده ۴۱: ۱ - کمیته مرکزی حق انتخاب اعضای جدید در فاصله دو کنگره را ندارد. ۲ - تبصره: در صورت ترمیم کمیته مرکزی از بین اعضای سازمان، عضو ترمیم شده دارای حق رای مشورتی خواهد بود. ۳ - بجای (در صورت ضرورت) آورده شود: (در صورت بروز حادثه و یا دستگیری رفیق یا رفقای از کمیته مرکزی).
۲۳	ماده ۴۲ - کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی توسط کنگره انتخاب میشود و در برابر آن مسئول است و به آن گزارش میدهد.	به ماده ۴۲ جدا از تبصره‌ای که اضافه شده و به تصویب رسیده است تبصره‌های زیر اضافه شود: تبصره ب: اعضای کمیته مرکزی موظفند به سئوالات و اطلاعات در خواست شده توسط کمیسیون کنترل و بازرسی پاسخ دهند. تبصره ج: کمیسیون کنترل و بازرسی قدرت اجرایی ندارد.
۲۴	فصل هشتم - تشکیلات سازمان در خارج کشور: ماده ۴۶ - تشکیلات سازمان در خارج کشور با هدف تبلیغ، ترویج و سازماندهی در میان ایرانیان مقیم خارج از کشور، جلب حمایت مادی و معنوی توده‌های مردم و نیروهای سیاسی و انقلابی و ترقیبخواه دیگر کشورها از مبارزه مردم ایران و تأمین امکانات برای گسترش مبارزه سازمان در داخل کشور، فعالیت مینماید. ماده ۴۷ - براساس اهداف فوق، وظایف و ساختار تشکیلات خارج از کشور توسط کمیته مرکزی تعیین میشود.	۱ - از آنجا که تشکیلات خارج چیزی جدا از تشکیلات داخل نیست ماده ۴۶ و ۴۷ حذف شوند. ۲ - تشکیلات خارج متشکل‌کننده هواداران سازمان در خارج از کشور بوده و به عنوان تشکیلات جنبی سازمان محسوب میگردد. ۳ - این اصلاحیه به ماده ۴۷ اضافه شود: تصویب و اصلاح این وظایف و ساختار بعهده کنفرانس سراسری خارج از کشور میباشد. ۴ - تبصره ۱ - تشکیلات سازمان در خارج از کشور بعنوان تشکیلات سازمانی با معیارهای ارثه‌شده در فصل عضویت عضوگیری میکنند. تبصره ۲ - برای عضوگیری تشکیلات فعلی سازمان در خارج، هر حوزه پایه سازمان پس از دریافت نظرات ارگان بالاتر اقدام به عضوگیری میکند. ۵ - کمیته مرکزی سازمان باید وظایف و مسئولیت‌های مشخص کلیه اعضاء و اعضای آزمایشی سازمان را که در شرایط مهاجرت بسر میبرند در چارچوب برنامه و سیاستهای جاری سازمان تعیین نماید. اعضاء و کادرهای سازمان که در خارج از کشور در حوزه‌ها و واحدهای مربوط به ارگانهای مرکزی و یا بعنوان مامور در واحدهای تابعه کمیته خارج (تشکیلات هواداری خارج از کشور) و یا در ماموریت‌های ویژه و مشخصی که از جانب رهبری سازمان تعیین میشود، انجام وظیفه میکنند، در هر موقع باید آماده نقل مکان، انتقال و تغییر مسئولیتها و ماموریت‌های محوله باشند. - ضوابط بالا ناظر بر دوره انتقالی مهاجرت، یعنی دوره‌ای است که اکثریت کمیته مرکزی سازمان در خارج کشور بسر میبرد.
۲۵	فصل دهم - سازمانهای توده‌ای ماده ۵۰ - کمیته‌های سازمان باید برای فعالیت در تشکل‌های توده‌ای اعم از... اهمیت بزرگی قائل شوند. کمیته‌ها باید ... و حمایت از استقلال این تشکل‌ها مبارزه کنند. تبصره - در شرایط سرکوب و اختناق ... سازمان برای ایجاد و گسترش هسته‌های مخفی ...	۱ - ماده ۵۰ حذف شود و به جای آن کمیسیون‌هایی از طرف کمیته مرکزی تعیین شده، نقشه و مشی سازمان در این باره را روشن نماید. ۲ - تبصره - ماده ۵۰ حذف شود.

# اساسنامه سازمان فدائی (مصوب کنگره وحدت)

## فصل اول

### عضویت در سازمان

۱- شرایط عضویت در سازمان عبارتند از:  
الف- تابعیت ایران

ب- پذیرش برنامه و اساسنامه سازمان

ج- فعالیت منظم و مستمر در یکی از ارگانهای سازمان

د- پرداخت منظم حق عضویت

ه- داشتن حداقل ۱۸ سال تمام

تبصره- اعضای دیگر احزاب و سازمانهای سیاسی نمی‌توانند در عین حال به عضویت سازمان پذیرفته شوند. چگونگی پذیرش اعضای سابق این احزاب و سازمانها که خواهان عضویت در سازمان می‌باشند، مطابق دستورالعمل مصوب کمیته مرکزی سازمان تعیین می‌شود.

### ۲- دوره آزمایشی

الف- متقاضیان عضویت در سازمان باید دوره‌ای به مدت یکسال را به عنوان عضو آزمایشی طی کنند تا با برنامه و اساسنامه سازمان آشنا شده و صلاحیتشان برای عضویت اثبات گردد.

تبصره ۱- دوره آزمایشی برای کارگران ۹ ماه است

تبصره ۲- دوره آزمایشی در خارج از کشور ۲ سال است

ب- اعضای آزمایشی همانند اعضای سازمان در تمامی فعالیت‌های سازمان شرکت می‌کنند. حقوق و وظایف آنان با حقوق و وظایف اعضا یکسان است جز این که اعضای آزمایشی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را ندارند و در تصمیم‌گیری‌ها نظر مشورتی می‌دهند.

### ۳- پذیرش اعضای آزمایشی

الف- عضویت در سازمان با درخواست شخصی و بطور انفرادی صورت می‌گیرد.

ب- متقاضیان باید از سوی دو عضو سازمان معرفی گردند.

ج- معرفیین باید حداقل دو سال سابقه عضویت در سازمان داشته باشند.

د- معرفیین باید نسبت به صلاحیت امنیتی متقاضی، اطمینان قطعی داشته باشند.

ه- درخواست عضویت در حوزه‌ای که آنرا دریافت کرده است مورد رسیدگی قرار گرفته و با موافقت حداقل دو سوم اعضای آن پذیرفته می‌شود.

و- موافقت حوزه پس از تأیید ارگان بالاتر رسیت یافته و متقاضی به عنوان عضو آزمایشی پذیرفته می‌شود.

### ۴- تبدیل عضو آزمایشی به عضو رسمی

الف- حوزه در پایان دوره آزمایشی موظف است تا نظر قطعی خود را در مورد تقاضای عضویت اعلام کند. دوره آزمایشی قابل تجدید است.

ب- تصمیم حوزه در مورد تأیید یا لغو عضویت پس از تأیید ارگان بالاتر رسیت می‌یابد.

ج- ارگان بالاتر حوزه باید حداکثر تا شش هفته پس از دریافت نظر حوزه پاسخ خود را کتبا به حوزه ابلاغ نماید. اگر پس از ۲ ماه جواب داده نشد نظر حوزه تثبیت و اجرا خواهد شد.

## فصل دوم

### وظایف و حقوق اعضا

۵- وظایف اعضا- عضو سازمان موظف است:

الف- برنامه و سیاستهای سازمان را در بین مردم تبلیغ و ترویج کند. پیوندهای مادی و معنوی سازمان با توده‌ها، بویژه کارگران و زحمتکشان را مداوماً افزایش داده و مستحکم سازد.

ب- اساسنامه سازمان را اجرا نموده و انضباط تشکیلاتی را بطور اکید رعایت نماید.

ج- در اجرای وظایفی که به عهده می‌گیرد بی‌گیری باشد.

د- برای تحکیم وحدت و یکپارچگی صفوف سازمان مجدانه تلاش نماید و علیه هر گونه فراقسینسم قاطعانه مبارزه کند.

ه- در ارتقای سطح آگاهی سیاسی و دانش ایدئولوژیک خود و دیگر اعضای سازمان بطور مستمر تلاش نماید و سلاح انتقاد و انتقاد از خود را برای رفع کمبودها و تصحیح اشتباهات شجاعانه بکار گیرد.

و- نمونه قاطعیت و آشتی‌ناپذیری در برابر دشمنان طبقه کارگر و فداکاری و از خود گذشتگی انقلابی باشد.

۶- حقوق اعضا- عضو سازمان حق دارد

الف- در انتخابات سازمانی به گانددیای مورد نظر خود رای دهد یا خود را گانددیاد کند.

ب- در مباحث سازمانی شرکت کند و نظر خود را آزادانه بیان نماید.

ج- در جلسات حوزه انتقادات خود را به هر عضو و یا ارگان سازمان، صرفنظر از موقعیت آنان مطرح نماید.

د- در جلسهای که برای رسیدگی به اعمال و خطاهای وی تشکیل میگردد، شخصاً حضور یابد و توضیحات ضرور را ارائه نماید.

ه- سوالات، نظرات، انتقادات و پیشنهادهای را که ضروری تشخیص دهد به ارگانهای بالاتر تا کنگره ارسال و تا گرفتن پاسخ بیگیری نماید.

## فصل سوم

### انضباط سازمانی

۷- انضباط سازمانی انضباطی آگاهانه است که مبتنی بر پیوستن داوطلبانه هر عضو به سازمان و پذیرش آگاهانه برنامه و اساسنامه آن می‌باشد. انضباط سازمانی به معنی وحدت عمل و آزادی بحث و انتقاد است.

۸- رعایت انضباط تشکیلاتی برای کلیه اعضای سازمان صرفنظر از موقعیت و سابق آنها بطور یکسان ضروری است. تمامی اعضای سازمان موظف به پیروی از اساسنامه و مقررات سازمان و پایبندی به اخلاقیات کمونیستی و ارزشهای عالی انسانی می‌باشند.

۹- در صورتی که عضو یا عضو آزمایشی مرتکب نقض اساسنامه گردد متناسب با آن خطا، یکی از مجازات‌های زیر در مورد وی اعمال می‌شود:

الف- تذکر شفاهی

ب- تذکر کتبی

ج- تعلیق از مسئولیت‌های سازمانی برای دوره زمانی معین

د- تنزل موقعیت سازمانی

ه- اخراج

۱۰- رسیدگی به موارد تخلف هر عضو یا عضو آزمایشی بوسیله ارگانی که وی بدان تعلق دارد، انجام می‌گیرد. پس از تعیین مجازات، عضو یا عضو آزمایشی حق دارد از ارگانهای بالاتر تقاضای رسیدگی مجدد نماید.

۱۱- اخراج شدیدترین مجازات سازمانی است و برای آن موافقت حداقل دو سوم اعضای حوزه یا کمیته مربوطه لازم است. حکم اخراج پس از تصویب ارگان بالاتر قابل اجرا است. ارگانهای بالاتر می‌توانند مجازات‌های پیشنهادی را لغو، تخفیف و یا تشدید نمایند. ارگانهای بالاتر حق دارند خود راساً اقدام به تنبیه اعضای تحت مسئولیتشان کنند. نام و مسئولیت سازمانی و دلایل اخراج هر فرد باید به اطلاع تشکیلات مربوطه برسد.

تبصره- کمیته‌های سازمان در داخل کشور می‌توانند تصمیم خود را مبنی بر اخراج اجرا نمایند اما اخراج زمانی رسیت می‌یابد که مورد تأیید ارگان بالاتر واقع گردد.

۱۲- کمیته مرکزی حق دارد در صورتیکه کمیته پائین‌تر انضباط سازمانی را نقض نماید تصمیمات تنبیهی اتخاذ یا آنرا منحل نماید

۱۳- اعضائی که در انجام وظایف خویش خلاقیت نشان داده و از نظر ایستادگی در مقابل دشمنان طبقاتی و فداکاری و پشتکار در راه تحقق آرمانهای طبقه کارگر نمونه هستند باید مورد تشویق قرار گیرند. تشویق به اشکال شفاهی و کتبی توسط ارگان مربوطه صورت می‌گیرد. ارگانهای بالاتر حق دارند در مورد اعضا و ارگانهای تحت مسولیت خود تصمیمات تشویقی اتخاذ نمایند.



سیاسی - ایدئولوژیک اعضای خود را ارتقا می دهد و آنان را با روحیه وفاداری به آرمان طبقه کارگر و انترناسیونالیسم پرولتری پرورش می دهد.

۲۴- از پیوستن حوزه ها بیکدیگر در سطح بخش یا شهر، سازمان بخش یا شهر بوجود می آید.

۲۵- سازمانهای شهر در مناطق مختلف کشور، سازمانهای ایالتی و ولایتی را که مستقیماً توسط کمیته مرکزی هدایت می شوند، ایجاد می کند.

۲۶- سازمانهای محلی (سازمان بخش، شهر، ولایت و ایالت) فعالیت تمامی ارگانهای تحت قلمرو فعالیت خود را رهبری می کند.

۲۷- عالی ترین ارگان محلی کنفرانس آن می باشد. در فاصله دو اجلاس کنفرانس، کمیته های محلی عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده می باشند که سازمانهای محلی را در چارچوب برنامه مصوب کنفرانس هدایت می نماید.

۲۸- سازمانهای محلی در چارچوب برنامه و سیاستهای سازمان در امور صرفاً مربوط به قلمرو فعالیت خویش راساً تصمیم می گیرند و تصویبات خود را بر اساس اکثریت مطلق آرا اخذ می کنند.

### فصل هفتم

#### ارگانهای رهبری سازمان

۲۹- عالی ترین ارگان رهبری سازمان کنگره است که هر دو سال یکبار برگزار می شود.

۳۰- تدارک برگزاری کنگره و تعیین نسبت نمایندگان شرکت کننده در آن به عهده کمیته مرکزی است. کمیته مرکزی موظف است دستور جلسه کنگره را حداقل دو ماه قبل از برگزاری آن به اطلاع تشکیلات برساند.

۳۱- نمایندگان کنگره در شرایط مخفی در داخل کشور توسط کمیته ها و در خارج کشور توسط کنفرانس های کشوری برگزیده می شوند. اعضا و مشاورین کمیته مرکزی از حق شرکت در کنگره برخوردارند.

۳۲- کنگره با حضور دو سوم کل نمایندگان رسمیت می یابد. تبصره - کسانی میتوانند در کنگره شرکت کنند که حداقل ۶ ماه عضو سازمان باشند.

۳۳- مصوبات و تصویبات کنگره با حد نصاب اکثریت مطلق کل نمایندگان قانونی بوده و تنها در کنگره بعدی قابل تجدیدنظر و تغییر است. انتصابات در کنگره با رای مخفی انجام می شود.

۳۴- کنگره فوق العاده به درخواست کمیته مرکزی یا به تقاضای سازمانها و ارگانهایی که مجموعاً یکسوم اعضای سازمان را نمایندگی می کنند، تشکیل میگردد.

۳۵- هر گاه کمیته مرکزی طی چهار ماه پس از دریافت تقاضای تشکیل کنگره فوق العاده به فراخوان آن اقدام نکند، سازمانها و ارگانهای متقاضی که حداقل یکسوم مجموع اعضای سازمان را نمایندگی می کنند، حق دارند با انتخاب یک کمیته سازمانده که از حقوق کمیته مرکزی در رابطه با برگزاری کنگره برخوردار است اقدام کنند.

۳۶- وظایف کنگره عبارتند از:

الف- تصویب یا رد گزارشات کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی

ب- تصویب، تغییر و یا اصلاح برنامه و اساسنامه سازمان

ج- تعیین استراتژی و تاکتیک و خط مشی فعالیت سازمان در زمینه های مختلف

د- انتخاب اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی تبصره - تعیین تعداد اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی در اختیار کنگره سازمان است.

۳۷- کمیته مرکزی عالی ترین ارگان رهبری سازمان در فاصله دو کنگره است. کمیته مرکزی فعالیت ثنوریک، سیاسی و تشکیلاتی سازمان را در چارچوب برنامه و اساسنامه و دیگر مصوبات کنگره رهبری می کند. نظارت و هدایت نشریات مرکزی بویژه ارگان مرکزی سازمان بعنوان مبلغ، روح و سازمانگر جمعی و تعیین مسئولین آنها به عهده کمیته مرکزی است. هدایت امور مالی و تنظیم مناسبات سازمان با دیگر احزاب، سازمانها و نهادها از وظایف کمیته مرکزی است.

۳۸- شرط عضویت در کمیته مرکزی داشتن حداقل ۵ سال سابقه عضویت در سازمان است.

تبصره - عضویت در کمیته مرکزی محدود به سه دور متوالی است.

### فصل چهارم مرکزیت دموکراتیک

۱۴- مرکزیت دموکراتیک اصل راهنمای ساختار و روابط تشکیلاتی سازمان است و بمعنای رهبری متمرکز بر پایه دموکراسی و دموکراسی تحت رهبری متمرکز می باشد. دموکراسی تنها در سایه علنییت وجود خواهد داشت.

۱۵- نکات اصلی مرکزیت دموکراتیک عبارتند از:

الف - انتخابی بودن تمامی ارگانها از پائین به بالا.

تبصره - تشکیل کمیته های جدید و یا بازسازی و ترمیم کمیته ها در شرایط مخفی به عهده ارگانهای بالاتر است. اعضای هر ارگان در این صورت پس از ۶ ماه کار مشترک، مسئول خود را انتخاب می نماید.

ب - گزارش دهی منظم ارگانها از بالا به پائین و بالعکس

تبصره - گزارش دهی باید در پایان برنامه عمل ارگانها صورت گیرد. کمیته مرکزی موظف است هر سه ماه یکبار تشکیلات را از دلایل مهمترین تصویبات سیاسی و سازمانی خود و مشکلات فراروی سازمان مطلع نماید.

ج- تبعیت اقلیت از اکثریت

د- لازم الاجرا بودن تصویبات ارگانهای بالاتر برای کلیه ارگانهای تحت مسئولیت.

۱۶- رهبری امور سازمان در کلیه سطوح منگی بر اصل رهبری جمعی و مسئولیت فردی است. این اصل به معنای تصمیم گیری و نیز نظارت و کنترل جمعی بر چگونگی اجرای تصویبات و واگذاری اختیارات لازم به مسئولین در قبال وظایف محوله است.

### فصل پنجم

#### چگونگی سازمان دادن مباحث

۱۷- مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون هیچ قید و شرط، یک اصل (پرنسیپ) در سازمان تلقی میشود.

۱۸- در ارگان مرکزی سازمان، صفحات معینی به "اظهاری نظر" اختصاص داده می شود. حجم و ضوابط ناظر بر این بخش را کمیته مرکزی روشن می کند.

۱۹- کمیته مرکزی سازمان موظف است نشریه ای علنی را بمنظور جریان نظر میان رفقای سازمان در زمینه های ثنوریک و سیاسی و نیز مسائل تشکیلاتی که خصلت امنیتی ندارند، منتشر کند.

۲۰- کمیته مرکزی موظف است پیشنهادات رسیده برای باز شدن مباحثات را در پروسه های سه ماهه همراه با دلایل آنها به اطلاع تشکیلات برساند. کمیته مرکزی در صورت مخالفت دلایل خود را ضمیمه خواهد نمود. اعضای سازمان در صورت موافقت با باز شدن بحث پیرامون موضوع پیشنهادی، باید نظر خود را به شکل کتبی از طریق ارگانهای مربوطه ارائه دهند.

### فصل ششم

#### ساختار تشکیلاتی سازمان

۲۱- تلفیق صحیح کار علنی و مخفی اصل خدشه ناپذیر فعالیت تشکیلاتی سازمان است. در شرایط سرکوب و خفقان شدید، اصل عدم تمرکز راهنمای فعالیت سازمان است.

۲۲- حوزه شالوده ساختار تشکیلاتی سازمان است که حداقل با سه عضو سازمان در محل کار و زندگی توده ها و با تصویب یکی از کمیته های محلی سازمان تشکیل میگردد.

۲۳- وظایف حوزه ها به شرح زیر است:

حوزه پیوند زنده سازمان با توده ها را برقرار می سازد. حوزه در مبارزه توده ها برای تحقق خواستها و منافع آنان شرکت می کند. مبارزه توده ها را متفکک و در تشکل های توده ای شرکت می کند. شعارها و سیاستهای سازمان را به توده ها توضیح می دهد. افکار و نظرات آنان را در سازمان منعکس می سازد و سازمان را بطور مستمر در جریان مسائل روزمره کارگران و زحمتکشان قرار می دهد حوزه نشریات سازمانی را توزیع می کند، برای سازمان کک مالی جمع آوری می کند و عناصر مبارز را به صفوف سازمان جلب میکند. آموزش

## سرکوب و اعدام در چین را محکوم می کنیم

بدنبال اعلام حکومت نظامی و بویژه پس از شروع عملی سرکوب، حزب کمونیست و دولت چین، از جنبش دانشجویان و مردم چین برای آزادی و دموکراسی، تحت عنوان "شورش ضدانقلابی" و "مانورها و توطئه های یک اقلیت بسیار کوچک که بدنبال بی نظمی و هرج و مرج هستند" یاد کرده، از پیش خود هدف "براندازی حاکمیت حزب کمونیست و نظام سوسیالیستی"، "احیای سرمایه داری"، خدمت به "بیگانگان، و" به خطر انداختن ثبات و امنیت سیهن" را به آنها نسبت داده و سرکوب این جنبش را تحت عنوان "پهروزی ارتش خلق بر شورش ضدانقلابی" ستوده اند. تمام این اتهامات بکلی بی پایه اند و حتی با اظهارات خود مقامات چین در طول هفته های اول تظاهرات نیز تضاد آشکار دارند. رهبرای حزب کمونیست و دولت چین، تا چندی قبل از "روحیه میهن پرستانه دانشجویان" سخن می گفتند، "تایل پرشور آنها به دموکراسی و قانونیت" را می ستودند و مزم خود را برای حرکت در جهت گسترش دموکراسی و قانونیت، مبارزه با فساد و تبعیض، توسعه علمیت و پی ریزی حکومتی صادق و سالم و متکی به قانون اعلام می داشتند. آنها اطمینان می دادند که منتظر آرام شدن اوضاع برای "تسویه حساب" با دانشجویان نیستند.

اما اینک همان دانشجویان و مردم را تحت انواع فشار و ارهاب و سرکوب قراردادند. رهبران چین همچنین تصفیه گسترده ای را در سطوح مختلف دستگاه حزبی و دولتی به راه نداخته اند. از جمله، زائوزیانگ، دبیر کل وقت حزب کمونیست، بدلیل طرفداری از خواسته های دانشجویان و همراهی با جنبش برای دموکراسی، از مقام خود برکنار شده و به "لیبرالیسم بورژوازی"، "تشویق فساد" و "تخریب مبانی وحدت حزب و کشور" متهم شده است. مقامات چین، فهرست اتهامات و پرونده های ساختگی زائوزیانگ را پیوسته قطورتر می سازند.

سرکوب جنبش برای آزادی و دموکراسی در چین و اعدام فعالین این جنبش، جنایتی علیه آزادی و سوسیالیسم، جنایتی علیه مردم چین و بشریت است. این اقدامات که بنام "دفاع از سوسیالیسم"، "دفاع از منافع مردم چین" و "خنثی کردن توطئه های ضدانقلاب" صورت میگیرد، ضرباتی به سوسیالیسم می زند که براتب از ضربات دشمنان سوسیالیسم بزرگتر و مخرب تر است. این روشها و اقدامات که هیچ قربانی با سوسیالیسم ندارند آرمان های آزادیخواهانه و عدالت جویانه ی سوسیالیسم را مخدوش می کنند و سیمای انسانی و بشر دوستانه ی آن را لکه دار می سازند.

سازمان فدائی، بنام دفاع از آزادی، دفاع از سوسیالیسم و دفاع از حقوق بشر در چین و در سراسر جهان، سرکوب جنبش برای آزادی و دموکراسی در چین و اعدام فعالین آن را مردود می داند و محکوم می کند. چنین اقداماتی، چنانکه تجربه تاکنون نشان داده است قادر به حل هیچ مسأله ای نیست و فقط به زیان کونیسم و کونیست ها تمام می شود. حزب کمونیست و دولت چین با این اقدامات فقط پیشرفت جامعه ی چین را با بن بست روبرو می کند و در برابر خواست و تلاش بر حق مردم در همان راستای دموکراسی و پیشرفت مقاومت می نماید. حاصل طبیعی و مستقیم این سیاست، این است که نه فقط مردم چین از سوسیالیسم دور و ناامید می شوند، بلکه جاذبه و نفوذ سوسیالیسم در مقیاس جهانی نیز کاهش می یابد. این امر دیگر یک اصل ثابت شده و بدیهی است که سوسیالیسم و دموکراسی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و سرکوب دموکراسی، نه تنها پیشرفت بعدی جامعه، بلکه همچنین دستاوردهای اقتصادی سوسیالیسم در دوره های گذشته را نیز به مخاطره می افکند.

کمیته مرکزی سازمان فدائی

تیرماه ۱۳۶۸

۳۹- پلنوم نوبتی کمیته مرکزی هر ۶ ماه یکبار تشکیل می شود. پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی بنا به درخواست یک سوم اعضای کمیته مرکزی یا به تقاضای هیئت اجرایی برگزار می شود.

۴۰- پلنوم کمیته مرکزی با حضور دو سوم اعضای آن رسیت یافته و تصویبات و مصوبات آن با اکثریت مطلق کل اعضای کمیته مرکزی قانونی است.

۴۱- در صورت ضرور، کمیته مرکزی حق دارد با موافقت دو سوم اعضای خود افرادی را از بین مشاورین برای عضویت در کمیته مرکزی انتخاب نماید.

۴۲- کمیته مرکزی در فاصله پلنوم ها، برای هدایت امور جاری سازمان از میان اعضای خود هیئت اجرایی سازمان را انتخاب می کند. تعداد اعضا و مشاورین هیئت اجرایی توسط کمیته مرکزی تعیین می شوند.

۴۳- هیئت اجرایی، در فاصله دو پلنوم کمیته مرکزی رهبری کشور، یک سیاسی و تشکیلاتی سازمان را در چارچوب مصوبات کمیته مرکزی به عهده دارد، کمیسیونهای مرکزی را تشکیل می دهد، اعضای آنها را از بین اعضا و مشاورین کمیته مرکزی برمیگزیند و اجلاس های کمیته مرکزی را تدارک می کند.

۴۴- کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی توسط کنگره انتخاب می شود و در برابر آن مسئول است و به کنگره گزارش می دهد.

تبصره - اعضای کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی نباید عضو کمیته مرکزی سازمان باشند.

۴۵- وظایف کمیسیون کنترل و بازرسی مرکزی بشرح زیر است:

- الف- نظارت بر اجرای صحیح و به موقع امور توسط ارگانهای مرکزی سازمان
- ب- نظارت بر اجرای درست برنامه و اساسنامه و نظارت بر پاسخگویی به درخواست ها و شکایات اعضا
- ج- نظارت بر امور مالی کمیته مرکزی و سازمان

فصل هشتم

تشکیلات سازمان در خارج کشور

۴۶- تشکیلات سازمان در خارج از کشور باهدف تبلیغ، ترویج و سازماندهی در میان ایرانیان مقیم خارج از کشور، جلب حمایت مادی و معنوی توده های مردم و نیروهای سیاسی انقلابی و ترقیخواه دیگر کشورها از مبارزه مردم ایران و تامین امکانات برای گسترش مبارزه سازمان در داخل کشور، فعالیت می نماید.

۴۷- براساس اهداف فوق، وظایف و ساختار تشکیلات خارج از کشور توسط کمیته مرکزی سازمان تعیین می شود.

فصل نهم

امور مالی

۴۸- درآمدهای مالی سازمان از طریق حق عضویت اعضا، کمکهای مالی اعضا و هواداران سازمان، عواید حاصله از فروش کتب و نشریات و فعالیت های انتفاعی سازمان، تامین میشود

۴۹- تعیین میزان حق عضویت و تنظیم بودجه سازمان به عهده کمیته مرکزی است

فصل دهم

سازمانهای توده های

۵۰- کمیته های سازمان باید برای فعالیت در تشکل های توده های امم از اتحادیه های کارگری و دهقانی و یا انجمن های زنان، جوانان و کارمندان و مجامع فرهنگی، علمی، هنری، ورزشی و ... اهمیت بزرگی قائل شوند.

کمیته ها باید فعالیت اعضای سازمان در تشکل های توده ای را هماهنگ و هدایت کنند و در جهت دفاع موثر از منافع توده ها و حمایت از استقلال این تشکل ها مبارزه کنند.

تبصره- در شرایط سرکوب و اختناق که فعالیت سندیگائی مستقل در کشور ممنوع است، سازمان برای ایجاد و گسترش هسته های مخفی در بین اقشار مختلف مردم مبارزه می کند. هسته مخفی از عناصر پیشرو، فعال و مبارز واحدهای تولیدی، محلات و ... صرف نظر از ایدئولوژی آنها تشکیل می شود.



## شهادت دکتر عبدالرحمان قاسملو

## دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران

دکتر عبدالرحمن قاسملو (کاک دکتر) دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، چهره‌ی ملی و مبارز خلق کرد و ایرانی آزادیخواهی که از زمان قاضی محمد تا به امروز، عمر خود را وقف خواسته‌های عادلانه‌ی مردم کردستان و تحقق دموکراسی در ایران ساخته بود، به همراه عبدالله قادری عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات توسط دشمنان آزادی و انسانیت به شهادت رسید.

عبدالرحمان قاسملو تجلی خستگی ناپذیری خلق کرد در مبارزه علیه ستم ملی، علیه دیکتاتوری و در پیکار برای خواسته‌های عادلانه‌ی مردم کردستان بود.

سالها رهبری مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران علیه دیکتاتوری شاه و علیه استبداد مذهبی رژیم اسلامی، ارتباط مستمر و گسترده با نیروهای اپوزیسیون ایران بویژه جنبش کمونیستی، مطالعات وسیع اقتصادی و اجتماعی، آشنائی با اوضاع و تحولات جهانی و روابط طولانی با جنبش‌ها و شخصیت‌های بین‌المللی طی دهه‌های گذشته، دکتر قاسملو را به رهبری یا تجربه و دوراندیش برای جنبش خلق کرد، به شخصیتی ملی و مجرب برای ایران و چهره‌ای معتبر و مورد احترام در عرصه‌ی بین‌المللی تبدیل ساخته بود.

دکتر عبدالرحمان قاسملو به شعار "دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" عمیقاً وفادار بود و شرط عملی شدن این شعار را اتحاد میان همه‌ی نیروهای مترقی و آزادیخواه ایران و پیوند جنبش خلق کرد با جنبش سراسری مردم ایران می‌دانست.

دکتر قاسملو با گرایش‌های تنگ‌نظرانه و انزواطلبانه‌ی ناسیونالیستی در کردستان مبارزه می‌نمود و همواره بر آن بود که جنبش خلق کرد باید از این‌گونه گرایش‌ها برحذر باشد. تلاش‌های صمیمانه‌ی وی در مقام رهبری حزب دمکرات کردستان ایران برای پیوند جنبش خلق کرد با جنبش سراسری مردم ایران از یکسوریش در درک پیشگفته داشت و از سوی دیگر ناشی از درک نیاز متقابل جنبش کردستان و جنبش سراسری ایران به اتحاد و همکاری بود.

کاک دکتر بویژه برای همکاری و اتحاد حزب دمکرات و جریانات چپ ایران اهمیت ویژه قائل بود و آن را شرط ضروری پایه‌ریزی یک جنبش نیرومند مترقی و آزادیخواه می‌دانست. او پیوسته این موضع حزب دمکرات کردستان ایران را گوشزد می‌کرد که دموکراسی در ایران شرط و ضامن تحقق خواسته‌های مردم کردستان ایران و در عین حال خودمختاری کردستان پایه‌ای قوی برای استقرار و پاسداری از دموکراسی در سراسر کشور است.

دکتر قاسملو در مبارزه برای تداوم خط مشی انقلابی حزب دمکرات کردستان در برابر رژیم اسلامی تلاش فراوان نمود و نقش مهمی در غلبه‌ی این خط‌مشی که در کنگره چهارم حزب با مخالفت شدید و گسترده مواجه بود، ایفا کرد. فقدان قاسملو ضایعه‌ی بزرگی برای جنبش خلق کرد، برای حزب ملی و انقلابی او و برای همه‌ی کسانی است که در راه آزادی و عدالت در ایران و اتحاد میان نیروهای ترقیخواه و دموکراتیک پیکار می‌کنند.

ترور ناجوانمردانه‌ی او و هم‌رزمش عبدالله قادری (کاک عبدالله)، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران نشانه‌ی تداوم مبارزات عادلانه مردم کردستان و ترس رژیم اسلامی از این جنبش خاموش ناشدنی و پایدار است. این جنایت بار دیگر چهره‌ی جنایتکار رژیم اسلامی را در انظار جهانیان به نمایش گذاشت و در عین حال توجه و همدردی هر چه بیشتر افکار عمومی جهان و ایران را به خواسته‌های عادلانه‌ی مردم کردستان و به سرزمین قهرمان‌پرور کردستان بمتابه‌ی سنگر پرجوش و تسلیم‌ناپذیر رزم علیه رژیم اسلامی برانگیخته است.

عبدالرحمان قاسملو به تمامی نیروهای مترقی و دموکراتیک ایران تعلق داشت. مرگ او جنایتکاران حاکم بر ایران، دشمنان خلق کرد و همه‌ی کسانی که خواستار تفرقه‌ی جنبش ترقیخواهانه‌ی ایران و تضعیف جنبش کردستان‌اند را خوشنود می‌سازد.

بهترین پاسخ نیروهای مترقی و آزادیخواه ایران به این جنایت رژیم اسلامی، تلاش صمیمانه در راه تقویت جنبش خلق، کوشش در راه نزدیکی و وحدت این جنبش، حمایت از حزب دمکرات کردستان ایران و مبارزه هر چه بیشتر در راه اتحاد همه‌ی نیروهای مترقی است.

در عین حال همه‌ی نیروهای مبارز، دموکراتیک و ترقیخواه ایران باید به سهم خود و به اشکال مختلف به این جنایت حکومت اسلامی پاسخ دهند و بدینسان ضایعه‌ی ترور وی را به موقعیتی برای دامن زدن به مبارزه در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی علیه رژیم آدمکش اسلامی و نزدیکی هر چه بیشتر صفوف اپوزیسیون ایران تبدیل کنند.

سازمان فدائی این ضایعه‌ی دردناک را به رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، به همه‌ی اعضا و پیش‌مرگه‌های قهرمان حزب، به مردم کردستان و به همه‌ی رزمندگان راه آزادی تسلیم می‌گوید و خود را در این مصیبت شریک می‌داند.

هی‌تردید حزب دمکرات کردستان ایران که در تاریخ خود از کوران‌ها و فراز و نشیب‌های فراوانی گذشته و تجارب گرانبهایی اندوخته است، خواهد توانست فقدان دکتر عبدالرحمان قاسملو و هم‌زمانش را جبران کند و صفوف حزب را در راه آرمان و اهداف شهید قاسملو که همان آرمان و اهداف حزب است هر چه فشرده‌تر و مصمم‌تر سازد.

سرتگون باد حکومت اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

پیروز باد مبارزه‌ی دلیرانه خلق کرد

گسترده باد همکاری و اتحاد همه‌ی نیروهای مترقی و آزادیخواه ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائی

۲۶ تیرماه ۱۳۶۸

## پلنوم اول کمیته مرکزی سازمان برگزار شد

بدنبال برگزاری کنگره وحدت، پلنوم اول کمیته مرکزی سازمان تشکیل شد و به بحث و تصمیم‌گیری در زمینه‌های زیر پرداخت:

- تنظیم اسناد مصوب کنگره و آماده ساختن آنها برای انتشار،
  - تصویب گزارش عمومی مباحث کنگره برای ارائه به جنبش،
  - وظایف مربوط به تشکیلات داخل و کردستان،
  - وظایف مربوط به تشکیلات خارج،
  - شیوهی برخورد به احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون،
  - بررسی مسأله‌ی مالی،
  - تصمیم‌گیری درباره‌ی اجلاس دوم کنگره و موضوعات آن،
  - خطوط اصلی آئین‌نامه‌ی کار کمیته مرکزی،
  - ساختار دستگاه رهبری و انتخاب هیئت اجرایی،
  - نام ارگان مرکزی و ارگان مباحث علنی سازمان.
- اسناد مصوب کنگره و گزارش عمومی از مباحث آن در همین شماره‌ی ارگان مرکزی منتشر شده است. تصمیمات تشکیلاتی متعاقباً به اطلاع فعالین سازمان خواهد رسید.
- پلنوم ضمن مشخص نمودن چگونگی تدارک اجلاس دوم کنگره، موضوعات آن را به شکل زیر تدقیق کرد:
- بررسی نقد عملکرد،
  - بررسی و تصویب برنامه‌ی سازمان،
  - اوضاع جهان و منطقه،
  - شیوهی برخورد با احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون،
  - قطعنامه‌های مربوط به تشکیلات داخل، تشکیلات خارج و مالی،
  - پیشنهادات باقیمانده درباره‌ی اساسنامه.
- در رابطه با نام ارگان مرکزی، پلنوم از میان مجموعه‌ی پیشنهادات، نام "اتحاد کار" را برگزید. این نشریه بعنوان "فدائی" (ارگان سازمان فدائیان خلق ایران) و "کار" (ارگان سازمان آزادی‌کار ایران - فدائی) محسوب می‌شود.
- پلنوم همچنین تصویب کرد که ارگان مباحث علنی سازمان تا اجلاس دوم کنگره، به نام "در راه کنگره" منتشر شود.

پلنوم اول کمیته مرکزی، بر ضرورت تحکیم و تثبیت وحدتی که بنا به اراده‌ی نمایندگان کنگره‌ی مشترک صورت گرفته است، بر لزوم تلاش در راه غلبه بر عوارض منفی ناشی از فقدان تجربه در زمینه‌ی دموکراسی و بحث علنی و مبارزه در راه وحدت صفوف جنبش چپ ایران تاکید نمود و تمام نیروهای سازمان را به پاسداری از دستاوردهای کنگره، تلاش پیگیر در راه اجرای مصوبات آن و حاکم کردن ضوابط قانونی و اجرای اساسنامه‌ی سازمان دعوت کرد.

هیئت اجرایی کمیته مرکزی سازمان فدائی

تیرماه ۱۳۶۸

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائی درباره رویدادهای چین

### سرکوب و اعدام در چین را محکوم می‌کنیم

جنبش عظیم دانشجویان و مردم چین در میدان تین آن من پکن و دیگر شهرهای چین که با شعارهایی چون: "آزادی"، "دموکراسی"، "حکومت قانون" و "مبارزه با فساد، گسترش تبعیضات و شکاف میان اقشار مردم" اوج گرفت، در اولین گامهای خود با عکس‌العمل خصمانه‌ی حزب کمونیست و دولت چین مواجه شد. پس از مدت کوتاهی برخورد ملایم و چند روز مذاکره، مقامات چین ابتدا با اعلام حکومت نظامی به مقابله با این حرکت توده‌ای پرداختند و پس از آن، به اقدامات سرکوبگرانه‌ی شدیدتری توسل جستند: به توپ، تانک و مسلسل بستن تظاهرکنندگان، دستگیری فعالین و شرکت‌کنندگان جنبش، وادار کردن آنها به مصاحبه‌ی تلویزیونی و اعتراف‌های اجباری، محاکمات نمایشی و اعدام ده‌ها تن از بازداشت‌شدگان، از جمله این اقدامات است.